

کتاب مزامیر

مقدمه

کتاب مزامیر که به «زبور داود» نیز شهرت دارد، ۱۵۰ سرود و شعر دل انگیز زبان عبری را که روان و زیبا سروده شده اند در خود گنجانیده است. تعداد زیاد این مزامیر را داود و بقیه را نویسندگان مختلف در یک دوران طولانی سروده اند. در ابتدا قوم اسرائیل این مجموعه سرودها را در عبادات خود استفاده می کردند که بعداً بحیث کتاب جداگانه بنام مزامیر ضمیمه کتاب مقدس گردید. این اشعار و سرودهای مذهبی که به سبک های مختلف ادبی سروده شده اند، خواست های عمیق درونی و احساسات خالصانه مختلف مردم را هم به شکل انفرادی و هم به شکل دسته جمعی در برابر خدا انعکاس می دهند. سرودهای حمد و نیایش، دعای استعانت، محافظت و رستگاری، دعا و التماس برای بخشایش، سرودهای شکرگزاری بخاطر برکات خدا و درخواست های مجازات برای دشمنان. مزامیر احساسات درونی انسان را در غم و شادی انعکاس می دهد. با خواندن مزامیر می فهمیم در هر روحیه و حالتی که باشیم می توانیم قلب خود را به حضور خداوند بگشائیم و به آزادی با خداوند خود راز و نیاز نمائیم.

عیسی مسیح نیز در تعلیمات خود از کتاب مزامیر استفاده کرده است و نویسندگان عهد جدید نیز از آن نقل قول کرده اند. بنابر این کتاب مزامیر به عنوان کتاب عبادت و پرستش در کلیسای مسیحی به کار برده می شود.

فهرست مندرجات:

کتاب مزامیر مجموعه پنج کتاب است که به شکل ذیل تقسیم شده است.

کتاب اول: مزمور ۱ - ۴۱

کتاب دوم: مزمور ۴۲ - ۷۲

کتاب سوم: مزمور ۷۳ - ۸۹

کتاب چهارم: مزمور ۹۰ - ۱۰۶

کتاب پنجم: مزمور ۱۰۷ - ۱۵۰

کتاب اول (مزمور ۱ - ۴۱)

خوشبختی واقعی

۴ خداوند که در آسمان بر تخت خود نشسته است، به آن‌ها می‌خندد و آن‌ها را مسخره می‌کند. ۵ آنگاه در خشم خود آن‌ها را سرزنش نموده و در غضب خویش آن‌ها را به وحشت می‌اندازد و می‌فرماید: ۶ «من پادشاه برگزیده خود را در کوه مقدس خود سهیون بر تخت نشانده‌ام.»

۷ پادشاه می‌گوید: «من فرمان خداوند را اعلام می‌کنم، زیرا به من گفته است: تو پسر من هستی امروز من پدر تو شده‌ام. ۸ از من درخواست کن و من همه اقوام جهان را به تو می‌بخشم و اختیار تمام جهان را به دست تو می‌دهم. ۹ تو با عصای آهنین بر آن‌ها حکمرانی نموده و مثل کوزه کوزه‌گران آن‌ها را خواهی شکست.»

۱۰ پس ای پادشاهان توجه کنید و ای حکمرانان روی زمین آگاه باشید. ۱۱ با ترس و احترام خداوند را عبادت کنید و با لرز خوشی نمائید. ۱۲ پسر را ببوسید مبدا غضبناک شود و شما در راههای خود هلاک شوید. زیرا غضب او ممکن است هر لحظه افروخته شود. خوشا به حال همه کسانی که بر او توکل دارند!

دعای صبحگاهان

(داود این مزمور را وقتی از دست

پسرش ابشالوم گریخته بود سرائید.)

۳ ای خداوند، دشمنانم چقدر زیاد شده‌اند! بسیاری بر ضد من بر می‌خیزند. ۲ بسیاری درباره من می‌گویند: «خدا برای او رهاننده نیست.»

خوشا به حال کسی که به مشورت مردمان شیرین نمی‌رود، در راه گناهکاران نمی‌ایستد و با مسخره‌کنندگان همنشین نمی‌شود، ۲ بلکه میل و رغبت او در شریعت خداوند است و شب و روز در آن تفکر می‌کند. ۳ او مثل درختی کاشته شده در کنار جویباری است که در هر موسم میوه خود را می‌دهد، برگهایش هرگز پژمرده نمی‌شوند و در همه کارهای خود موفق است.

۴ شیریان چنین نیستند، بلکه مانند کاه در اثر وزش باد به هر سو پراکنده می‌شوند. ۵ بنابراین شیریان در روز قیامت به سزای اعمال شان می‌رسند و گناهکاران در جمع درستکاران جا نخواهند داشت. ۶ زیرا خداوند طریق درستکاران را می‌داند، اما عاقبت گناهکاران هلاکت و نابودی است.

پادشاه برگزیده خدا

۲ چرا اقوام جهان شورش می‌کنند؟ چرا مردم افکار پوچ و باطل را در سر خود می‌پروراندند؟ ۲ پادشاهان روی زمین قیام می‌کنند و حاکمان بر ضد خداوند و مسیح او مشورت می‌نمایند. ۳ آن‌ها می‌گویند: «بیائید زنجیر بندگی خداوند را بگسلانیم و از قید و بند او خود را آزاد سازیم.»

خویش را بر ما بتابان! ^۷ شادمانی ای که در قلب من به وجود آورده ای، بیشتر از خوشی ای است که به هنگام برداشت محصول فراوان پدید می آید. ^۸ به سلامتی در بستر خود می روم و می خوابم، زیرا فقط تو ای خداوند، مرا در امنیت نگه می داری.

دعای محافظت

(مزموری از داود)

۵ ای خداوند، سخنان مرا بشنو و به تفکر من توجه فرما! ^۲ ای پادشاه و خدای من، به فریاد من گوش بده. زیرا به دربار تو دعا می کنم. ^۳ ای خداوند، سحرگهان آواز مرا می شنوی؛ هر صبح به دربار تو دعا می کنم و مشتاقانه انتظار می کشم.

^۴ تو ای خدا، از گناه بیزار هستی و شرارت را تحمل نمی کنی. ^۵ متکبران در پیشگاه تو نمی ایستند و از همه شیرین نفرت داری. ^۶ دروغگویان را نابود می سازی و از مردم قاتل و فریبکار بیزار هستی.

^۷ اما من بخاطر رحمت عظیم تو، به خانه تو داخل می شوم و تو را در عبادتگاه مقدست با ترس و احترام عبادت می کنم. ^۸ ای خداوند، به سبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من راست گردان. ^۹ زیرا در زبان ایشان راستی نیست و دل شان از شرارت پُر است. گلوی ایشان قبرگشاده و زبانهای شان پُر از ریا و فریب است. ^{۱۰} ای خدا، آن ها را گناهکار شمرده در

^۳ اما تو ای خداوند، گرداگرد من سپر هستی، جلال من و باعث سرافرازی من. ^۴ به آواز خود نزد خداوند فریاد می کنم و او مرا از کوه مقدس خود اجابت می کند. ^۵ اما من در بستر خود آرامیده به خواب می روم و دوباره بیدار می شوم، زیرا خداوند از من مراقبت می کند. ^۶ از دهها هزار دشمنی که مرا از هر طرف احاطه کرده اند ترسی ندارم.

^۷ ای خداوند، برخیز، ای خدا مرا نجات بده. بر رخسار همه دشمنانم زده و دندانهای شیرین را بشکن. ^۸ نجات از جانب خداوند است؛ برکت تو بر قوم برگزیده ات باد!

دعای شامگاه

(مزموری از داود)

۴ ای خدای عدالت من، دعای مرا مستجاب فرما! در تنگی مرا وسعت بخشیدی. بر من رحمت نما و دعای مرا بشنو. ^۲ ای بنی آدم تا به کی جلال مرا بی حرمت خواهید کرد؟ تا به کی چیزهای باطل را دوست داشته و آنچه را که دروغ است می پذیرید؟ ^۳ اما این را بدانید که خداوند اشخاص صالح را برای خود انتخاب کرده است. وقتی بحضور او دعا می کنم، دعای مرا می شنود.

^۴ خشم، سبب گناه شما نشود. در دلها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید. ^۵ قربانی های عدالت را تقدیم کنید و بر خداوند توکل نمائید.

^۶ بسیاری می گویند: «کیست که به ما احسان نماید؟» ای خداوند، نور چهره

دام خود شان گرفتار کن. بخاطر خطایای زیاد شان، آن ها را دور انداز زیرا بر ضد تو برخاسته اند.

۱۱ لیکن همه کسانی که به تو پناه می آورند شاد و مسرور بوده، تو را تا به ابد ستایش می کنند، زیرا تو پناهگاه آن ها هستی و آنهایی که اسم تو را دوست دارند در تو خوشی می نمایند. ۱۲ زیرا تو ای خداوند راستکاران را برکت می دهی و به رضامندی مانند سپر از آن ها دفاع می کنی.

دعا در هنگام پریشانی

(مزموری از داود)

۶ ای خداوند، در غضب خود مرا سرزنش مکن و در خشم خود مرا جزا نده. ۲ ای خداوند، بر من رحم کن زیرا که پژمرده شده ام. خداوندا، مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم را درد فرا گرفته است، ۳ روح من پریشان است. تا به کی ای خداوند، تا به کی؟

۴ ای خداوند، بیا و مرا برهان، به خاطر رحمت خود مرا نجات بده. ۵ زیرا که در موت ذکر تو نمی باشد! در قبر کیست که تو را ستایش کند؟

۶ از ناله خویشتن خسته شده ام. تمامی شب تخت خوابم غرق و بستم به اشکها تر است. ۷ چشمانم از شدت غم کم نور و از دست آزار دشمنان ضعیف شده اند.

۸ ای بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند آواز گریه مرا شنیده است. ۹ خداوند ناله و زاری مرا شنیده است. خداوند دعای مرا اجابت می نماید.

۱۰ همه دشمنانم بشدت شرمند گردیده و با خجالت و سرافکنندگی رانده می شوند.

دعای دادخواهی

(سرودی از داود)

۷ ای خداوند، خدای من! به تو پناه می آورم. مرا از همه تعقیب کنندگانم نجات و رهایی ده. ۲ مبادا جان مرا مثل شیری دریده، پاره پاره کنند و نجات دهنده ای نباشد. ۳ ای خداوند، خدای من! اگر این را کرده باشم که در دست من ظلمی پیدا شده، ۴ یا خوبی را با بدی تلافی نموده و یا بی سبب مال دشمنانم را تاراج کرده باشم، ۵ آنگاه بگذار دشمن جان مرا تعقیب نموده، به دام بیندازد و زندگی ام را بر زمین پایمال کند و عزتم را با خاک یکسان نماید.

۶ ای خداوند در غضب خود برخیز، به سبب خشم دشمنانم بلند شده و برای من بیدار شو! ای که عدالت را امر فرموده ای. ۷ همه قوم ها به حضورت جمع شوند و تو از بارگاه ملکوتی ات بر آن ها حکمرانی فرما. ۸ خداوندا، تو داور همه قوم ها هستی. ای خداوند، مرا مطابق عدالتم و نظر به کمالی که در من است داوری کن. ۹ بدی شریران را از بین برده و عادل را پایدار گردان، زیرا خدای عادل آزماینده دل و قلبها است.

۱۰ سپر من خدا می باشد که راستدلان را نجات دهنده است. ۱۱ خداوند داور عادل است و خشم او بر شریران هر روزه آشکار می گردد. ۱۲ اگر کسی از گناه خود توبه نکند، خداوند شمشیر خود را تیز و کمان

۹ ای خداوند، خدای ما! چه پُرشکوه است نام تو در تمامی زمین!

سپاس از خداوند، بخاطر عدالتش (مزموری از داود)

۹ خداوندا، با تمامی دل تو را ستایش نموده و جمیع کارهای شگفت انگیز تو را بیان می کنم. ۲ در تو خوشی و شادمانی نموده و نام تو را ای متعال می ستایم.

۳ وقتی دشمنانم عقب نشینی کنند، به زمین افتاده و از حضور تو هلاک می شوند. ۴ زیرا مرا با انصاف داوری کردی و چون داور عادل بر تخت خود نشسته ای.

۵ امت ها را سرزنش نمودی، شریران را هلاک ساخته و نام شان را برای ابد محو کردی. ۶ دشمنان نابود شدند و شهرهای شان خرابه های ابدی گردید که حتی یادی از آن ها باقی نماند. ۷ اما خداوند پادشاه ابدی است. او مسند داوری خود را برقرار کرده است. ۸ او جهان را با عدالت حکمرانی نموده و امت ها را با انصاف داوری می نماید.

۹ خداوند قلعه بلند برای مظلومان است و پناهگاه امن در هنگام سختی ها. ۱۰ آنانی که نام تو را می شناسند، به تو توکل می کنند، زیرا تو ای خداوند، کسانی را که جویای تو هستند ترک نکرده ای.

۱۱ سرود ستایش خداوند را که بر تخت خود در سهیون نشسته است بسرائید. کارهای او را به همه امت ها اعلام کنید. ۱۲ زیرا او که انتقام گیرنده خون است،

خود را آماده می سازد. ۱۳ سلاح کشنده او مهیا و تیرهای آتشین او در کمان است. ۱۴ زیرا شخص بدکار منشأ شرارت بوده، از ظلم حامله می گردد و دروغ را تولید می کند. ۱۵ او حفره ای کنده و آنرا عمیق می سازد، اما چاهی را که برای دیگران می کند، خودش در آن می افتد. ۱۶ ظلم او بر سر خود او برگشته و ستم او بر فرق خودش فرود می آید.

۱۷ من از خداوند بخاطر عدالت او شکرگزارم و سرود ستایش را بنام خداوند متعال می خوانم.

جلال خداوند و افتخار انسان (مزموری از داود)

۸ ای خداوند، خدای ما! چه پُرشکوه است نام تو در تمامی زمین و جلال تو مافوق آسمان ها است. ۲ حمد و ستایش را از زبان کودکان و اطفال شیرخوار به سبب دشمنان برقرار نمودی تا دشمن و انتقام گیرنده را خاموش گردانی. ۳ وقتی به آسمان تو می نگریم که صنعت انگشتهای توست و به ماه و ستارگانی که آفریده ای، ۴ پس انسان چیست که او را به یاد آوری و بنی آدم که از او دلجویی نمایی؟ ۵ او را اندکی پائینتر از خود ساختی و تاج عزت و افتخار را بر سرش گذاشتی. ۶ او را بر کارهای دست خود منصوب کرده و همه چیز را زیر پای وی قرار دادی. ۷ گوسفندان و گاوان و حیوانات وحشی را، ۸ مرغان هوا و ماهیان دریا را و همه جانورانی که در آب زندگی می کنند.

و سپاسگزاری شخص حریص توهین به خداوند است.

^۴ شخص شریر در غرور خود می‌گوید: «بازخواست نخواهد کرد.» همهٔ فکرهای او اینست که خدایی نیست. ^۵ راههای او همیشه مستحکم است. داوری‌های تو مافوق تصور و دور از او است. همهٔ دشمنان خود را به نظر حقارت می‌نگرد. ^۶ او در دل خود می‌گوید: «هرگز لغزش نمی‌خورم و هیچ نوع بدی به من نمی‌رسد.»

^۷ دهن او از لعنت و فریب و ظلم پُر است و از زبان او گناه و شرارت می‌بارد. ^۸ در دهکده‌ها کمین می‌کند و مردم بیگناه را می‌کشد و چشمانش در جستجوی مسکینان است. ^۹ در جای مخفی مثل شیر در بیشهٔ خود کمین می‌کند؛ به جهت گرفتن مسکین کمین می‌کند و فقیر را به دام خود کشیده، گرفتار می‌سازد. ^{۱۰} اشخاص بیچاره کوبیده و درمانده گردیده و مسکینان در اثر شکنجهٔ زورآوران از بین می‌روند. ^{۱۱} در دل خود می‌گوید: «خدا فراموش کرده است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نمی‌بیند.»

^{۱۲} ای خداوند برخیز! ای خدا دست خود را برافراز و مسکینان را فراموش مکن! ^{۱۳} چرا شخص شریر به خدا توهین می‌کند و می‌گوید: «خدا بازخواست نمی‌کند»؟ ^{۱۴} خداوندا، تو غم و مصیبت مردم را می‌بینی، تا به دست خود مکافات برسانی. مسکین سرنوشت خود را به تو تسلیم کرده است. مددگار یتیمان

ایشان را به یاد آورده و فریاد مسکینان را فراموش نمی‌کند.

^{۱۳} ای خداوند، بر من رحم کن و به ظلمی که از دشمنان می‌بینم، توجه فرما. ای که رهانندهٔ من از چنگال مرگ هستی. ^{۱۴} تا من تو را ستایش کنم و در حضور دختر سهیون در نجات تو خوشی نمایم.

^{۱۵} امت‌ها در چاهی که برای دیگران کنده بودند، افتادند و در دامی که برای دیگران نشانده بودند خودشان گرفتار شدند. ^{۱۶} خداوند با قضاوت عادلانهٔ خود، خود را به جهان شناسانیده است. شخص شریر از کار دست خود در دام گرفتار می‌گردد.

^{۱۷} اشخاص شریر و همه اقوامی که خدا را فراموش می‌کنند، در راه هلاکت روانند. ^{۱۸} زیرا مسکین همیشه فراموش نشده و امید بیچارگان تا به ابد ضایع نمی‌گردد.

^{۱۹} برخیز ای خداوند، قوم‌ها را داوری کن تا انسان فانی پیروز نگردد. ^{۲۰} ای خداوند، ترس خود را بر ایشان چیره گردان تا امت‌ها بدانند که انسانهای فانی هستند.

دعای دادخواهی

ای خداوند، چرا دور ایستاده‌ای و در اوقات سختی خود را پنهان می‌کنی؟ ^۲ تکبر شیران باعث رنج و آزار مسکینان می‌شود. پس آن‌ها را در دامهای خودشان گرفتار کن. ^۳ زیرا افتخار شخص شریر، به دست آوردن خواسته‌های نفسانی اش می‌باشد

درخواست کمک در وقت مصیبت

(مزموری از داود)

۱۲ ای خداوند، مدد فرما! زیرا اشخاص خداشناس دیگر وجود ندارند و مردمان امین و صادق در بین بشر دیده نمی شوند.^۱ همه به یکدیگر دروغ می گویند و با لبهای چاپلوس و دل منافق سخن می رانند.^۲ خداوند لبهای چاپلوس را قطع می کند و هر زبان متکبر را.^۳ که می گویند: «با زبان خود موفق می شویم. هرچه بخواهیم می گوئیم و کیست که مانع ما شود؟»

۴ خداوند می فرماید: «بخاطر ظلم بر مسکینان و ناله فقیران، بر می خیزم و نجاتی را که منتظر آن هستند به آن ها می دهم.»
 ۵ سخنان خداوند، سخنان خالص و پاک اند؛ مانند نقره ای که هفت بار در کوره تصفیه شده باشد.
 ۶ تو ای خداوند، آن ها را محافظت می کنی؛ از این نسل تا به ابد.^۷ وقتی خیانت و پلیدی در بین مردم رایج می شود، شیران در هر گوشه و کنار دیده می شوند.

دعا برای نجات از شر دشمنان

(مزموری از داود)

۱۳ ای خداوند، تا به کی مرا همیشه فراموش می کنی؟ تا به کی رویت را از من می پوشانی؟^۱ تا به کی افکارم مرا آزار دهند و دل من هر روزه از غم پُر باشد؟ تا به کی دشمنم بر من سربلندی کند؟

تو هستی.^{۱۵} بازوی گناهکار را بشکن و از شخص شریر بخاطر شرارتش بازخواست کن تا آن دیگر یافت نشود.

۱۶ خداوند پادشاه ابدی است. کسانی که خدایان دیگر را پرستش می کنند، از سرزمین او محو می شوند.^{۱۷} ای خداوند تو دعاهای مسکینان را می شنوی، به آن ها قوت قلب داده و به فریاد و زاری آن ها گوش فرا گرفته ای.^{۱۸} تو به داد یتیمان و ستمدیدگان می رسی. تا انسان خاکی موجب ترس و وحشت دیگران نشود.

اعتماد به خداوند

(مزموری از داود)

۱۱ به خداوند توکل می دارم. چرا به من می گوئید: «مثل پرنده به کوهها فرار کن.»^۲ زیرا شیران کمان را به دست گرفته و تیر را آماده کرده اند تا در تاریکی آن را به دل راستکاران بزنند.^۳ وقتیکه پایه های نظم فروریزد، مرد درستکار چه می تواند بکند؟

۴ خداوند در عبادتگاه مقدس خود است و تخت پادشاهی او در آسمان. چشمان او می نگرد و نگاههای او بنی آدم را می آزماید.^۵ خداوند شخص عادل را مورد آزمایش قرار می دهد و اما از شریر و ظلم پرور نفرت دارد.^۶ بر شیران باران آتش و گوگرد را می فرستد و بادهای زهرآلود حصه آن ها می شود.^۷ زیرا خداوند عادل است و عدالت را دوست می دارد و راستکاران روی او را می بینند.

اراده و رضای خدا

(مزموری از داود)

۱۵ ای خداوند، چه کسی می تواند به عبادتگاه تو داخل شود؟ و کیست که بر کوه مقدس تو ساکن گردد؟^۱ آن کسی که بی عیب بوده، عدالت را بجا آورده و قلباً راستگو باشد.^۲ که از غیبت خودداری نماید، به همسایه خود بدی نکند و بدگویی در مورد اقارب خویش را قبول نکند.^۳ کسی که معاشرت بدکاران را خوار، ولی اشخاص خداترس را محترم شمارد، به قول خود وفا کند اگرچه به زیانش تمام شود،^۴ از سودخوری پرهیز نماید و از مردم رشوه نگیرد.^۵ این چنین شخص تا به ابد مستحکم می باشد.

اطمینان در خداوند

(مزموری از داود)

۱۶ ای خداوند، مرا در پناه خود نگهدار، زیرا بر تو توکل دارم.^۱ به خداوند گفتم: «تو خداوند من هستی، نیکویی من نیست غیر از تو.»^۲ اما مقدسانی که در زمین اند و خاصان تو، تمامی خوشی من در ایشان است.^۳ غم و اندوه آنهای که پیرو خدایان غیر هستند، زیاد می شود. من برای این خدایان قربانی نمی کنم و حتی نام شان را هم بزبان نمی آورم.^۴ ای خداوند تو همه چیز من هستی. آنچه را که نیاز دارم به من اعطا کرده ای و آینده من در دستهای تو است.^۵ آنچه

ای خداوند، خدای من! بر من رحم کن و دعایم را قبول فرما! چشمانم را روشن کن تا خواب مرگ مرا فرا نگیرد.^۱ مبادا دشمنم بگوید: «بر او پیروز شدم.» و مخالفانم از پریشانی ام شاد شوند.^۲ اما من به رحمت تو توکل می دارم، دل من در نجات تو خوشی می کند.^۳ برای خداوند سرود می خوانم، زیرا که به من احسان نموده است.

شرارت انسان

(مزموری از داود)

۱۴ احمق در دل خود می گوید: «خدائی نیست.» اعمال شان فاسد و زشت است و حتی یک نفر نیکوکار نیست.^۱ خداوند از آسمان بر بنی آدم می نگرد تا ببیند که آیا شخص دانا و خداجوئی وجود دارد.^۲ همه گمراه و فاسد شده اند. نیکوکاری نیست، حتی یک نفر هم نیست.^۳ آیا همه این بدکاران شعور ندارند که قوم برگزیده خدا را مثل نان می خورند و نام خداوند را یاد نمی کنند؟^۴ پس ترس بر ایشان چیره می گردد، زیرا خداوند در بین عادلان حضور دارد.^۵ وقتی امید مسکینان را خوار بدانند، خداوند آن ها را در پناه خود می گیرد.^۶ ای کاش خداوند برای نجات اسرائیل از سهیون بیاید. وقتی که خداوند اسیران قوم برگزیده خود را بازگرداند، یعقوب خوشی می کند و اسرائیل شادمان می شود.^۷

آنهای را که به تو توکل دارند، از شر دشمنان می رهانی.^۸ مرا مثل مردمک چشم حفظ کن و در زیر سایه بالهای خود پناهم ده.^۹ از دست شیرانی که نابودی مرا می خواهند و از دشمنان جانم که مرا احاطه کرده اند.^{۱۰} این سنگدلان با زبان خویش سخنان تکبرآمیز می گویند.^{۱۱} به هر جایی که می روم تعقیب می کنند و در نظر دارند که مرا پایمال کنند.^{۱۲} مثل شیری که هوس دریدن دارد و مانند شیر بچه ای که در بیسه خود در کمین است.

^{۱۳} ای خداوند برخیز و در مقابل شیرین قرار گرفته و او را از پای درآور و جانم را با شمشیر خود نجات ده.^{۱۴} ای خداوند مرا با دست خویش از اهل جهان که هدف شان در زندگی فقط اندوختن مال و دارائی است برهان. آنهایی که شکم خود را از نعمت های تو پُر ساخته و از اولاد سیر شده اند و برای آن ها مال و ثروت می اندوزند.

^{۱۵} و اما من روی تو را در عدالت می بینم، و چون بیدار می شوم از دیدار تو سیر می گردم.

سرود پیروزی

(مزموری از داود که پس از
رهایی از دست شائول و تمام
دشمنانش آنرا سرائید)

(همچنین در دوم سموئیل ۲۲: ۱ - ۵۱)

ای خداوند، ای قوت من! تو
را محبت می نمایم.^۲ خداوند
صخره من است و پناهگاه و نجات دهنده

به من بخشیده ای نیکوست و میراث من عالی.^۷ خداوند را شکرگزارم، زیرا که مرا راهنمایی می کند. شب هنگام نیز وجدانم مرا هوشدار می دهد.

^۸ خداوند را همیشه پیش روی خود می بینم. چونکه در دست راست من است، لغزش نمی خورم.^۹ از این رو دل من خوشی می کند و وجودم از شادمانی لبریز می گردد. بدنم نیز در امنیت ساکن می باشد.^{۱۰} زیرا جانم را در عالم مرگ ترک نمی کنی و نمی گذاری که بنده برگزیده ات فساد را ببیند.^{۱۱} تو راه زندگی را به من می آموزی. در حضور تو کمال خوشی است و در دست راست تو سُرور ابدی.

دعای شخص عادل

(دعای داود)

۱۷ ای خداوند، فریاد عدالت خواهانه مرا بشنو و به دعای من که از دل بی ریا بر می آید، توجه فرما!^۲ داوری من از حضور تو صادر شود، زیرا چشمان تو حقیقت را می بیند.^۳ تو از دل من آگاهی و شب هنگام نزد من آمده ای. مرا کاملاً آزموده ای و خطایی در من نیافته ای، زیرا قصد کردم که هیچ بدی در سخنانم نباشد.^۴ در اطاعت از کلام لبهای تو، خود را از اعمال زشت آدمیان و راههای ظالمان نگاه داشته ام.^۵ قدم هایم در راه تو ثابت است، پس پاهایم نمی لغزند.

^۶ ای خدا، من تو را می خوانم زیرا که مرا اجابت می نمائی. پس به من گوش بده و دعای مرا بشنو.^۷ رحمت خود را بنمایان. ای که با دست راست خود،

من. خدایم صخره من است که به او پناه می برم. او سپر من و رهننده نیرومند و پناهگاه امن من است.^۳ خداوند را که شایسته ستایش است، می خوانم. پس، از دشمنانم رهایی می یابم.

^۴ رشته های مرگ مرا احاطه کرده و امواج نیستی مرا ترسانیده بود.^۵ رشته های گور بدورم پیچیده شده و دامهای مرگ در سر راهم قرار داشت.^۶ در افسردگی و پریشانی خود خداوند را خواندم و نزد خدای خود فریاد برآوردم. او آواز مرا از عبادتگاه مقدس خود شنید و فریاد من به حضورش به گوش وی رسید.

^۷ آنگاه از خشم او زمین تکان خورده و لرزان گردید. کوهها لرزیدند و اساس آن ها متزلزل شد.^۸ از بینی او دود برآمد و از دهانش شعله سوزنده فروزان شد و آتش ها از آن افروخته گردید.^۹ آسمان را پاره کرد و فرود آمد و زیر پاهایش تاریکی غلیظی بود.^{۱۰} ابر کروب، یعنی فرشته مقرب، سوار بود و بر بالهای تندباد پرواز می کرد.^{۱۱} تاریکی را همچو پرده و خیمه ای بدور خود قرار داد. مثل تاریکی آب های عمیق و ابرهای غلیظ آسمان.^{۱۲} درخشندگی حضور او، ابرهای تیره را شکافت و ژاله و شعله های آتش پدید آورد.^{۱۳} آنگاه خداوند از آسمان با صدای رعدآسا سخن گفت و آواز خداوند متعال از میان ژاله و شعله های آتش شنیده شد.^{۱۴} پس تیرهای خود را فرستاد و ایشان را پراکنده ساخت و با رعد و برق آن ها را پریشان کرد.^{۱۵} آنگاه به امر تو ای خداوند و با دمیدن نفَس

تو، اعماق بحرها نمایان شدند و اساس زمین آشکار گردید.

^{۱۶} آنگاه از عالم بالا فرستاده، مرا برداشت و از اعماق آب های بسیار بیرون کشید.^{۱۷} او مرا از دست دشمنان زورآورم رهایی داد و از بدخواهانی که قویتر از من بودند.^{۱۸} در روز بلای من بر سرم ریختند، اما خداوند پشتیبان من بود.^{۱۹} او مرا به جای وسیع آورد و نجات داد، زیرا که از من خوشنود بود.

^{۲۰} خداوند مرا مطابق عدالتم اجر داد و بر حسب پاکی دستم پاداش داد.^{۲۱} زیرا که طریق های خداوند را پیروی نموده و از حضور او منحرف نگردیدم.^{۲۲} جمیع اوامر او را مد نظر داشته و فرایض او را از خود دور نکرده ام،^{۲۳} در حضور او بی عیب بوده ام و از گناه خودداری کرده ام،^{۲۴} بنابراین خداوند مرا مطابق عدالتم و بر حسب پاکی دستم پاداش داده است.

^{۲۵} به اشخاص وفادار، وفادار هستی و به مردم کامل، کامل.^{۲۶} با کسانی که پاک هستند به پاکی رفتار می نمائی. با آنهایی که مکار هستند با مکر معامله می کنی.

^{۲۷} زیرا مردم مظلوم را نجات می بخشی و اشخاص متکبر را سرنگون می کنی.

^{۲۸} خداوند، چراغ مرا برافروز. ای خداوند، خدای من، تو راه تاریک مرا روشن می کنی.^{۲۹} با کمک تو بر صفوف دشمن حمله می کنم و با خدای خود از حصارها می گذرم.

^{۳۰} راه خدا کامل است و کلام او قابل اطمینان. او برای کسانی که به او پناه می آورند، سپر است.^{۳۱} زیرا کیست خدا

که انتقام مرا از دشمنان می‌گیرد و ملل جهان را به دست من مغلوب می‌سازد. ^{۴۸} او مرا از دست دشمنان رهایی بخشید، پیش بدخواهان سرفرازم ساخت و از مردم ظالم نجاتم داد. ^{۴۹} بنابراین ای خداوند، تو را در میان مردم ستایش کرده و به نام تو سرود سپاسگزاری می‌خوانم. ^{۵۰} او پادشاه خود را به پیروزی شایانی نایل می‌سازد و به برگزیده خود رحمت نموده است، یعنی به داود و نسل‌های او تا به ابد.

جلال خدا در آفرینش

(مزموری از داود)

آسمان جلال خدا را آشکار می‌سازد و فضای بیکران **۱۹** صنعت دستهای او را بیان می‌کند. ^۲ روز سخن می‌راند تا روز و شب معرفت خدا را بیان می‌کند تا شب. ^۳ بدون سخنی، بدون یک کلمه حرف و در عالم سکوت، ^۴ پیام‌شان به تمام روی زمین می‌رسد و آواز‌شان از دورترین نقطه دنیا شنیده می‌شود. ^۵ خدا برای آفتاب خیمه‌ای در آسمان برپا کرده است، او مثل دامادی است که از حُجله خود بیرون می‌آید و مانند قهرمانی که بی‌صبرانه منتظر مسابقه می‌باشد. ^۶ از یک سوی آسمان به سوی دیگر می‌خرامد، و هیچ چیز از حرارت او پنهان نمی‌ماند.

احکام خداوند

^۷ شریعت خداوند کامل است و جان را تازه می‌سازد. شهادت خداوند قابل اطمینان است و ساده دلان را حکمت

غیر از یهوه؟ و کیست صخره‌ای غیر از خدای ما؟ ^{۳۲} خدایی که مرا قوت می‌بخشد و راه‌های مرا راست می‌گرداند. ^{۳۳} پاهای مرا مثل پاهای آهو چُست و چالاک ساخته است و بر کوه‌ها استوارم نگاه می‌دارد. ^{۳۴} دستهایم را برای جنگ ماهر می‌سازد تا بازوانم بتوانند از کمان برنجی کار بگیرند. ^{۳۵} تو به من سپر نجات را بخشیدی. دست توانای تو حمایتم کرد و مهربانی تو مرا وسعت بخشیده است. ^{۳۶} راه را برای قدم‌هایم فراخ کردی تا نلغزم.

^{۳۷} دشمنانم را تعقیب نموده، به آن‌ها رسیدم و تا که آن‌ها را از بین نبردم برنگشتم. ^{۳۸} آن‌ها را بزمین کوبیدم تا نتوانند برخیزند و زیر پاهایم افتادند. ^{۳۹} زیرا تو مرا برای جنگ قوت بخشیدی و دشمنانم را بزیر پاهایم افگندی. ^{۴۰} دشمنانم را مجبور کردی که عقب‌نشینی کنند و از من فرار نمایند و من خصمانم را نابود کردم. ^{۴۱} آن‌ها برای کمک‌زاری نمودند، اما ره‌اندۀ نبود. بحضور خداوند استغاثه کردند، اما او هم به آن‌ها جوابی نداد. ^{۴۲} ایشان را مثل غبار به دست باد سپردم و مثل گِل و لای کوچه‌ها دور ریختم. ^{۴۳} در جنگ‌ها پیروزم کرده، حکمفرمای ملتها ساختی و قومی را که نشناخته بودم، خدمتگار من شدند. ^{۴۴} به مجردیکه نام مرا شنیدند تابع من گردیدند و در برابر من سر تعظیم خم کردند. ^{۴۵} بیگانگان جرأت خود را باخته، با ترس و لرز از قلعه‌های خود بیرون آمدند. ^{۴۶} خداوند زنده است! متبارک باد صخره من و متعال باد خدای نجات من! ^{۴۷} خدائی

یقین دارم که خداوند برگزیده خود را معاونت می‌کند و از جایگاه مقدس خود او را اجابت نموده و با قدرت بازوی خود به پیروزی های بزرگی نایل می‌گرداند.^۷ بعضی به عراده های جنگی خود می‌بالند و برخی به اسب های خویش، اما ما نام خداوند، خدای خود را یاد می‌کنیم.^۸ آن‌ها می‌لغزند و می‌افتند، ولی ما برخاسته و ایستاده ایم.^۹ ای خداوند، پادشاهت را پیروز گردان، و وقتی از تو کمک می‌خواهیم، ما را مستجاب فرما.

سپاسگزاری برای پیروزی

(مزموری از داود)

۲۱ ای خداوند، پادشاه از قوتی که به او داده ای شادمانی می‌کند و از پیروزی های که به او بخشیده ای بسیار خوشحال است.^۲ آرزوهای دل او را به وی بخشیدی و حاجات او را که به زبان آورد رد نکردی.^۳ زیرا با برکات نیکو او را ملاقات کردی و تاجی از طلای ناب را بر سرش نهادی.^۴ زندگی را از تو خواست و آنرا به وی دادی و عمر طولانی را تا به ابد.^۵ با کمک تو به عزت و شکوه رسید. شهرت و مقام را نصیب او کردی.^۶ برکات ابدی را به او ارزانی فرمودی. حضور تو دل او را پُر از خوشی ساخته است.^۷ زیرا پادشاه به خداوند اعتماد دارد و بخاطر رحمت خداوند متعال پایدار می‌ماند.^۸ دست تو همه دشمنانت را خواهد زد و دست راست تو کسانی را که از تو نفرت

می‌بخشد.^۸ فرایض خداوند راست است و دلها را شاد می‌کند. امر خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند.^۹ ترس خداوند نیکوست و برقرار تا به ابد. احکام خداوند حق و کاملاً عادلانه است.^{۱۰} مرغوبتر از طلا و زر خالص زیاد، شیرینتر از شهد و عسل خالص.^{۱۱} بنده تو از آن‌ها پاداش بسیار دارد.

۱۲ کیست که از سهوهای خود آگاه باشد؟ مرا از خطاهای مخفی ام پاک ساز.^{۱۳} همچنین مرا از گناهان عمدی و غرور بازدار که بر من مسلط نشوند، آنگاه بی عیب و دور از شر گناه خواهم بود.^{۱۴} سخنان زبانم و تفکر دلم مورد پسند تو باشد. ای خداوند که پناهگاه من و نجات دهنده من هستی!

دعای پیروزی

(مزموری از داود)

۲۰ خداوند تو را در روز سختی مستجاب کند و نام خدای یعقوب تو را سرافراز نماید.^۲ خداوند از بارگاه مقدس خود به تو کمک فرماید و از سهیون به دادت برسد.^۳ تمام هدیه های تو را بیاد آورد و قربانی های سوختنی تو را قبول کند.^۴ خداوند آرزوهای قلبی ات را برآورده سازد و در نقشه هایی که داری موفق گرددند.

۵ آنگاه بخاطر پیروزی هایت فریاد خوشی را برمی‌آوریم و بنام خدای خود علم خویش را برمی‌افزاییم. خداوند تمام دعاهایت را قبول فرماید!^۶ حالا

دارند.^۹ وقتی ظاهر می شوی، در آتش سوزان حضور تو می سوزند و شعله خشم تو ای خداوند آن ها را می بلعد و آتش ایشان را نابود می سازد.^{۱۰} اولاده شان را از روی زمین محو می سازی و نسل ایشان را از میان بنی آدم.^{۱۱} آن ها قصد بدی در مقابل تو داشته و دسیسه ها می سنجدند، ولی نمی توانند انجام دهند.^{۱۲} زیرا تو آن ها را هدف تیر خود قرار می دهی و آن ها بر می گردند و فرار می کنند.^{۱۳} ای خداوند متعال، بخاطر قدرتت تو را ستایش می کنیم و عظمت تو را می سرانیم.

فریاد غم و سرود ستایش
(مزموری از داود)

۲۲ ای خدای من، ای خدای من! چرا مرا ترک کرده ای؟ چرا از نجات من و از فریادم دور هستی؟ ای خدای من، در روز دعا می کنم و مرا اجابت نمی کنی. در شب نیز می نالم و آرامش ندارم.^۳ اما تو مقدس هستی، ای که بر تخت پادشاهی خود نشسته و بنی اسرائیل تو را ستایش می کنند.^۴ پدران ما بر تو توکل داشتند، بر تو توکل کردند و آن ها را نجات بخشیدی.^۵ بحضور تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند. بر تو توکل داشتند و خجل نشدند.

^۶ در نظر مردم مثل یک کرم هستم نه انسان. ننگ آدمیان هستم و نزد قوم خود خوار و حقیر.^۷ هر که مرا می بیند ریشخند می کند. با لبهای خود به

من طعنه زده، سر خود را می جنبانند و می گویند:^۸ «بر خداوند توکل کند تا او را نجات دهد. او را رهایی دهد چونکه به وی رغبت دارد.»^۹ اما تو بودی که مرا از رجم مادر بدینا آوردی و در آغوش او به من اطمینان بخشیدی.^{۱۰} من از رجم متعلق به تو بوده و از شکم مادرم خدای من تو هستی.^{۱۱} پس از من جدا مشو، زیرا تنگی فرا رسیده است و کسی نیست که به من کمک کند.^{۱۲} دشمنان همچون گاوهای قوی سرزمین باشان دور مرا گرفته و احاطه ام کرده اند.^{۱۳} دهان خود را بر من مثل شیرهای درنده و عُران باز کرده اند.^{۱۴} نیروی من از بین رفته است و تمام استخوانهایم از هم جدا شده و دلم مانند موم در صندوق سینه ام آب گردیده است.^{۱۵} گلویم مثل سفال خشک شده، زبانم به کام من چسپیده است و تو مرا بر روی خاک در حال مرگ گذاشته ای.^{۱۶} دشمنان مثل سگها دور مرا گرفته و گروه شیریر دستها و پاهای مرا سوراخ کرده اند.^{۱۷} همه استخوانهای خود را می شمارم. دشمنان به من چشم دوخته و می نگرند.^{۱۸} رخت مرا بین خود تقسیم می کنند و برای لباس من قرعه می اندازند.^{۱۹} اما تو ای خداوند از من دور مباش. ای مددگارم به یاری من شتاب کن.^{۲۰} جانم را از شمشیر نجات ده و یگانه مرا از چنگ این سگها برهان.^{۲۱} مرا از دهان شیر نجات ده و از میان شاخهای گاوان وحشی برهان.^{۲۲} نام ترا به برادران خود اعلام کرده و در میان جماعت تو را ستایش می کنم.

۹ وقتی ظاهر می شوی، در آتش سوزان حضور تو می سوزند و شعله خشم تو ای خداوند آن ها را می بلعد و آتش ایشان را نابود می سازد.^{۱۰} اولاده شان را از روی زمین محو می سازی و نسل ایشان را از میان بنی آدم.^{۱۱} آن ها قصد بدی در مقابل تو داشته و دسیسه ها می سنجدند، ولی نمی توانند انجام دهند.^{۱۲} زیرا تو آن ها را هدف تیر خود قرار می دهی و آن ها بر می گردند و فرار می کنند.^{۱۳} ای خداوند متعال، بخاطر قدرتت تو را ستایش می کنیم و عظمت تو را می سرانیم.

فریاد غم و سرود ستایش

(مزموری از داود)

۲۲ ای خدای من، ای خدای من! چرا مرا ترک کرده ای؟ چرا از نجات من و از فریادم دور هستی؟ ای خدای من، در روز دعا می کنم و مرا اجابت نمی کنی. در شب نیز می نالم و آرامش ندارم.^۳ اما تو مقدس هستی، ای که بر تخت پادشاهی خود نشسته و بنی اسرائیل تو را ستایش می کنند.^۴ پدران ما بر تو توکل داشتند، بر تو توکل کردند و آن ها را نجات بخشیدی.^۵ بحضور تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند. بر تو توکل داشتند و خجل نشدند.

^۶ در نظر مردم مثل یک کرم هستم نه انسان. ننگ آدمیان هستم و نزد قوم خود خوار و حقیر.^۷ هر که مرا می بیند ریشخند می کند. با لبهای خود به

می دهد. نزد چشمه های راحت راهنمایی ام می کند. ^۳ به من روح تازه می بخشد و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت می نماید. ^۴ حتی هنگام عبور از درهٔ تاریک مرگ از بدی نمی ترسم، زیرا تو همراه من می باشی. عصا و چوب دستی تو مرا تسلی می دهد. ^۵ در حضور دشمنانم سفره ای برابم تهیه نموده، سر مرا به روغن تدهین می نمائی و پیمانانم را لبریز می کنی. ^۶ یقیناً احسان و رحمت تو تمام روزهای عمرم با من می باشد و در خانهٔ خداوند تا به ابد ساکن خواهم بود.

پادشاه با عظمت

(مزموری از داود)

زمین و همه چیزی که در آن است به خداوند تعلق دارد. او مالک جهان و همه موجودات آن است. ^۲ زیرا که او اساس زمین را بر بحرها نهاد و آنرا بر دریاها استوار کرد. ^۳ کیست که به کوه خداوند بالا رود؟ و کیست که به جایگاه مقدس او داخل شود؟ ^۴ آن کسی که دستش به گناه آلوده نشده دل پاک داشته باشد. آن کسی که بت پرستی نمی کند و قسم دروغ نمی خورد. ^۵ آن شخص برکت را از خداوند دریافت می کند و عدالت را از خدای نجات خود. ^۶ این است کسی که جویای خداوند می باشد، جویای روی تو ای خدای یعقوب.

^۷ ای دروازه ها باز شوید! ای درهای ابدی بگشائید، تا پادشاه جلال داخل

^{۱۳} ای ترسندگان خداوند، او را سپاس گوئید. ای فرزندان یعقوب، او را تمجید نمائید و ای بنی اسرائیل، از وی بترسید و او را گرامی دارید. ^{۲۴} زیرا رنج رنجدیدگان را نادیده نگرفت و روی خود را از آن ها نپوشید، بلکه چون بحضور او فریاد برآوردند، دعای شان را اجابت فرمود. ^{۲۵} در حضور جماعت بزرگی ترا خواهم ستود و در برابر آنهایی که ترا می پرستند، وعده های خود را ادا می کنم. ^{۲۶} فقرا غذا خورده سیر خواهند شد، و جویندگان خداوند او را ستایش خواهند کرد، و شما تا به ابد زنده دل خواهید بود. ^{۲۷} تمام اقوام جهان بحضور خداوند بازگشت نموده و از هر گوشهٔ جهان خواهند آمد و او را پرستش خواهند کرد. ^{۲۸} زیرا سلطنت از آن خداوند است و او بر همه اقوام حکومت می کند. ^{۲۹} توانگران زمین سیر گشته و سجده خواهند کرد و انسانهای فانی در برابر او تواضع می نمایند، یعنی آنهایی که قادر به زنده ساختن جان خود نیستند. ^{۳۰} نسل آینده او را عبادت کرده و دربارهٔ خداوند به نسلهای بعدی خبر خواهد داد. ^{۳۱} ایشان آمده و عدالت او را به قومی که متولد می شود بیان خواهند کرد که خداوند قوم برگزیدهٔ خود را نجات داده است.

خداوند چوپان من است

(مزموری از داود)

خداوند چوپان من است. ^{۲۳} محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. ^۲ مرا در علفچرهای سرسبز قرار

۱۱ ای خداوند به خاطر نام خود، گناهان زیاد مرا ببخش. ۱۲ کیست آن شخصی که از خداوند می ترسد؟ خداوند او را در طریقی که اختیار کرده است هدایت می کند. ۱۳ جان او از نیکویی خدا برخوردار می گردد و اولادۀ او وارث زمین می شوند. ۱۴ راز خداوند با ترسندگان او است و پیمان او به ایشان تعلیم داده می شود. ۱۵ چشمان من همیشه به سوی خداوند است زیرا که او پاهای مرا از دام رهایی می دهد. ۱۶ به من توجه فرما و رحم کن، زیرا که تنها و درمانده ام. ۱۷ غمهای دلم زیاد شده است، مرا از سختی هایم نجات ده. ۱۸ بر بینوایی و رنج من توجه فرما و همه گناهانم را بیامرزد. ۱۹ دشمنانم را ببین زیرا که بسیارند و به کینه تلخ از من نفرت دارند. ۲۰ جانم را حفظ کن و مرا نجات ده تا شرمنده نشوم، زیرا به تو توکل دارم. ۲۱ صداقت و راستی حافظ من باشد، زیرا که چشم امید به تو دارم. ۲۲ ای خداوند، اسرائیل را از جمیع سختی های وی برهان.

دعای شخص عادل

(مزموری از داود)

۲۶ ای خداوند، به داد من برس، زیرا در صداقت رفتار می کنم و به تو توکل دارم، پس نخواهم لغزید. ۲ ای خداوند، مرا امتحان کن و بیازما. قلب و وجدانم را پاکیزه گردان. ۳ زیرا که رحمت تو را در نظر داشته و در راستی تو رفتار می کنم. ۴ با اشخاص بد هم نشین نیستم و با ریاکاران آمیزش ندارم. ۵ از

شود. ۸ این پادشاه جلال کیست؟ او خداوند قادر متعال است که در جنگها شکست نمی خورد. ۹ ای دروازه ها باز شوید! ای درهای ابدی بگشائید، تا پادشاه جلال داخل شود. ۱۰ این پادشاه جلال کیست؟ او خداوند قادر مطلق و همان پادشاه جلال است!

دعا برای هدایت و محافظت

(مزموری از داود)

۲۵ ای خداوند، به سوی تو جان خود را بر می افرازم. ۱۲ ای خدای من به تو توکل دارم. پس مگذار که شرمنده شوم و دشمنانم بر من سرافرازی کنند. ۳ بلی، کسانی که چشم امید بسوی تو دارند هرگز خجل نمی شوند، اما آنهایی که خیانت می کنند شرمنده و سرافکنده می گردند. ۴ ای خداوند، طریق های خود را به من بیاموز و راههای خود را به من تعلیم ده. ۵ مرا به راستی خود هدایت کن و تعلیم ده، زیرا تو خدا و نجات دهنده من هستی. چشم امید من همیشه بسوی توست. ۶ ای خداوند، شفقت و رحمت خود را بیاد آور، زیرا که آن ها از ازل بوده است. ۷ خطایای جوانی و سرکشی هایم را بیاد نیاور. ای خداوند مطابق رحمت و نیکویی خویش مرا یاد کن. ۸ خداوند نیک و عادل است، پس به گناهکاران راه راست را می آموزد. ۹ فروتنان را به انصاف رهبری می کند و به حلیمان طریق خود را تعلیم می دهد. ۱۰ همه راههای خداوند، برای آنهایی که به پیمان و احکام او وفادار هستند، رحمت و راستی است.

در سایبان خود پنهان و در عبادتگاه خود مخفی می‌کند و بر فراز صخره ای قرار می‌دهد.^۶ بر دشمنانی که اطرافم را احاطه کرده اند سرافراز می‌شوم. با فریاد خوشی در عبادتگاه او قربانی تقدیم می‌کنم و برای خداوند سرود ستایش می‌خوانم.

^۷ ای خداوند، فریاد مرا بشنو و رحمت فرموده، دعای مرا اجابت کن.^۸ تو فرموده ای: «روی مرا بطلیبید.» بلی ای خداوند، روی تو را می‌طلبم.^۹ روی خود را از من میپوشان و بر من خشمگین مباش. تو مددگار من بوده ای. ای خدای نجات من، مرا رد مکن و ترک منما.^{۱۰} حتی اگر پدر و مادرم ترک کنند، خداوند مرا ترک نخواهد کرد.^{۱۱} ای خداوند، طریق خود را به من بیاموز و بخاطر دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما.^{۱۲} مرا به دست دشمنانم نسیار، زیرا که شاهدین دروغ و آنهایی که سرچشمهٔ ظلم هستند، بر ضد من برخاسته اند.^{۱۳} به یقین می‌دانم که نیکویی خداوند را در دیار زندگان می‌بینم.^{۱۴} برای خداوند منتظر باش، دلیر شو و دلت را تقویت خواهد داد. بلی، منتظر خداوند باش.

درخواست کمک

(مزموری از داود)

۲۸ ای خداوند، نزد تو فریاد برمی‌آورم. ای صخرهٔ من، خاموش مباش، مبادا اگر خاموش باشی، مثل آنانی گردم که به گور می‌روند.^۱ آواز التماس مرا بشنو وقتی که به درگاه تو زاری می‌کنم و دست دعا را بسوی جایگاه

مشارکت با شیران متفرم و با اشخاص فاسد معاشرت نمی‌کنم.^۲ دستهای خود را از گناه پاک نموده و قربانگاه تو را طواف می‌کنم.^۳ با آواز بلند سرود حمد تو را می‌خوانم و خیر کارهای بزرگ تو را به همه جا اعلام می‌دارم.

^۴ ای خداوند، مکان مقدس تو را دوست می‌دارم و جایگاهی را که جلال تو در آنجا است.^۵ جانم را یکجا با گناهکاران دَرُو نکن و نه زندگی مرا با مردمان خونریز.^۶ زیرا که در دستهای ایشان آزار است و دست راست ایشان پُر از رشوه.^۷ اما من در صداقت رفتار می‌کنم. مرا نجات ده و بر من رحم فرما.^۸ پایهای من در جای هموار قرار گرفته است، پس خداوند را در اجتماع مقدسین مبارک می‌خوانم.

سرود اطمینان

(مزموری از داود)

۲۷ خداوند نور و نجات من است، از کی بترسم؟ خداوند پناهگاه جان من است، از کی هراسان باشم؟^۱ وقتی شیران به من نزدیک شوند تا مرا نابود سازند، یعنی بدخواهان و دشمنانم، ایشان می‌لغزند و می‌افتند.^۲ اگر لشکری به من حمله کند، دلم نمی‌ترسد و اگر برای جنگ بیایند، آنگاه نیز بر خداوند اطمینان می‌دارم.^۳ یک چیز از خداوند می‌خواهم و آنرا می‌طلبم، که تمام ایام عمرم در خانهٔ خداوند ساکن باشم تا از دیدار جمال او همیشه برخوردار باشم و در عبادتگاه او تفکر نمایم.^۴ زیرا در هنگام سختی‌ها مرا

بسیار است. ^۴آواز خداوند با قوت است. صدای خداوند با هیبت و با شکوه است. ^۵آواز خداوند سروهای آزاد را می شکند. خداوند سروهای آزاد لبنان را می شکند. ^۶خداوند کوه لبنان را مثل گوساله می جهانند و کوه جرمون را مثل گاو بیچه وحشی. ^۷آواز خداوند رعد و برق را تولید می کند. ^۸آواز خداوند بیابان را به لرزه می آورد و صحرای قادیس را متزلزل می کند. ^۹آواز خداوند درختان بلوط را تکان می دهد و جنگلها را بی برگ می سازد. در عبادتگاه خداوند همگی جلال او را توصیف می نمایند.

^{۱۰}خداوند بر فراز سیلاب جلوس فرموده و به عنوان پادشاه ابدی سلطنت می کند. ^{۱۱}خداوند قوم خود را قوت می بخشد. خداوند قوم برگزیده خود را به صلح و سلامتی برکت می دهد.

دعای شکرانگی

(مزموری از داود، سرود در وقت تقدیس عبادتگاه)

۳۰ ای خداوند به تو سپاس می گویم، زیرا که تو مرا نجات بخشیدی و نگذاشتی دشمنانم بر من ظفر یابند. ^۱ای خداوند، خدای من، بدربار تو برای کمک زاری کردم و تو مرا شفا دادی. ^۲ای خداوند، مرا از لب گور کشیدی و نجات دادی. مرا زنده ساختی تا هلاک نگردم.

^۳ای مقدسان خداوند، او را ستایش کنید و با شکرگزاری قدوسیت او را ذکر نمایید. ^۴زیرا که غضب او لحظه ای

مقدست برمی افرازم. ^۳مرا با شیران و بدکاران هلاک نساز که با همسایگان خود سخن صلح آمیز می گویند ولی آزار و اذیت در دل ایشان است. ^۴با آن ها موافق کردار و اعمال زشت شان رفتار نموده و مطابق عمل دست ایشان آن ها را مجازات کن. بدی ایشان را به خود شان برگردان. ^۵چون آن ها به کارهای خداوند و صنعت دست وی اهمیت نمی دهند، ایشان را ویران ساخته و اعمار نخواهی کرد.

^۶خداوند متبارک باد زیرا که آواز التماس مرا شنیده است. ^۷خداوند قوت من و سپر من است. از جان و دل به او توکل کردم و مدد یافتم. پس دلم از خوشی ذوق می زند و با سرود خود او را ستایش می کنم. ^۸خداوند قوت قوم خود است و برای برگزیده خویش قلعه نجات. ^۹قوم برگزیده ات را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را چوپانی کن و تا به ابد مورد توجه خود قرار ده.

هیبت صدای خداوند

(مزموری از داود)

۲۹ ای موجودات آسمانی، خداوند را ستایش کنید. جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید. ^۱خداوند را به جلال اسم او تمجید نمایید. خداوند را در شایستگی قدوسیت سجده کنید.

^۲آواز خداوند از ورای آبها شنیده می شود. آواز خدای جلال رعدآسا است. صدای خداوند مافوق آب های

برایم گسترده اند برهان.^۵ زیرا تو پناهگاه من هستی. روح خود را به دست تو می سپارم. ای خداوند، خدای حق، تو خونبهای مرا مهیا نموده ای.^۶ آنانی که اعتماد شان به بت است، مورد نفرت قرار می گیرند، اما من به خداوند توکل دارم.^۷ برای رحمت تو بسیار خوشی کرده و شادمانم. زیرا تو رنج مرا دیده و دلتنگی هایم را شناخته ای.^۸ مرا به دست دشمن اسیر نساختی و قدم های مرا وسعت بخشیدی.

^۹ ای خداوند، بر من رحم کن، زیرا در تنگنا و سختی هستم. چشمانم از غصه کم بین شده اند و جان و بدنم نیز بیتاب.^{۱۰} اعمرم در غم گذشت و سالهای زندگی را با ناله طی کردم. در اثر گناه، نیرو و توان من کاهش یافته و استخوانهایم بدرد آمده اند.^{۱۱} نزد همه دشمنانم رسوا شده ام، حتی پیش همسایگانم. آشنایانم از من می ترسند و آتهائی که مرا در کوچه و بازار می بینند فرار می کنند.^{۱۲} مثل مُرده ای از خاطره ها فراموش شده و مانند ظرف شکسته ای از نظر افتاده ام.^{۱۳} تهمت های زیادی می شنوم و ترس و وحشت دورادور من است، زیرا دشمنان برایم دسیسه می سازند و نقشه کشتنم را می کشند.

^{۱۴} اما من به تو ای خداوند توکل دارم و می گویم: «تو خدای من هستی.»^{۱۵} وقت های من در دست تو است، پس مرا از دست دشمنان و کسانی که به من جفا می رسانند رهایی ده.^{۱۶} نور چهره خود را بر بنده ات بتابان و مرا به رحمت خود نجات ده.^{۱۷} ای خداوند،

است، اما در لطف او حیات. خوشی صبحگاهان جایگزین گریه شامگاهان می گردد.^۶ اما من در آسودگی و آرامی خود گفتم: «تا به ابد لغزش نمی خورم.»^۷ ای خداوند، از لطف خود مرا مثل کوهی ثابت و پابرجا ساختی، اما وقتی رویت را از من پنهان کردی ترسان و پریشان شدم.^۸ ای خداوند، در پیشگاه تو فریاد بر می آورم. نزد خداوند التماس کرده گفتم:^۹ «از مرگ و رفتن من به گور چه فایده ای دارد؟ آیا جسد خاک شده می تواند تو را ستایش کند و راستی و وفاداری تو را بیان کند؟^{۱۰} ای خداوند، دعایم را بشنو و بر من رحم کن. ای خداوند مددگار من باش.»^{۱۱} تو غم و ماتم مرا به رقص خوشی تبدیل نمودی. تو رخت سوگواری را از من دور کرده و لباس خوشی به من پوشانیدی.^{۱۲} پس با تمام وجود برای تو سرود می خوانم و سکوت نخواهم کرد. ای خداوند، خدای من، تو را تا به ابد ستایش می کنم.

دعای توکل به خداوند

(مزموری از داود)

۳۱ ای خداوند، به تو توکل دارم، پس نگذار سرافکنده شوم تا به ابد. در عدالت خویش مرا نجات بده.^۲ به دعای من گوش فرا داده و هرچه زودتر مرا رهایی ده. پناهگاهی مطمئن و قلعه ای استوار برای من باش و مرا برهان.^۳ زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود راهنمای من باش و هدایتم فرما.^۴ مرا از دامی که در خفا

نگذار شرمنده شوم، زیرا نام تو را خوانده‌ام. بگذار شیران خجل شوند و در گور خاموش گردند.^{۱۸} زبان شخص دروغگو گنگ شود که با خشونت، گردن فرازی و سخنان زشت، عادلان را تحقیر می‌نمایند.^{۱۹} چه عظیم است نیکویی تو که برای خداترسان ذخیره کرده‌ای و آترا پیش چشم همه بر کسانی که به تو توکل دارند، آشکار ساخته‌ای.^{۲۰} آن‌ها را در پناه حضور خود، از مکر و حيلهٔ مردم حفظ می‌کنی و ایشان را در خیمه‌ای حمایت خود از زخم زبانها در امان می‌داری.^{۲۱} متبارک باد خداوند که رحمت شگفت‌انگیز خود را به من، در شهر محاصره شده‌ای، ظاهر ساخت.^{۲۲} من در سرگردانی خود گفتم که از نظر خداوند افتاده‌ام، اما وقتی نزد تو فریاد برآوردم، آواز التماس مرا شنیدی.

۱۳ ای مقدسان خداوند، او را دوست بدارید، زیرا خداوند اشخاص وفادار و امین را در پناه خویش نگاه می‌دارد، اما متکبران را به سزای اعمال شان می‌رساند.^{۲۴} ای همهٔ کسانی که چشم امید تان به سوی خداوند است، شجاع باشید و او دل شما را تقویت می‌دهد.

اعتراف و آمرزش

(مزموری از داود)

۳۲ خوشا به حال کسی که سرکشی او آرمزیده و گناه وی پوشیده

شده است.^۲ خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نمی‌آورد و مکر و حيلهٔ او را به وجود او نیست.^۳ تا زمانی

۸ خداوند می‌فرماید: «من به تو حکمت می‌آموزم و ترا به راهی که باید بروی هدایت می‌کنم. ترا نصیحت می‌کنم و چشم از تو بر نخواهم داشت.^۹ مانند اسپ و قاطر، نادان و بی‌شعور نباشید که به دهان شان لگام و افسار می‌بندند، ورنه از شما اطاعت نخواهند کرد.»^{۱۰} غم و غصهٔ شخص شریر زیاد است، اما هر که به خداوند توکل کند از رحمت برخوردار می‌شود.^{۱۱} پس ای عادلان در خداوند خوشی و شادمانی کنید و ای راستدلان سرود خوشی را سر کنید.

سرود ستایش

۳۳ ای عادلان در خداوند خوشی کنید، زیرا خداوند را ستودن زیندهٔ راستدلان است.^۲ خداوند را

نمی تواند کسی را نجات دهد. ^{۱۸} اما چشمان خداوند مراقب کسانی است که از او می ترسند و بر رحمت او اتکاء دارند. ^{۱۹} تا جان آن ها را از مرگ نجات دهد و در زمان قحطی ایشان را زنده نگاه دارد. ^{۲۰} امید ما بر خداوند است. او مددگار و سپر ماست. ^{۲۱} دلهای ما در او خوشی می کند زیرا به نام مقدس او توکل می کنیم. ^{۲۲} ای خداوند، رحمت تو بر ما باد، زیرا چشم امید ما فقط به سوی تو است.

در ستایش نیکویی خداوند

(مزموری از داود، موقعی که از نزد ابی ملک رانده می شود)

۳۴ خداوند را همیشه ستایش می کنم؛ شکر و سپاس او همواره بر زبانم جاری است. ^۲ جان من در خداوند فخر می کند. مسکینان این را می شنوند و خوشحال می شوند. ^۳ بیایید خداوند را تمجید کنیم و با هم نام او را ستایش کنیم. ^۴ خداوند را طلبیدم و او مرا اجابت فرمود و از قید جمیع ترسهایم آزاد کرد. ^۵ آنهایی که بسوی او نظر می کنند، منور می گردند و هرگز خجل نخواهند شد. ^۶ این حقیر فریاد برآورد و خداوند او را شنید و او را از همه سختی هایش نجات داد. ^۷ فرشته خداوند گرداگرد مردم خدا ترس است. او ایشان را محافظت کرده و می رهند.

^۸ بچشید و ببینید که خداوند نیکو است. خوشا به حال کسی که به او پناه می برد. ^۹ ای مقدسین خداوند از او بترسید، زیرا

با آهنگ چنگ ستایش کنید و با رباب سرود حمد او را بنوازید. ^۳ با سرودهای نو او را تمجید نمائید و با مهارت و آواز بلند بسرائید. ^۴ کلام خداوند برحق است و همه کارهای او قابل اعتماد. ^۵ خداوند عدالت و انصاف را دوست دارد. زمین از رحمت او پُر است. ^۶ به کلام خداوند آسمان ها آفریده شد و با یک کلمه ای که از او صادر شد، آفتاب، مهتاب و ستارگان بوجود آمدند. ^۷ آب های بحر را در یک جا جمع کرد آب های عمیق را در مخزنها ذخیره نمود.

^۸ ای تمام روی زمین، از خداوند بترسید، و ای جمیع مردم جهان، در حضور او با ترس و احترام بیایید، ^۹ زیرا که خداوند گفت و شد؛ به امر او همه چیز برقرار گردید. ^{۱۰} خداوند تصامیم ملتها را بی اثر می سازد و نقشه های اقوام جهان را نیست می گرداند. ^{۱۱} اما مشورت خداوند تا به ابد پایدار است و خواسته های او در تمام زمانه ها. ^{۱۲} خوشا به حال ملتی که خداوند، خدای ایشان است و قومی که خداوند ایشان را برای خود برگزیده است.

^{۱۳} خداوند از آسمان نگاه می کند و همه بنی آدم را می بیند. ^{۱۴} او از بالای تخت ملکوتی خویش تمام ساکنان جهان را زیر نظر دارد. ^{۱۵} او که آفریننده دلهاست، از افکار و کردار انسان آگاه می باشد. ^{۱۶} پادشاه به زیادی لشکر پیروز نمی گردد و هیچ عسکری به قوت بازوی خود رهایی نمی یابد. ^{۱۷} امید بستن به اسب جنگی کار بیهوده ای است. قوت آن

دعا برای کمک

(مزموری از داود)

۳۵

ای خداوند، با دشمنان من دشمنی نما و جنگ کن با کسانی که با من می‌جنگند.^۱ سپر و زره را بگیر و برای کمک من برخیز.^۲ نیزه و شمشیر را بر ضد تعقیب کنندگانم بلند کن و مرا از نجات جانم مطمئن ساز.^۳ آنانی که قصد جان مرا دارند، شرمند و رسوا شوند و کسانی که بدخواه من هستند، شکست خورده و خجل گردند.^۴ مثل گاه در برابر باد باشند و فرشتهٔ خداوند آن‌ها را براند.^۵ راه‌شان تاریک و لغزنده گردد و فرشتهٔ خداوند در تعقیب‌شان باشد.^۶ زیرا دام خود را بی‌سبب برای من گسترده و برای جان من بی‌جهت چاه کنده‌اند.^۷ پس بلائی ناگهانی بر سر‌شان بیاید و به دامی که برای من نهاده‌اند، خود‌شان گرفتار شوند و هلاک گردند.

^۸ آنگاه جان من در خداوند شادمانی می‌کند و بخاطر نجاتی که او می‌دهد خوشحال می‌گردد.^۹ با تمام وجودم می‌گویم: «ای خداوند، کیست مانند تو که شخص ضعیف را از دست زورمندان برهاند و مسکین و بینوا را از دست تاراجگران؟»

^{۱۰} شاهدان بی‌رحم برضد من برخاسته و مرا به کاری که نکرده‌ام متهم می‌سازند.^{۱۱} در مقابل نیکی‌هایم به من بدی می‌کنند و جان مرا می‌رنجانند.^{۱۲} و اما من، وقتی آن‌ها بیمار بودند لباس ماتم پوشیدم، جان خود را با روزه رنج دادم و برای

شخص خداترس محتاج به هیچ چیزی نمی‌باشد.^{۱۳} شیرها نیز نیازمند و گرسنه می‌گردند، اما کسانی که جویای خداوند هستند، از هیچ نعمت نیکو بی‌بهره نمی‌باشند.^{۱۴} ای فرزندان، بی‌ایید و به من گوش بدهید تا به شما درس خداترسی را بیاموزم.^{۱۵} آیا آرزومند زندگی هستی و دوست داری که عمر طولانی داشته باشی تا سعادت و نیکویی را ببینی؟^{۱۶} پس خود را از بدی و لبهایت را از سخنان فریبنده نگاه دار.^{۱۷} از شرارت دوری نما و نیکویی کن؛ جویای صلح باش و جهت برقراری آن کوشش نما.

^{۱۸} چشمان خداوند بسوی عادلان است و گوشهای وی متوجه فریاد ایشان.^{۱۹} روی خداوند ضد شیران است تا اثر ایشان را از زمین محو سازد.^{۲۰} وقتی راستکاران فریاد برمی‌آورند، خداوند ایشان را شنیده و از تمام سختی‌ها نجات می‌دهد.

^{۲۱} خداوند نزدیک دل شکستگان است و آنانی را که افسرده و اندوهگین‌اند، نجات می‌دهد.^{۲۲} رنج و زحمات شخص عادل زیاد است، اما خداوند او را از همهٔ آن‌ها می‌رهاند.^{۲۳} خداوند تمام استخوانهای او را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد حتی یکی از آن‌ها شکسته شود.^{۲۴} شیریر از شرارت خود هلاک می‌گردد و دشمنان شخص عادل مورد بازخواست قرار می‌گیرند.^{۲۵} خداوند جان بندگان خود را نجات می‌دهد و از کسانی که به او پناه می‌برند بازخواست نمی‌شود.

بر باد کردیم.»^{۲۶} آنانی که از بدبختی من شادند، شرمنده و خوار شوند و کسانی که بر من سرافرازی می کنند، سرافکنده و رسوا گردند.^{۲۷} اما آنانی که خواهان حق من هستند شادمان و خوشحال گردیده و پیوسته بگویند: «خداوند بزرگ است که خواستار سلامتی و سعادت خدمتگزار خود می باشد»^{۲۸} آنگاه زبان من عدالت تو را بیان می کند و ستایش تو را تمامی روز.

شرارت انسان

(مزموری از داود خدمتگزار خداوند)

۳۶ نافرمانی انسان شریر آشکار می کند که ترس خدا مد نظر او نیست.^۱ آنقدر خودخواه و مغرور شده است که فکر می کند گنااهش آشکار نمی شود و کسی او را متهم نمی کند.^۲ سخنان زبانش شرارت و فریب است.^۳ از فهم دور شده و از نیکوکاری دست کشیده است.^۴ در بستر خود شرارت را تفکر می کند، راه نادرست را عادت خود ساخته و از بدی نفرت ندارد.

نیکویی خداوند

^۵ ای خداوند، رحمت تو تا به آسمان ها می رسد و وفاداری تو مافوق ابرها.^۶ عدالت تو مانند کوهها پابرجا است و احکام تو عمیق تر از عمق های زمین. ای خداوند، تو مددگار انسانها و حیوانات هستی.^۷ ای خدا رحمت تو چقدر عالی و با ارزش است. آدمیان در سایه بالهای تو پناه می برند.^۸ همه از نعمت تو

شان دعا و زاری نمودم.^{۱۴} مانند کسی که برای یک دوست و برادر خود غصه کند و یا مانند کسی که در غم مادر خود نوحه کند، برای شان ماتم گرفتم.^{۱۵} اما وقتی که من در زحمت افتادم، آن ها شاد و خندان دورم جمع شدند و همچون آدم های پست مرا مسخره کردند و حتی آنانی که نمی شناختم از بد رفتاری با من دست برداشتند.^{۱۶} مثل بدکارانی در ضیافت ریاکارانه شان، دندانهای خود را جهت من بهم می سائیدند.

^{۱۷} ای خداوند، تا به کی نظاره گر خواهی بود؟ جانم را از شر آن ها خلاص کن و یگانه مرا از دست شیران درنده.^{۱۸} آنگاه در میان جماعت بزرگ ترا ستایش نموده و در جمع مردم ترا سپاس خواهم گفت.^{۱۹} نگذار آنانی که بی جهت دشمن من اند، بر من سرافرازی نمایند و آنانی که بی سبب از من متفرند مسخره ام کنند.^{۲۰} زیرا سخن آن ها با من از روی صلح نیست و با سخنان ریاکارانه بر ضد کسانی که عاجز و آرامند توطئه می چینند. آن ها مرا متهم ساخته می گویند: «ها ها، ما به چشم خود دیدیم»

^{۲۲} ای خداوند، تو از همه چیز آگاهی، پس سکوت مفرما. ای خداوند از من دور مباش.^{۲۳} ای خداوند و ای خدای من، برخیز و از من دفاع کن و به داد من برس.^{۲۴} ای خداوند، خدای من، موافق عدالت خود در مورد من داوری کن و نگذار که بر من سرافرازی کنند.^{۲۵} مگذار که آن ها در دل خود بگویند: «ما به آرزوی خود رسیدیم و او را

خداوند وارث زمین می شوند.^{۱۰} آدم بدکار در فرصت کمی نابود می شود و وقتی بجوئید او را نمی یابید.^{۱۱} اما اشخاص حلیم و فروتن مالک زمین می شوند و از صلح و سلامتی فراوان برخوردار می گردند.

^{۱۲} شیربر برای شخص عادل توطئه می چیند و دندانهای خود را بهم می ساید.^{۱۳} خداوند بر او می خندد، چون می داند که روز داوری او نزدیک است.^{۱۴} شیربران شمشیر را به دست گرفته و تیر و کمان را آماده کرده اند تا مسکین و بیچاره را از بین ببرند و راستکاران را به قتل برسانند.^{۱۵} اما شمشیر شان به قلب خود شان فرو می رود و کمان شان می شکند.

^{۱۶} مال اندک شخص راستکار بهتر از ثروت سرشار شیربران است،^{۱۷} زیرا خداوند بازوی شیربران را در هم می شکند و اما از راستکاران مراقبت می کند.^{۱۸} خداوند از تمام روزهای زندگی صالحان آگاه می باشد و میراث ایشان باقی است تا به ابد.^{۱۹} در زمان مصیبت شرمنده نشده و در ایام قحطی سیر می باشند.^{۲۰} اما شیربران هلاک می شوند. دشمنان خداوند مانند گلهای زودگذر صحرا از بین می روند و مثل دودی ناپدید می گردند.^{۲۱} شیربر قرض می گیرد، ولی دوباره نمی پردازد. اما شخص صالح رحیم و سخاوتمند است.^{۲۲} آنهایی که از خداوند برکت دیده اند وارث زمین می شوند، ولی کسانی که زیر لعنت خدا قرار دارند از بین می روند.

^{۲۳} خداوند قدم های آنانی را که مورد رضایت او هستند استوار ساخته و ایشان

برخوردار می شوند و از دریای رحمت تو می نوشند.^۹ تو سرچشمه زندگی هستی و در نور تو روشنی را می بینم.

^{۱۰} رحمت تو همیشه بر آنانی که تو را می شناسند باقی بماند و عدالت تو پیوسته همراه راستدلان باشد.^{۱۱} مگذار که پایمال اشخاص مغرور گردم و یا دست شیربران مرا مجبور به فرار سازد.^{۱۲} ببینید که چگونه بدکاران افتاده اند! آن ها طوری سقوط کرده اند که دیگر نمی توانند برخاست.

سرنوشت نیکان و بدان

(مزموری از داود)

۳۷ به سبب بدکاران خود را پریشان مساز و بر شیربران حسد مبر،^۲ زیرا آن ها به زودی مثل سبزه خشک شده و مانند علف پژمرده می گردند.^۳ بر خداوند توکل نما و نیکویی کن تا در روی زمین در امنیت و آسودگی بسربری.^۴ در خداوند شادمان باش و او تمنای دلت را برآورده می سازد.^۵ طریق خود را به خداوند بسپار و به او توکل کن و او تو را مدد می کند.^۶ او عدالت ترا مثل نور آشکار می سازد و راستی و حق تو را مانند ظهر.

^۷ در حضور خداوند سکوت نما و منتظر او باش. به خاطر کسی که در زندگی سعادت مند است و شخص فریبکار خود را پریشان مساز.^۸ غضب را کنار بگذار و خشم را ترک کن. تشویش را بر خود راه نده چونکه باعث گناه می شود.^۹ مردم شیربر از بین می روند، اما منتظرین

را براهی که باید بروند هدایت می‌کند. ^{۲۴} اگر بیفتند آسیبی به ایشان نمی‌رسد، زیرا خداوند دست آن‌ها را می‌گیرد. ^{۲۵} من جوان بودم و حالا پیر شده‌ام، ولی هرگز ندیدم که شخص راستکار ترک شده باشد و یا نسل او دست به گدائی دراز کرده باشد. ^{۲۶} شخص راستکار پیوسته مهربان و سخاوتمند است و اولادۀ او مبارک می‌باشند. ^{۲۷} از شرارت دوری نما و نیکویی کن. پس تا به ابد باقی خواهی ماند. ^{۲۸} خداوند انصاف را دوست می‌دارد و مقدسان خود را ترک نمی‌کند. از ایشان تا به ابد حمایت می‌کند، اما نسل شیرین نابود می‌گردد. ^{۲۹} صالحان وارث زمین می‌شوند و همیشه در آنجا زندگی می‌کنند. ^{۳۰} از دهان شخص صالح کلام حکمت شنیده می‌شود و زبان او همیشه از عدل و انصاف حرف می‌زند. ^{۳۱} او احکام و دستورات خداوند را در دل خود جای داده است پس از راه راست منحرف نمی‌شود. ^{۳۲} شیرین برای راستکار کمین می‌کند و قصد کشتن وی را دارد، ^{۳۳} اما خداوند شخص راستکار را به دست او نمی‌سپارد و نمی‌گذارد که در هنگام داوری محکوم شود. ^{۳۴} منتظر خداوند باش و از احکام او اطاعت کن. او ترا وارث زمین می‌سازد و تو به چشم خود نابودی بدکاران را خواهی دید.

دعای شخص رنج‌دیده

(مزموری از داود)

۳۸ ای خداوند، مرا در غضب خود سرزنش مفرما و در خشم خویش تنبیه نکن. ^۱ تیرهای تو در بدنم فرورفته‌اند و دست تو بر من سنگینی می‌کند. ^۲ به سبب غضب تو سلامتی در بدنم نیست و به سبب گناه خودم استخوانهایم بدرد آمده‌اند. ^۳ زیرا گناهانم از سرم گذشته است و مثل بارگران از طاقتم سنگین تر شده. ^۴ به سبب حماقت من، زخمهایم متعفن شده و چرک برداشته‌اند. ^۵ به خود می‌پیچم و بکلی خمیده شده‌ام؛ تمام روز از درد نالیده و بی‌قرارم. ^۶ زیرا کمرم از درد می‌سوزد و سلامتی در بدنم نیست. ^۷ تمام وجودم ضعیف شده و تحمل خود را از دست داده‌ام؛ از فغان دل خود می‌نالم.

^۸ ای خداوند، از تمام آرزوهایم خبر داری و ناله‌های من از تو پوشیده نیست. ^۹ اقلب من به شدت می‌تپد، نیرویم را از

^{۱۰} شخص شیرین و ظالمی را دیدم که همچون درختی سبزی به هر سو شاخ و برگ گسترده بود. ^{۱۱} اما طولی نکشید که از بین رفت و وقتی از آنجا می‌گذشتم

هستند، دهان خود را حفظ می‌کنم گویی لگام شده است.^۲ من گنگ و خاموش بودم و حتی حرف خوب هم از زبانم شنیده نشد، ولی درد من بازهم شدیدتر شد.^۳ دلم پُر از پِریشانی شد و هر چه بیشتر می‌اندیشیدم، آتش قلبم زیادتر می‌شد. سرانجام به سخن آمدم و گفتم:^۴ «ای خداوند، پایان عمرم را بر من معلوم ساز و اینکه ایام زندگانی من چقدر است تا بدانم که چقدر فانی هستم!»^۵ روزهایم را بسیار کوتاه ساختی و تمام زندگی‌ام در نظر تو هیچ است. برآستی عمر انسان مثل یک نَفَس است.^۶ انسان در خیالبافی زندگی می‌کند و بیهوده زحمت می‌کشد. ثروت ذخیره می‌کند ولی نمی‌داند که بعد از او دارائی‌اش نصیب چه کسی می‌شود.

^۷ و حالا ای خداوند، برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می‌باشد.^۸ پس مرا از همه گناهانم رهایی ده، مبادا نزد اشخاص نادان رسوا گردم.^۹ من در حضور تو خاموش هستم و زبان خود را باز نمی‌کنم، زیرا که تو باعث این شده‌ای.^{۱۰} این مصیبت را از من دور کن، زیرا که از سنگینی دست تو نزدیک است تلف شوم.^{۱۱} تو انسان را به خاطر گناهش تنبیه می‌کنی، گنجهایش مثل یک پارچه کویه خورده از بین می‌روند. بلی، عمر انسان فقط یک نَفَس است.

^{۱۲} ای خداوند، به دعایم گوش بده، زاری و ناله‌ام را بشنو و به اشکهایم توجه فرما، زیرا نزد تو مثل مهمان‌گذری هستم و مثل اجداد خود در این دنیا مسافر می‌باشم.

دست داده‌ام و نور در چشمانم نمانده است.^{۱۱} دوستان و رفقایم به سبب مصیبت من از من فاصله گرفته‌اند و خویشاوندانم از من دوری می‌کنند.^{۱۲} دشمنان برای کشتنم دام گسترده‌اند. بدخواهانم سخنان فتنه‌انگیز می‌زنند و همیشه علیه من دسیسه می‌سجند.

^{۱۳} ولی من مثل یک شخص کر نمی‌شوم و مانند گنگ حرفی نمی‌زنم.^{۱۴} بلی، مثل کسی گردیده‌ام که نمی‌شنود و حرفی در زبان ندارد.^{۱۵} اما ای خداوند، امید من به تو است و تو ای خداوند، خدایم جواب می‌دهی.^{۱۶} زیرا گفته‌ام که مبادا دشمنانم در بدبختی من شاد شوند و وقتی می‌افتم بر من سرافرازی کنند.^{۱۷} نزدیک است از پای درآیم و از دست درد لحظه‌ای آرام ندارم.^{۱۸} به گناه خود اعتراف می‌کنم و از خطای که کرده‌ام پشیمانم.^{۱۹} دشمنانم سالم و قوی هستند؛ بسیاری آنانی که بی سبب از من نفرت دارند.^{۲۰} آنانی که به عوض نیکی بدی می‌کنند با من دشمنی می‌ورزند، چون نیکویی را پیروی می‌کنم.

^{۲۱} ای خداوند، مرا ترک منما. ای خدای من از من دور مباش!^{۲۲} ای خداوندی که نجات من هستی، برای اعانت من تعجیل فرما.

اعتراف شخص رنج‌دیده

(مزموری از داود)

۳۹
به خود گفتم متوجه راههای خود می‌باشم تا با زبانم خطا نورزم. هنگامیکه شیران پیش من

۱۳ خشم خود را از من برگردان تا شادکام شوم، قبل از آنکه چشم از جهان پوشیده و نایاب گردم.

دعای کمک

(همچنین در مزمور ۷۰)

۱۱ ای خداوند، لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو پیوسته مرا محافظت کند. ۱۲ مصیبت زیادی مرا احاطه کرده است و گناهانم دورادور مرا گرفته اند، به حدی که نمی توانم دید. گناهانم از موی سرم زیادتر شده اند و امید خود را بکلی باخته ام. ۱۳ ای خداوند، رحم کن و مرا نجات بده. ای خداوند، برای امداد من بشتاب! ۱۴ آنهایی که قصد کشتن جانم را دارند، همه خجل و شرمنده شوند و آنانی که در پی آزار من هستند، مغلوب و رسوا گردند. ۱۵ کسانی که مرا تحقیر و مسخره می کنند، از رسوایی خویش حیران شوند. ۱۶ اما تمام کسانی که جویای تو هستند در تو خوشی و شادمانی کنند و آنانی که از نجات تو شکرگزارند، همیشه بگویند: «خداوند بزرگ است!» ۱۷ من بنده بیچاره و مسکین تو هستم. تو همواره در فکر من بوده ای. تو مددگار و نجات دهنده من هستی، پس ای خدای من تأخیر مکن.

دعای یک بیمار

(مزموری از داود)

خوشا به حال کسی که در فکر مردمان مسکین و بینوا است. خداوند او را در روز مصیبت

سرود پرستش

(مزموری از داود)

۴۰ انتظار بسیار برای خداوند کشیدم، پس به من توجه کرده و فریاد مرا شنید. ۱ او مرا از گودال هلاکت و لجن زار بیرون کرد. پاهایم را بر صخره ای گذاشت و قدم هایم را استوار گردانید. ۲ به من سرود تازه ای آموخت و آن سرود حمد خدای من است. بسیاری چون این را ببینند، می ترسند و بر خدا توکل می کنند. ۳ خوشا به حال کسی که بر خداوند توکل می کند و به اشخاص متکبر و پیروان دروغ رغبت ندارد.

۴ ای خداوند، خدای من، چه بسیار است معجزاتی که انجام داده ای و افکاری که برای ما داشته ای. زبانم از بیان آن ها عاجز است و شمار آن از حد زیاد. ۵ تو خواهان قربانی و هدیه نبودی؛ قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی، بلکه گوشه های مرا باز کردی. ۶ آنگاه گفتم: «اینک می آیم! در طومار کتاب درباره من نوشته شده است. ۷ در انجام اراده تو ای خدای من رغبت می دارم و احکام تو در قلبم ثبت شده است.» ۸ مژده عدالت تو را در جماعت بزرگ بیان کرده ام. تو ای خداوند، می دانی که من لبهایم را نخواهم بست. ۹ عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته ام؛ وفاداری و نجات تو را بیان

کتاب دوم (مزامیر ۴۲ - ۷۲)

دعای شخص پریشان

(قصیده ای از بنی قورح)

۴۲ چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا جان من هم اشتیاق شدید برای تو دارد. ^۲جان من تشنهٔ خداست، تشنهٔ خدای زنده. که کی بیایم و به حضور خدا حاضر شوم. ^۳اشکهایم شب و روز نان من بوده است، چون همواره به من می گویند: «خدای تو کجاست؟» ^۴چون گذشته را بیاد می آورم، جانم بی حال می گردد. چگونه با گروه مردم می رفتم و ایشان را به عبادتگاه خداوند پیشروی می کردم، با آواز خوشی و ستایش در جمع تجلیل کنندگان.

^۵ای جان من چرا افسرده شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید داشته باش زیرا که او را به خاطر نجات از طرف روی او دوباره ستایش خواهم کرد. ^۶ای خدای من، جان من افسرده است، بنابراین از سرزمین اُردن و کوههای جرمون و مسعر ترا به یاد می آورم. ^۷ندای عمق آنها و آواز آبشارها و جمیع خیزابها و امواج آن از سر من گذشته اند. ^۸در طی روز خداوند رحمت خود را بر من قرار می دهد و در شب سرود او در قلب من می باشد و دعایم نزد خدای حیات من. ^۹به خدا که صخرهٔ من است می گویم: «چرا مرا فراموش کرده ای؟ چرا بخاطر ظلم دشمنان

می رهند. ^۲خداوند از او حمایت می کند و او را زنده نگاه می دارد. او در زمین مبارک بوده و از شر دشمنانش در امان می ماند. ^۳خداوند او را در بستر بیماری تقویت می کند و صحت و سلامتی از دست رفته اش را به او بر می گرداند.

^۴من گفتم: «ای خداوند، بر من رحم کن. جان مرا شفا ده، زیرا نسبت به تو گناه ورزیده ام.» ^۵دشمنانم دربارهٔ من می گویند: «چه وقت می میرد و نامش از صفحهٔ زندگی محو می شود؟» ^۶اگر برای دیدن من بیایند، حرفهای بیهوده می زنند و در دل خود افکار شرارت آمیز را سنجیده و بعد آنرا به دیگران پخش می کنند. ^۷همهٔ دشمنانم با یکدیگر در مورد من سخن چینی می کنند و برای من بدی می اندیشند. ^۸می گویند: «به مرض کشنده ای گرفتار است و به سلامتی از بستر بیماری بر نمی خیزد.» ^۹حتی دوست صمیمی ام که به او اعتماد زیادی داشتم و نان و نمک مرا خورده، بر ضد من برخاسته است.

^{۱۰}ولی تو ای خداوند، بر من رحم فرموده، مرا از بستر بیماری بلند کن تا دشمنانم را مجازات کنم. ^{۱۱}از این می دانم که تو از من راضی هستی، چون دشمنم دیگر بر من سرافرازی نمی کند. ^{۱۲}تو مرا به خاطر درستکاری ام حفظ می کنی و در حضور خود برای همیشه می پذیری. ^{۱۳}متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل! از ازل تا به ابد. آمین و آمین!

داده ای، به ما بیان کرده اند.^۲ تو با دست خود امت ها را بیرون کردی، اما پدران ما را برقرار نمودی. قوم ها را تباہ کردی و ایشان را منتشر ساختی.^۳ زیرا که اجداد ما با شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند و بازوی ایشان آن ها را نجات نداد بلکه دست راست تو و بازوی تو و نور روی تو. زیرا از ایشان خشنود بودی.

^۴ ای خدا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات اولادۀ یعقوب امر فرما.^۵ با کمک تو دشمنان را مغلوب می کنیم و به نام تو مخالفان خود را پایمال می سازیم.^۶ زیرا بر کمان خود اعتماد نمی کنم و شمشیرم مرا نجات نمی دهد،^۷ بلکه تو ما را از دست جفاکنندگان ما رهایی می بخشی و دشمنان ما را رسوا می سازی.^۸ تمامی روز بر خدا فخر می نمائیم و نام تو را تا به ابد ستایش می کنیم.

^۹ اما حالا تو ما را ترک کرده و رسوا ساخته ای و دیگر لشکرهای ما را همراهی نمی کنی.^{۱۰} ما را از پیش دشمن فرار داده ای و آنانی که از ما نفرت دارند، ما را تاراج می کنند.^{۱۱} ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده ای و ما را در میان امت ها پراکنده ساخته ای.^{۱۲} قوم برگزیده خود را ارزان فروختی و از قیمت ایشان سودی نبردی.^{۱۳} ما را نزد همسایگان خوار ساخته ای و ما مورد توهین و تمسخر اطرافیان قرار گرفته ایم.^{۱۴} ما را در میان امت ها ضرب المثل ساخته ای و باعث جنبانیدن سر در میان قوم ها.^{۱۵} رسوایی من همه روزه در نظر من است و خجالت رویم را پوشانیده است،

در غم و ماتم باشم؟»^{۱۰} دشمنانم مرا ملامت می کنند و همواره به من می گویند: «خدای تو کجاست؟» و این همچون ضربۀ مهلک به استخوانهایم است.

^{۱۱} ای جان من چرا افسرده شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید داشته باش زیرا که او را دوباره ستایش خواهم کرد، که نجات روی من و خدای من است.

ادامۀ دعای شخص پریشان

۴۳ ای خدا، مرا داوری کن و در دعوی من با قوم بی رحم قضاوت کن. مرا از دست مردم حيله گر و شریر رهایی ده.^۲ زیرا تو خدا، پناهگاه من هستی. چرا مرا ترک کرده ای؟ چرا بخاطر ستم دشمن در غم و ماتم باشم؟^۳ نور و راستی خود را بفرست تا هادی و راهنمای من باشند و مرا به کوه مقدس تو و مسکن های تو برسانند.^۴ آنگاه به قربانگاه خدا می آیم، بسوی خدایی که خوشی و شادابی من است. و تو را ای خدا، خدای من با نغمۀ رباب ستایش می کنم.

^۵ ای جان من چرا افسرده شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید داشته باش زیرا که او را دوباره ستایش خواهم کرد، که نجات روی من و خدای من است.

خداوند در همه حال پشتیبان ما است

(قصیده ای از بنی قورح)

۴۴ ای خدا، ما به گوش خود شنیده ایم و پدران ما کاری را که در روزهای شان و در ایام قدیم انجام

بر ران خود ببند، یعنی جلال و جبروت را.^۴ به کبریایی خود سوار شده و به خاطر حقیقت و فروتنی و عدالت پیروز شو. دست راست کارهای عجیب و ترسناک را به تو خواهد آموخت.^۵ تیرهای تیز تو به دل دشمنان پادشاه فرو می روند و امت ها بزیر پای تو می افتند.

ای خدا، تخت تو تا به ابد برقرار است. عصای سلطنت تو عصای راستی و انصاف است.^۷ تو عدالت را دوست داشته و شرارت را دشمن می داری. بنابراین خدا، خدای تو، تو را بیشتر از همراهانت با روغن شادمانی مسح کرده است.^۸ لباسهای همه با مُر و عود و سلیخه، یعنی عطرها گوناگون، معطراند. با آلات موسیقی از قصرهای عاج تو را خوش ساختند.^۹ دختران پادشاهان، زیبایی دربار تو هستند و ملکه در دست راست، با لباسی از طلای خالص اوفیر ایستاده است.

ای دختر بشنو، ببین و توجه کن: قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن.^{۱۰} پادشاه دلپسته زیبایی تو است. او صاحب تو است، پس او را محترم بدار.^{۱۱} مردم صور و ثروتمندان قوم با هدایای خویش طالب رضامندی تو هستند.^{۱۲} دختر پادشاه در اندرون قصرش چه زیباست! لباسهایش مزین به طلا.^{۱۴} به لباس فاخر به حضور پادشاه حاضر می شود و دوشیزگان او را همراهی می کنند.^{۱۵} آنها با خوشی و شادمانی آورده شده و به قصر پادشاه داخل می شوند.

از آواز ملامت کننده و دشنام دهنده، از روی دشمن و انتقام گیرنده.

این همه بر ما واقع شده است، ولی تو را فراموش نکرده ایم و پیمانی را که با ما بسته ای نشکسته ایم،^{۱۸} دل ما از تو دور نگردیده و پاهای ما از طریق تو منحرف نشده است.^{۱۹} هرچند ما را در مکان شغالان کوبیدی و با تاریکی مطلق پوشانیدی.^{۲۰} اگر ما نام خدای خود را فراموش می کردیم و دست خود را بسوی خدایان غیر دراز می کردیم،^{۲۱} آیا خدا از این واقف نمی شد؟ زیرا او اسرار قلب را می داند.^{۲۲} یقیناً به خاطر تو همواره با مرگ روبرو بوده و مثل گوسفندانی هستیم که منتظر کشته شدن باشند.^{۲۳} ای خداوند، بیدار شو! چرا خوابیده ای؟ برخیز و ما را تا به ابد ترک مکن.^{۲۴} چرا روی خود را از ما پنهان کرده و ذلت و خواری ما را نادیده می گیری؟^{۲۵} زیرا که جان ما بر خاک افتاده و بدن ما به زمین خم شده است.^{۲۶} به جهت کمک ما برخیز و به خاطر رحمت خود ما را نجات بخش.

سرود عروسی ملوکانه

(قصیده ای از بنی قورح)

در حالیکه این سرود را برای پادشاه می سرایم، دل من به کلام نیکو می جوشد. زبان من قلم کاتب ماهر است.^۲ تو نیکوتر از بنی آدم هستی و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است. بنابراین، خدا تو را تا به ابد متبارک ساخته است.^۳ ای مقتدر شمشیر خود را

۴۵

خداوند پادشاه تمام جهان است

(مزموری از بنی قورح)

ای تمام اقوام جهان کف بزنید
و سرود خوشی را با آواز بلند

۴۷

به حضور خداوند بسرائید.^۱ زیرا خداوند
متعال و مهیب است و بر تمامی جهان
خدای بزرگ. او ما را بر قوم ها غالب
می سازد و طایفه ها را به زیر پای ما
می اندازد.^۲ میراث ما را برای ما خواهد
برگزید یعنی جلال یعقوب را، که او را
دوست می دارد.

خدا در میان آواز بلند صعود نموده
است، خداوند در میان صدای شیپور.
^۳ ستایش کنید، خدا را ستایش کنید.
ستایش کنید، پادشاه ما را ستایش کنید.
^۴ چون خدا پادشاه تمامی جهان است،
پس او را با سرود ستایش کنید.^۵ خداوند
بر تخت مقدس خود نشسته و بر اقوام
جهان سلطنت می کند.^۶ سروران اقوام
جهان با قوم خدای ابراهیم برای پرستش
او جمع می شوند، زیرا که سپرهای جهان
از آن خداست. او بسیار متعال می باشد.

سهیون شهر خدا

(سرودی از بنی قورح)

خداوند بزرگ است و
بی نهایت قابل ستایش، در

۴۸

شهر خدای ما و در کوه مقدس خویش.
^۱ کوه بلند و زیبای سهیون که در شمال
شهر پادشاه بزرگ واقع است، به تمامی
جهان خوشی می بخشد.^۲ خدا در
قصرهای آن به پناهگاه بلند معروف

^۳ پسرانت نیز مانند اجدادت خواهند
بود و تو آن ها را در تمامی سرزمین به
حکمرانی می گماری.^۴ نام تو را در تمام
نسل ها مشهور می سازم و قوم ها تا به ابد
سپاسگزار تو خواهند بود.

خدا پناهگاه ما است

(قصیده ای از بنی قورح)

خدا پناهگاه و قوت ماست و
در وقت سختی ها مددگار قابل
اعتماد.^۱ بنابراین ترسی نداریم، اگر چه
دنیا ویران شود و کوهها در قعر اوقیانوسها
فروریزند،^۲ یا آب های بحر غرش کنند و
به جوش آیند و کوهها از سرکشی آن لرزان
گردند.

^۳ نهریست که شاخه هایش شهر خدا را
شادمان می سازد و مسکن مقدس خداوند
متعال را.^۴ خدا در وسط اوست، پس آن
شهر از ویرانی در امان است. خدا در
طلوع صبح او را کمک می کند.^۵ امت ها
غرش می کنند و مملکت ها بیجا
می گردند. او آواز خود را می دهد، پس
زمین ذوب می گردد.^۶ خداوند قادر مطلق
با ماست و خدای یعقوب پناهگاه ما.

^۷ ببینید کارهای خداوند را مشاهده کنید
و عجایب او را در روی زمین.^۸ او جنگها
را در سراسر جهان خاتمه می دهد. کمان
را می شکند، نیزه را قطع می کند و
ارابه ها را به آتش می سوزاند.

^۹ آرام باشید و بدانید که من خدا هستم،
در میان امت ها متعال و در جهان متعال
می باشم.^{۱۰} خداوند قادر مطلق با ماست و
خدای یعقوب پناهگاه ما.

و با نوای چنگ معمایی خود را حل می‌کنم.

^۵ چرا در روزهای مصیبت، وقتی که شرارت حيله گران احاطه ام کنند، ترسان باشم؟ ^۶ آنانی که متکی به ثروت خود هستند و به زیادی مال و دارائی خود می‌بالند، ^۷ هیچیک از اینها نمی‌تواند با مال و دارائی خود بهای حیات یکنفر را بپردازد و یا کفاره او را به خدا تقدیم کند. ^۸ زیرا فدیۀ جان ایشان گرانبهاست و غیر قابل دسترسی. ^۹ هیچ کسی نمی‌تواند تا به ابد زنده بماند و فساد را نبیند.

^{۱۰} زیرا می‌بیند که حکیمان می‌میرند و جاهلان و احمقان باهم هلاک می‌گردند و ثروت خود را برای دیگران ترک می‌کنند. ^{۱۱} فکر دل ایشان این است که خانه‌های ایشان دائمی باشد و جایداد ایشان از یک نسل به نسل دیگر. آن‌ها برای اینکه خاطره شان جاودانی باشد، نام خود را بر زمین‌های خود می‌گذارند. ^{۱۲} لیکن انسان در شکوه خود باقی نمی‌ماند بلکه همچون حیوان جان می‌سپارد.

^{۱۳} این راه ایشان، جهالت ایشان است و نیز سرنوشت بازماندگان ایشان که سخن آن‌ها را می‌پسندند. ^{۱۴} مثل گوسفندان به طرف کشتارگار روانند و موت آن‌ها را شبانی می‌کند. صبحگاهان مردمان راستکار بر ایشان حکومت می‌کند و وجود شان در قبر پوسیده می‌شوند و خانه ابدی شان گور است. ^{۱۵} اما خدا جان مرا از گور می‌رهاند زیرا که مرا به حضور خود می‌برد.

است. ^۴ پادشاهان همه متفق شدند و با هم پیش آمدند. ^۵ اما چون آنرا دیدند، تعجب کردند و وحشترده فرار نمودند. ^۶ لرزه بر ایشان تسلط یافت و درد شدید مثل درد زایمان. ^۷ توکشتی‌های ترشیش را به باد شرقی در هم می‌شکنی. ^۸ چنانکه شنیده بودیم و حالا به چشم خود دیدیم، در شهر خداوند قادر مطلق، در شهر خدای ما، خدا آن را تا ابدالآباد مستحکم می‌سازد.

^۹ ای خدا، ما در عبادتگاه تو به رحمت تو تفکر می‌کنیم. ^{۱۰} ای خدا چنانکه نام تو است، همچنان ستایش تو در سرتاسر روی زمین رسیده است. دست راست تو از عدالت پُر است. ^{۱۱} به سبب داوری‌های تو، کوه سهیون خوشی می‌کند و دختران یهودا به وجد آمده‌اند.

^{۱۲} سهیون را طواف کنید و گرداگرد او بخرامید و برجهایش را بشمارید. ^{۱۳} به حصارهایش توجه کنید و به قصرهایش دقت نمایند تا به نسل آینده از آن‌ها اطلاع دهید. ^{۱۴} زیرا این خدا، خدای ماست تا به ابد و ما را تا طول حیات هدایت می‌کند.

حماقت اعتماد به ثروت

(مزموری از بنی قورح)

۴۹ ای تمامی قوم‌ها این را بشنوید! ای تمامی ساکنین روی زمین، گوش گیرید، ^۲ خورد و بزرگ، ثروتمندان و فقیران! ^۳ زبانم به حکمت سخن می‌راند و تفکر دل من پُر از دانایی است. ^۴ گوش خود را به مثلی فرا می‌گیرم

از خانهٔ تو نمی‌گیرم و نه بزى از آغل تو،
 ۱۰ زیرا که تمامی حیوانات جنگل و رمه‌هائی
 که بر هزاران کوه می‌باشند، به من تعلق
 دارند. ۱۱ همه پرندگان کوهها را می‌شناسم و
 جانوران صحرا متعلق به من هستند. ۱۲ اگر
 گرسنه هم می‌بودم به تو نمی‌گفتم، زیرا که
 جهان و هرچه که در آن است متعلق به من
 است. ۱۳ مگر من گوشت گاوها را می‌خورم
 و یا خون بزها را می‌نوشم؟ ۱۴ قربانی واقعی
 تو، شکر و سپاس به خداست. به وعده‌های
 که به قادر مطلق داده‌ای وفا کن. ۱۵ در روز
 تنگی مرا بخوان تا ترا نجات دهم و تو مرا
 ستایش کنی.»

۱۶ اما خدا به شریر می‌فرماید: «ترا
 چه کار است که فریاض مرا بیان کنی و
 عهد مرا به زبان خود بیاوری؟» ۱۷ چونکه
 تو از تأدیب نفرت داشته‌ای و کلام مرا
 پشت سر خود انداخته‌ای. ۱۸ وقتی دزد
 را می‌بینی با او همراهی می‌کنی و با
 زناکاران همنشین هستی. ۱۹ دهان خود را
 به شرارت باز می‌کنی و زبان تو حيله را
 اختراع می‌کند. ۲۰ آماده هستی تا به ضد
 برادر خود سخن گویی و دربارهٔ پسر
 مادر خویش غیبت کنی. ۲۱ این را کردی
 و من چیزی نگفتم. پس گمان کردی که
 من هم مثل تو هستم. لیکن ترا سرزنش
 می‌کنم و این را به ترتیب پیش نظر تو
 می‌نهم. ۲۲ ای کسانی که خدا را فراموش
 کرده‌اید، در این تفکر کنید! مبادا شما را
 بدرم و نجات دهنده‌ای نباشد. ۲۳ هر که
 قربانی سپاسگزاری را بگذراند مرا احترام
 می‌نماید، و آنکه طریق خود را راست
 سازد، نجات را از طرف خدا می‌بیند.»

۱۶ پس ترسان مباش، چون شخصی
 ثروتمند شود و جلال خانهٔ او افزوده گردد!
 ۱۷ زیرا چون بمیرد، چیزی از آن با خود
 نمی‌برد و جلالش او را همراهی نخواهد
 کرد. ۱۸ البته تا وقتی که زنده است خود را
 برکت یافته می‌داند و چون ثروتمند است
 مردم از او توصیف می‌کنند، ۱۹ اما عاقبت
 می‌میرد و با اجداد خود می‌پیوندد و
 دیگر نور را تا به ابد نمی‌بیند. ۲۰ انسانی
 که در شکوه است و فهم ندارد، همچون
 حیوان جان می‌سپارد.

عبادت واقعی

(مزموری از آساف)

۵۰ خدا، خداوند خدا سخن
 می‌گوید و همهٔ مردم روی
 زمین را، از شرق تا غرب، فرا می‌خواند.
 ۲ خدا در جلال خود از سهیون که کمال
 زیبایی است ظاهر شده است. ۳ خدای
 ما می‌آید و سکوت نخواهد نمود. آتش
 سوزنده پیش روی او و طوفان شدید
 گرداگرد او می‌باشد. ۴ او آسمان‌ها
 را از بالا و زمین را فرا می‌خواند تا
 قوم برگزیدهٔ خود را داوری کند. ۵ او
 می‌فرماید: «مقدسان مرا جمع کنید،
 که عهد را با من به قربانی بسته‌اند.»
 ۶ آسمان‌ها از انصاف او خبر می‌دهند،
 زیرا خدا خود داور است.

۷ «ای قوم برگزیدهٔ من بشنو! و ای
 اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا،
 خدای تو من هستم. ۸ در مورد قربانی‌های
 تو را سرزنش نمی‌کنم و قربانی‌های
 سوختنی تو همواره در نظر من است. ۹ گاوی

خطاکاران می آموزم و گناهکاران بسوی تو بر می گردند.^{۱۴} مرا از جرم خون نجات ده! ای خدایی که خدای نجات من هستی! تا زبانم سرود عدالت ترا بسراید.^{۱۵} خداوند، لبهایم را باز کن تا زبانم ستایش تو را بیان کند.

^{۱۶} زیرا تو قربانی را دوست نداشتی، ورنه تقدیم می کردم. قربانی سوختنی را پسند نکردی.^{۱۷} قربانی ای مورد پسند خدا، روح شکسته است. خدایا، تو دل شکسته و فروتن را خوار نخواهی شمرد.^{۱۸} به رضامندی خود بر سهیون احسان فرما و دیوارهای اورشلیم را آباد کن.^{۱۹} آنگاه از قربانی های عدالت و قربانی های سوختنی راضی خواهی شد و بر قربانگاه تو گاوها را تقدیم خواهند کرد.

سرنوشت شخص بدکار

(قصیده ای داود. او این مزمور را در اعتراض به دشمن خود دواغ ادومی نوشت. به اول سموئیل ۲۲ رجوع شود.)
ای متکبر چرا از بدی فخر می کنی؟ رحمت خدا همیشه پایدار است.^۲ زبان تو ای حيله گر، مثل تیغ تیز، شرارت را اختراع می کند.^۳ بدی را زیادتیر از نیکویی دوست می داری و دروغ را بیشتر از راستگویی.^۴ همه سخنان تباه کننده را دوست می داری، ای زبان فریبنده.

^۵ خدا نیز ترا برای همیشه نابود می کند. ترا از خانه ات روده و می راند و از زمین زندگان ریشه کن می سازد.^۶ عادلان این

طلب آمرزش

(مزموری از داود. او این مزمور را وقتی نوشت که ناتان نبی نزد او آمد و او را به سبب زنا با بتشیع، زن اوریا و کشتن خود اوریا سرزنش کرد)

ای خدا مطابق رحمت خود **۵۱** به من رحم فرما و مطابق شفقت بی پایانت گناهانم را محو ساز.^۲ مرا از شرارتم کاملاً شست و شوده و از گناهم مرا پاک کن.^۳ من به نافرمانی خود اعتراف می کنم و گناهم همیشه در نظر من است.^۴ به تو و به تو تنها گناه ورزیده و در نظر تو این بدی را کرده ام. پس کلام تو در مورد من راست و داوری تو علیه من عادلانه است.

^۵ من گناهکار دنیا آمده ام و از همان لحظه ای که نطفه ام در رحم مادر بسته شد، گناه همراه من بوده است.^۶ تو خواهان صداقت باطنی هستی، پس حکمت را در قلب من به من بیاموز.^۷ مرا با بته زوفا پاک کن تا ظاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم.^۸ خوشی و خرمی را به من بشنوان تا وجود شکسته ام دوباره به وجد آید.^۹ روی خود را از گناهانم بپوشان و همه خطاهایم را محو کن.

^{۱۰} ای خدا، دل پاک در من بیافرین و روح راستی را در باطنم تازه گردان.^{۱۱} مرا از حضور خود مران و روح قدوس خود را از من بگیر.^{۱۲} خوشی نجات را به من باز ده و روح مایل و قطع را در من ایجاد کن.^{۱۳} آنگاه طریق تو را به

را دیده، می ترسند و بر او می خندند: «این شخص را ببینید که بر خدا توکل نکرد، بلکه متکی به ثروت سرشار خود بود و از بدی خویش خود را زورآور ساخت.»

۸ اما من مثل درخت سرسبز زیتون در خانه خدا هستم و به رحمت خدا تا به ابد توکل می دارم. ^۹ تو را برای هر آنچه انجام داده ای تا به ابد شکر می گویم و امید من به نام تو است که در نزد مقدسان تو نیکوست.

شرارت انسان

(قصیده ای از داود، همچنین در مزمور چهاردهم)

۵۳ احمق در دل خود می گوید: «خدائی نیست.» فاسد شده اند و به کارهای زشت دست می زنند و حتی یک نفر نیکوکار نیست.

۲ خدا از آسمان بر بنی آدم می نگرد تا ببیند که آیا شخص دانا و خداجوئی وجود دارد. ^۳ همه گمراه و فاسد شده اند. نیکوکاری نیست، حتی یک نفر هم نیست. ^۴ آیا این بدکاران شعور ندارند که قوم برگزیده خدا را مثل نان می خورند و نام خدا را یاد نمی کنند؟ ^۵ آنگاه سخت ترسان شدند، جایی که هیچ ترس نبود، زیرا خدا استخوانهای محاصره کننده تو را پاشان می سازد. آن ها شرمنده می شوند زیرا خدا ایشان را رد نموده است.

۶ ای کاش که نجات اسرائیل از سهیون بیاید. وقتی که خدا اسیران قوم برگزیده

خود را بازگرداند، یعقوب خوشی می کند و اسرائیل شادمان می شود.

دعای رهایی از شر دشمنان

(قصیده ای از داود. او این مزمور را هنگامی نوشت که اهالی زیف می خواستند او را به دست شائول تسلیم کنند. به اول سموئیل ۲۳: ۱۹ و ۲۶: ۱ رجوع شود.)

۵۴ ای خدا به خاطر نام خود مرا نجات بده و به قوت خویش بر من داوری نما. ^۲ ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان زبانم را گوش بگیر، ^۳ زیرا بیگانگان بر علیه من برخاسته اند و مردمان ظالم قصد کشتن مرا دارند. آن ها خدا را در مد نظر خود ندارند.

۴ اما خدا مددگار من است و خداوند از حفظ کنندگان جان من است. ^۵ بدی را بر دشمنان من بر می گرداند. به راستی خود آن ها را ریشه کن ساز. ^۶ با کمال خوشی و میل به پیشگاه تو قربانی ها تقدیم می کنم. نام تو را ای خداوند سپاس می گویم، زیرا که نیکوست. ^۷ چونکه از تمامی سختی ها مرا نجات داده و چشم من شکست دشمنانم را نگریسته است.

دعای کسی که دوستش به او خیانت کرده است

(قصیده ای از داود)

۵۵ ای خدا به دعای من گوش بده و وقتی که به حضور تو زاری می کنم خود را از من پنهان مکن. ^۲ دعای مرا بشنو و مستجاب فرما، زیرا که فکرم

که بر من شده بود به سلامتی فدیة داده است، زیرا مخالفان من بسیار اند. ^{۱۹} خدا که پادشاه ازلی است می شنود و آن ها را شکست می دهد، زیرا که ایشان اصلاح ناپذیر بوده و از خدا نمی ترسند. ^{۲۰} دست خود را بر صلح اندیشان خویش دراز کرده و عهد خویش را شکسته است. ^{۲۱} سخنان چرب و نرم در زبانش، لیکن جنگ در باطن او است. حرفهایش چرب تر از روغن، ولی مثل شمشیر تیز و بُران اند.

^{۲۲} بار تمام تشویش های خود را به خداوند بسپار و او از تو حمایت می کند. او هرگز نمی گذارد که شخص عادل بیفتد. ^{۲۳} تو ای خدا، مردمان خونریز و حيله گر را به قعر گودال نیستی سرنگون کن و عمر ایشان را کوتاه ساز. لیکن من بر تو توکل می کنم.

توکل بر خدا

(مزموری از داود، هنگامیکه توسط فلسطینی ها در جت گرفتار شد.)

خدا یا بر من رحم کن، زیرا که انسان مرا به شدت تعقیب می کند، تمامی روز با من جنگ کرده و مرا اذیت می نماید. ^۲ دشمنانم تمامی روز مرا به شدت تعقیب می کنند، زیرا بسیارند آنانی که با غرور بر ضد من می جنگند. ^۳ هنگامیکه ترسان شوم، به تو توکل خواهم داشت. ^۴ در خدا کلام او را ستایش می کنم. بر خدا توکل می کنم و نمی ترسم. انسان فانی به من چه می تواند کرد؟

۵۶

پریشان است و ناله می کنم. ^۳ به سبب آواز دشمن و ظلم شریر. آن ها نسبت به من ظلم نموده و با خشم بر من جفا می کنند. ^۴ دل من در اندروم می لرزد و وحشت مرگ مرا فرا گرفته است. ^۵ ترس و لرز به من وارد شده و وحشتی هولناک احاطه ام کرده است. ^۶ می گویم: «کاش مثل کبوتر بال می داشتم تا پرواز کرده و آرامی می یافتم. ^۷ پس به یک جای دوردست رفته و ساکن صحرا می شدم، ^۸ و بسوی پناهگاهی می شتافتم تا از باد تُند و طوفان شدید در امان باشم.»

^۹ ای خداوند شیران را چنان سراسیمه گردان که زبان یکدیگر را نفهمند، زیرا در شهر ظلم و جنگ می بینم. ^{۱۰} شب و روز دیوارهایش را دور می زنند و شرارت و مزاحمت در شهر است. ^{۱۱} فسق و فساد در میان آن است و جور و خیانت از کوچه هایش دور نمی شود.

^{۱۲} اگر دشمن مرا ملامت می نمود، تحمل می کردم و یا اگر خصم من بر من سرافرازی می نمود، خود را از وی پنهان می ساختم، ^{۱۳} اما تو بودی ای مرد نظیر من! ای یار خالص و دوست صدیق من. ^{۱۴} که صحبت های شیرین با هم می کردیم و یکجا در جمع مردم به عبادتگاه می رفتیم. ^{۱۵} مرگ ناگهانی بر ایشان آید و زنده بگور فروروند، زیرا شرارت در خانه های ایشان و در میان ایشان است.

^{۱۶} اما من نزد خدا فریاد می کنم و خداوند مرا نجات می دهد. ^{۱۷} شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله را سر می دهم و او آواز مرا می شنود. ^{۱۸} جانم را از جنگی

۳ او برای نجات من از آسمان کمک می فرستد و آنهایی را که قصد نابودی مرا دارند ملامت می کند. خدا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد. ۴ جانم را شیران درنده احاطه کرده اند. در میان شعله های آتش قرار دارم، یعنی مردمانی که دندانهای شان چون نیزه ها و تیرهاست و زبان شان مانند شمشیر بُرنده است. ۵ ای خدا عظمت خود را در آسمان ها و جلالت را بر روی همه زمین آشکار ساز. ۶ دمی در سر راه من قرار دادند و جانم افسرده گردید. چاهی پیش رویم کردند، اما خود شان در آن افتادند.

۷ دل من مستحکم است. خدایا، دل من استوار است. من سرود خواهم خواند و تو را ستایش خواهم کرد. ۸ ای جان من بیدار شو! ای چنگ و رباب بیدار شوید! من سپیده دم را بیدار می کنم. ۹ ای خداوند تو را در میان امت ها سپاس می گویم و تو را در میان قوم ها ستایش می کنم، زیرا رحمت تو تا آسمان ها عظیم است و راستی تو تا افلاک. ۱۱ ای خدا عظمت خود را در آسمان ها و جلالت را بر روی همه زمین آشکار ساز.

مجازات مردم بدکار

(سرودی از داود)

آیا حقیقتاً عدالت گنگ است، چنانچه شما سخن می گوئید؟ ۵۸ ای بنی آدم، آیا شما از روی راستی قضاوت می کنید؟ ۲ شما در دلهای خود شرارت بعمل می آورید و با دستان تان بر روی زمین ظلم می کنید. ۳ شیران از رجم

۵ هر روز سخنان مرا منحرف می سازند و همه فکرای ایشان درباره من برای بدی است. ۶ همگی همدست شده اند و در کمین من هستند. در هر قدم مرا تعقیب می کنند و قصد کشتنم را دارند. ۷ آیا آن ها به سبب شرارت خود نجات خواهند یافت؟ ای خدا امت ها را در غضب خویش بینداز. ۸ تو روزهای آوارگی مرا شمرده و حساب اشکهایم را می دانی و در دفترت ثبت کرده ای. ۹ در آن روزی که خداوند را یاد کنم، دشمنانم بر می گردند و می گریزند. این را می دانم زیرا خدا با من است. ۱۰ در خدا کلام او را ستایش می کنم. در خداوند کلام او را ستایش می کنم. ۱۱ بر خدا توکل می کنم پس نمی ترسم. انسان فانی به من چه می تواند کرد؟

۱۲ ای خدا به وعده های که داده ام وفا می کنم و قربانی های شکرگزاری را در پیشگاه تو تقدیم می کنم. ۱۳ زیرا که تو جان مرا از مرگ نجات دادی و پاهایم را از لغزیدن نگاه داشتی تا در نور حیات در حضور خدا راه روم.

دعای کمک

(مزموری از داود، هنگامیکه از

نزد شائول به مغاره فرار کرد)

۵۷ ای خدا بر من رحم فرما، بر من رحم کن! زیرا جانم به تو پناه آورده و در سایه بالهای تو پناه برده ام تا این بلایا بگذرد. ۲ نزد خدای قادر متعال زاری و دعا می کنم، نزد خدایی که همه چیز را برایم تمام می کند.

شده اند. ای خداوند، بدون آنکه خطایی و یا گناهی را مرتکب شده باشم.^۴ بدون تقصیر من آن ها می شتابند و خود را برای حمله آماده می کنند. پس برای کمک به من برخیز و حال مرا ببین.^۵ ای خداوند، خدای قادر مطلق و ای خدای اسرائیل، برخیز و همهٔ خداناشناسان را به جزای اعمال شان برسان و بر هیچیک از غداران شریر شفقت مکن.^۶ آن ها هر شب بر می گردند، مثل سگ قوله می کشند و در شهر گشت و گذار می کنند.^۷ فریاد می زنند و تهدید و توهین می کنند. زبان شان مثل شمشیر بُران است و فکر می کنند: «کیست که بشنود؟»^۸ اما تو ای خداوند، به آن ها می خندی و آن بت پرستان را مسخره می کنی.

^۹ ای خدا، ای قوّت من، چشم امید من بسوی تو است، زیرا تو پناهگاه من می باشی. ^{۱۰} خدای من با رحمت خویش پیشاپیش من می رود. خدا شکست دشمنانم را به من نشان می دهد. ^{۱۱} ایشان را به قتل مرسان، مبادا قوم من این را فراموش کنند. ایشان را به قوّت خود پراکنده ساخته، به زیر انداز، ای خداوند که سپر ما هستی! ^{۱۲} به سبب گناه زبان و سخنان لبهای خود، در تکبر خویش گرفتار شوند. به خاطر لعنت و دروغی که می گویند، ^{۱۳} آن ها را نابود کن، در غضب خود نابود کن تا نیست گردند و بدانند که خدا در یعقوب و تا دورترین نقاط دنیا سلطنت می کند. ^{۱۴} آن ها هر شب بر می گردند، مثل سگ قوله می کشند و در شهر گشت و گذار می کنند. ^{۱۵} برای

منحرف هستند و دروغگویان از روز تولد گمراه. ^۴ ایشان را زهری است مثل زهر مار و مانند کفچه مار که گوشهای خود را می بندد ^۵ تا آواز افسونگران را نشنود، هر چند به مهارت افسون کند.

^۶ ای خدا دندانهای آن ها را در دهانشان بشکن. ای خداوند دندانهای شیرهای درنده را خرد کن. ^۷ مثل آبی که در یک زمین خشک ناپدید می شود، آن ها محو شوند و چون تیرهای خود را بیندازند، بی اثر باشند. ^۸ مثل حلزونی باشند که در لعاب خود حل می گردد و مثل سقط زن که روی روشنی را نمی بیند. ^۹ مثل خارهای باشند که قبل از آنکه دیگری تان آتش آنرا احساس کنند، همهٔ آن ها، چه تر و چه خشک، نابود می گردند.

^{۱۰} شخص عادل چون انتقام را دید خوشنود می گردد و پایهای خود را در خون شریر می شوید. ^{۱۱} آنگاه مردم می گویند: «یقیناً که پاداشی برای عادلان است و به یقین که خدائی هست که جهان را قضاوت می کند.»

دعای محافظت

(سرودی از داود، هنگامیکه شائول افراد خود را به خانه او فرستاد تا او را بکشند.)

ای خدای من، مرا از دشمنانم نجات بده و مرا از مخالفانم در پناه خود نگاه دار. ^۲ مرا از شیران خلاصی ده و از مردمان خونریز رهایی بخش. ^۳ زیرا آن ها برای کشتن من کمین کرده اند و زورآوران علیه من همدست

مَنْسَى به من تعلق دارد. افرایم کلاهدود سر من و یهودا عصای سلطنت من است.^۸ سرزمین موآب را ظرف طهارت می گردانم، بر ادوم کفش خود را می اندازم و بر فلسطین فریاد پیروزی برمی آورم.»

^۹ کیست که مرا به شهر حصار دار ببرد؟ و کیست که مرا به ادوم راهنمایی کند؟^{۱۰} مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته و با لشکرهای ما نرفتی؟^{۱۱} مرا در مقابل دشمن کمک فرما، زیرا معاونت از طرف انسان باطل است.^{۱۲} با کمک خدا پیروزی نصیب ما است و او دشمنان ما را پایمال می سازد.

فریاد به حضور خدا

(مزموری از داود)

۶۱ ای خدا فریاد مرا بشنو و دعای مرا اجابت فرما!^۱ از دورترین نقطه دنیا تو را می خوانم. هنگامیکه دلم از حال می رود، به تو رو می آورم، تا مرا به صخره ای که از من بلندتر است هدایت نمائی.^۲ زیرا که تو پناهگاه من هستی و برج قوی ام در مقابل دشمن.^۳ می خواهم که تا به ابد در خیمه حضور تو ساکن باشم و در سایه بالهای تو پناه ببرم.^۴ زیرا تو ای خدا، وعده ای را که به تو داده ام شنیده ای و میراثی به من عطا کرده ای که به ترسندگان نام تو تعلق دارد.^۵ به روزهای عمر پادشاه روزها خواهی افزود و سالهای او تا نسلا باقی خواهد ماند.^۶ در حضور خدا خواهد نشست تا به ابد. رحمت و راستی را مهیا

خوراک به هر طرف پراکنده می شوند و سیر نشده، شب را بسر می برند.

^{۱۶} اما من قوت تو را می ستایم و هر صبح رحمت تو را با خوشی تمجید می کنم، زیرا تو قلعه بلند من هستی و در هنگام سختی پناهگاه من می باشی.^{۱۷} ای خدا، ای قوت من، برای تو سرود ستایش می خوانم، زیرا تو قلعه بلند من هستی و خدای رحمت من.

دعا برای رهایی

(سرودی از داود. او این مزمور را هنگامی نوشت که با لشکر سوری در جنگ بود و این همان جنگی بود که یوآب، سردار لشکر داود، دوازده هزار ادومی را در «دره نمک» از پای درآورد.)

۶۰ ای خدا، تو ما را دور انداخته و پراکنده ساختی! خشمگین بودی، حال بسوی ما برگرد!^۱ تو زمین را به لرزه آوردی و آن را شکافتی. شکستگی هایش را درست کن، زیرا لرزان گردیده است.^۲ مشکلات زیادی را به قوم برگزیده ات نشان داده و شراب سرگردانی را به ما نوشانیدی.^۳ علم می به آنهایی که از تو می ترسند دادی تا آنرا برای راستی برافرانند.^۴ تا محبوبان تو نجات یابند. به دست راست خود نجات ده و ما را مستجاب فرما.

^۵ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است: «با خوشی فراوان شهر شکیم را تقسیم می کنم و وادی سوکوت را اندازه گیری می کنم.^۶ سرزمین جلعاد و

خداست. ^{۱۲} ای خداوند، رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس مطابق اعمالش اجر و جزا می دهی.

جان من تشنهٔ توست

(مزموری از داود، هنگامیکه

در بیابان یهودیه بود.)

۶۳ ای خدا، تو خدای من هستی. در سحر تو را می جویم. در زمین خشک و تشنه و بی آب، جان من تشنهٔ تو است و تمام وجودم مشتاق تو. ^۲ در جایگاه مقدست تو را نگریستم تا قوت و جلال تو را ببینم. ^۳ چونکه رحمت تو از خود زندگی بهتر است، پس لبهای من تو را ستایش می کند. ^۴ تا که زنده ام تو را شکر و سپاس خواهم گفت و دستهای خود را به نام تو بلند خواهم کرد. ^۵ جان من سیر می شود، چنانچه از غذای چرب و لذیذ و زبانم با خوشی تو را ستایش می کند.

^۶ وقتی که در بستر خود می روم، تو را یاد می کنم و در هنگام شب به تو می اندیشم. ^۷ زیرا تو مددگار من بوده ای و در سایهٔ بالهای تو سرود شادمانی را می سرایم. ^۸ جان من جدا از تو نیست و دست راست تو از من حمایت می کند.

^۹ اما آنانی که قصد کشتنم را دارند، هلاک می گردند و در قعر جهنم فرو می روند. ^{۱۰} آن ها با شمشیر کشته می شوند و طعمهٔ شغالها می گردند. ^{۱۱} اما پادشاه در خدا شادمانی می کند و هر کسی که نام خدا را اقرار کند سرفراز می شود، زیرا دهان دروغگویان بسته می گردد.

کن تا او را محافظت کنند. ^۸ پس نام تو را تا به ابد ستایش می کنم و هر روز به وعده های که داده ام وفا می کنم.

اعتماد به حمایت خدا

(مزموری از داود)

۶۲ جان من تنها نزد خدا آرامی می یابد، زیرا نجات من از جانب اوست. ^۲ تنها او صخره و نجات من است و پناهگاه من، پس هرگز لغزش نمی خورم. ^۳ تا به کی بر مردی هجوم می آورید و همگی تان می خواهید او را که مثل یک دیوار خمیده و شکسته است از بین ببرید؟ ^۴ آن ها فقط در فکر این هستند که او را از مقام اش سقوط دهند و دروغ را دوست می دارند. آن ها به زبان خود برکت می دهند ولی در دل خود لعنت می کنند.

^۵ ای جان من، تنها نزد خدا آرام یاب، زیرا امید من بر اوست. ^۶ تنها او صخره و نجات من است و پناهگاه من، پس لغزش نمی خورم. ^۷ نجات و عزت من بر خداست. صخرهٔ قوت من و پناه من در اوست. ^۸ ای قوم، همیشه به او توکل کنید و دلهای خود به حضور وی خالی نمائید، زیرا خدا پناهگاه ما است.

^۹ بنی آدم چه عادی باشد و چه مهم، در هر صورت ناچیز است. وقتی در ترازو وزن شود از هوا هم سبکتر است. ^{۱۰} بر ظلم توکل نکنید، بر غارت افتخار نکنید و چون مال و دارائی تان افزوده شود دل به آن نبندید. ^{۱۱} خدا یک بار گفته است و دو بار این را شنیده ام که قوت از آن

دعای حمایت از شر دشمنان

(مزموری از داود)

۶۴

ای خدا، آواز ناله و زاری مرا بشنو و حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار.^۲ در مقابل توطئهٔ شریران و هیاهوی بدکاران از من محافظت کن. آن‌ها زبان خود را چون شمشیر تیز کرده‌اند و مرا هدف تیر سخنان تلخ خود قرار داده‌اند.^۴ از کمینگاه خود شخص بیگناه را نشانه می‌گیرند و ناگهان او را با تیر می‌زنند و نمی‌ترسند.^۵ یکدیگر خود را در کارهای زشت تشویق می‌کنند، در خفا نقشه می‌کشند و دام می‌گسترند و می‌گویند: «چه کسی می‌تواند ما را ببیند؟»^۶ کارهای بد را طرح می‌کنند و می‌گویند: «چه خوب سنجدیم.» چه عمیق است فکر درون انسان و دل او.

^۷ اما خدا با تیرهای خود آن‌ها را می‌زند و جراحات ناگهانی را بر بدن شان وارد می‌کند.^۸ زبان خودشان برای شان دام می‌شود و کسانی که آن‌ها را ببینند، با تمسخر سر خود را تکان می‌دهند.^۹ آنگاه تمامی آدمیان ترسیده و کار خدا را بیان خواهند کرد و عمل او را خواهند فهمید.^{۱۰} شخص راستکار در خداوند خوشی کند و بر او توکل نماید! و همهٔ عادلان خدا را ستایش کنند!

ستایش و شکرگزاری

(مزمور و سرودی از داود)

۶۵

ای خدا، ستایش در سهیون منتظر توست و وعده‌ها

برای تو وفا خواهد شد.^۲ ای که دعا را می‌شنوی، همهٔ بشر نزد تو می‌آیند.^۳ گناهان بر من سنگینی کرده‌است، اما تو تقصیرهای مرا کفاره می‌کنی.^۴ خوشا به حال کسی که او را برگزیده و نزدیک به خود ساخته‌ای تا در پیشگاه تو ساکن شود. از برکات خانهٔ تو و از قدوسیت عبادتگاه تو ما سیر می‌شویم.

^۵ ای خدایی که نجات ما هستی، با کارهای هیبتناک و عادلانه ما را جواب می‌دهی. تو مایهٔ امید ساکنان سراسر جهان و دورترین بحر هستی.^۶ کوهها را به قوت خود برافراشته‌ای و کمر خود را به قدرت بسته‌ای.^۷ تلاطم بحرها را آرام می‌گردانی، تلاطم امواج آن‌ها را و شورش امت‌ها را.^۸ ساکنان سراسر جهان از کارهای عجیب تو ترسانند. تو باعث فریاد شادمانی از یک سوی جهان تا سوی دیگر آن هستی.

^۹ زمین را ملاقات کرده و سیراب می‌کنی و آنرا بسیار حاصلخیز می‌گردانی. نهر خدا از آب پُر است. غلهٔ ایشان را تهیه می‌کنی و زمین را به این طور آماده می‌سازی.^{۱۰} گردهایش را سیراب کرده و بلندی‌هایش را هموار می‌سازی. با باران فراوان آنرا شاداب نموده و نباتاتش را برکت می‌دهی.^{۱۱} به احسان تو محصولات تاج زمین گردیده و راههای تو فراوانی را ببار می‌آورد.^{۱۲} کشتزارهای صحرا نیز حاصلخیز شده و تپه‌ها با شادمانی استوار گردیده‌اند.^{۱۳} چمنزارها پُر از گلّه و رمه و وادی‌ها سرشار از غله هستند. همه از خوشی فریاد می‌زنند و سرود می‌سرایند.

۱۳ به خانه تو با قربانی های سوختنی می آیم و به وعده های خود وفا می کنم. ۱۴ وعده های که در ایام سختی، لبهای خود را بر آن ها گشودم و به زبان خود آوردم. ۱۵ قربانی های سوختنی پرواری را نزد تو می گذرانم. گوساله ها و بزها را با دود قوچها ذبح می کنم.

۱۶ ای همه خدا ترسان بیائید و بشنوید تا شما را از آنچه خدا برای جان من کرده است آگاه سازم. ۱۷ با دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم و سرود ستایش بر زبان من بود. ۱۸ اگر شرارت را در دل خود نگه می داشتیم، خداوند دعایم را نمی شنید. ۱۹ اما خدا دعای مرا شنیده است و به آواز دعای من توجه فرموده.

۲۰ متبارک باد خدا که دعای مرا رد نکرده و رحمت خویش را از من دریغ نداشته است.

سرود شکرگزاری

(سرود و مزمور)

۶۷ خدا بر ما رحم کند و ما را برکت دهد و نور روی خود را بر ما بتابداند، ۲ ای خدا راه تو در جهان شناخته گردد و نجات تو بر جمیع امت ها. ۳ ای خدا همه مردم تو را ستایش کنند و جمیع قوم ها تو را سپاس گویند. ۴ امت ها خوشی کنند و سرود شادمانی بسرایند، زیرا قوم ها را به انصاف داوری نموده و امت های جهان را هدایت می کنی. ۵ ای خدا قوم ها تو را ستایش کنند و جمیع قوم ها تو را سپاس گویند. ۶ آنگاه زمین محصول خود را داده و خدا،

سرود شکرگزاری

(سرود و مزمور)

۶۶ ای تمامی روی زمین، خدا را آواز شادمانی دهید! ۲ جلال نام او را بسرائید و در ستایش او، عظمت او را تمجید کنید. ۳ به خدا بگوئید: «چه با هیبت اند کارهای تو! به سبب شدت قوت تو دشمنانت از ترس در برابر تو سر تسلیم خم می کنند. ۴ تمام روی زمین تو را پرستش کرده و تو را ستایش می کنند و نام تو را با سرود می ستایند.» ۵ بیائید کارهای خدا را مشاهده کنید و ببینید که چه کارهای مهیبی را برای بنی آدم انجام داده است. ۶ بحر را به خشکی تبدیل کرد و مردم با پای پیاده از میان آن عبور کردند. در آنجا ما از خدا خوشی کردیم. ۷ در توانائی خود تا به ابد سلطنت می کند و چشمانش ناظر امت ها است. پس فتنه انگیزان بر ضد او قیام نکنند. ۸ ای مردم جهان، خدای ما را متبارک خوانید و آواز ستایش او را بشنوانید. ۹ او به جانهای ما حیات می بخشد و نمی گذارد که پاهای ما لغزش خورَد.

۱۰ تو ای خدا، ما را آزمایش کردی و چون نقره ای که در کوره تصفیه می شود ما را پاک ساختی. ۱۱ تو ما را به دام درآوردی و بار سنگینی را بر پشت های ما نهادی. ۱۲ مردمان را بر سر ما مسلط ساختی و به آتش و آب درآمدیم. اما سرانجام ما را به یک جای آرام و پُر برکت آوردی.

سخاوتمندی خویش برای نیازمندان تدارک دیده‌ای.

۱۱ خداوند فرمان داد و گروه کثیر زنان این مژده را رساندند: ۱۲ «پادشاهان لشکرها شکست خورده و فرار می‌کنند و زنی که در خانه مانده است، غنایم جنگ را تقسیم می‌کند. ۱۳ آن‌ها یک وقتی در طویله می‌خوابیدند، اما اکنون خوشبخت و ثروتمند، مانند کبوتری که بالهایش نقره فام و پرهایش طلائیست، با زر و زیور تزئین شده‌اند. ۱۴ وقتی که خداوند قادر مطلق پادشاهان را در آنجا پراکنده ساخت، مثل برف بود که بر کوه صلمون پاشان می‌گردد.»

۱۵ کوه باشان متعلق به خداست. کوه باشان دارای قله‌های بلند است. ۱۶ ای کوه‌های که قله‌های بلند دارید، چرا به کوهی که خدا آن را برای سکونت خود برگزیده است به نظر حسرت می‌نگرید؟ خداوند در آنجا تا به ابد ساکن خواهد بود. ۱۷ عراده‌های جنگی خدا هزاران هزار است. خداوند در قدوسیت خود مثل کوه سینا در میان آنهاست. ۱۸ به عالم بالا صعود فرموده و اسیران را به اسیری برده‌ای. آدمیان خود را به تو تقدیم کردند، حتی مردم متمرّد نیز به تو تسلیم شدند تا تو خداوند، خدا در بین شان ساکن گردی.

۱۹ شکر و سپاس باد بر خداوندی که هر روزه متحمل بارهای ما می‌شود و خدایی که نجات دهنده ما است. ۲۰ خدا برای ما، خدای نجات است و خداوند، خدا رهاننده ما از مرگ. ۲۱ اما خداوند سر دشمنان

خدای ما، ما را برکت می‌دهد. ۷ خدا ما را برکت دهد و همه گوشه و کنار جهان از او بترسند.

سرود پیروزی

(مزمور و سرودی از داود)

۶۸ خدا برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند! ۲ مثل دود که پراکنده می‌شود، ایشان را پراکنده ساز و چنانکه موم نزد آتش آب می‌شود، شریران نیز در حضور خدا هلاک گردند. ۳ اما راستکاران شاد می‌شوند، در حضور خدا به وجد می‌آیند و به شادمانی خرسند می‌شوند.

۴ برای خدا سرود بخوانید و نام او را بستائید. او را که بر ابرها سوار است، جلال دهید. نام او خداوند است! در حضورش به وجد آئید. ۵ پدر یتیمان و حامی بیوه زنان، خداست در جایگاه مقدس خود! ۶ خدا بی‌کسان را جای و مسکن می‌دهد و اسیران را به آزادی بیرون می‌آورد. اما فتنه‌انگیزان در بیابان خشک و سوزان ساکن می‌گردند.

۷ ای خدا، وقتی که پیش روی قوم برگزیده ات رفتی و هنگامیکه در بیابان خرامیدی، ۸ زمین لرزان گردید و آسمان به حضور خدا بارید. کوه سینا نیز به حضور خدا، خدای اسرائیل به لرزه افتاد. ۹ تو ای خدا باران نعمت‌ها بارانیدی تا میراث را که از حال رفته بود استوار و شاداب گردانی. ۱۰ قوم برگزیده ات در آن زمین ساکن شدند. تو ای خدا، از روی

می دهد، آوازی که پُر قوّت است.^{۳۵} خدا را در قوّت او بستائید. قوم اسرائیل از شکوه و جلال او برخوردار هستند و عظمت او در آسمان ها دیده می شود.^{۳۶} ای خدا چه هیبتناک هستی در جایگاه مقدس خویش! خدای اسرائیل قوم برگزیده خود را قوّت و توانائی می بخشد. متبارک باد خدا!

طلب کمک از خدا

(مزموری از داود)

۶۹
خدايا مرا نجات ده! زیرا
آبها نزدیک است نَفَسِ مرا
بگیرد.^۲ در لجن زار عمیق فرو رفته ام،
جایی که نمی توان ایستاد. در آب های
عمیق افتاده ام و سیلاب مرا احاطه کرده
است.^۳ از فریاد خود خسته شده ام. گلویم
خشک و چشمانم از انتظار خدای من تار
گردیده است.^۴ آنانی که بی سبب از من
نفرت دارند، از موهای سرم زیادتر اند و
آنهایی که قصد نابودی مرا دارند، قوی و
نیرومند هستند. پس آنچه را که از کسی
نگرفته بودم، از من مطالبه می کنند.
^۵ ای خدا، تو حماقت مرا می دانی و
گناهانم از تو مخفی نیست. ^۶ ای خداوند،
خدای قادر مطلق، منتظرین تو به سبب
من خجل نشوند. ای خدای اسرائیل،
آنهایی که طالب تو هستند، به خاطر من
رسوا نگردند.^۷ زیرا به خاطر تو متحمل
تمسخر مردم شده و رسوایی روی مرا
پوشیده است.^۸ نزد برادرانم مثل یک
اجنبی شده ام و خانواده ام مرا به نظر
یک بیگانه می بینند.

خود را می کوبد و سر آنهایی را که در گناه
خود روان هستند.^{۲۲} خداوند فرمود: «من
دشمنان تان را از قلعه های کوه باشان و از
اعماق بحر بر می گردانم،^{۲۳} تا خون ایشان
پایمال شما گردند و زبان سگهای تان نیز
از آن ها حصه خود را بیابند.»

^{۲۴} ای خدایی که پادشاه و خدای من
هستی، همه دیده اند که چگونه به جایگاه
مقدست داخل می شوی.^{۲۵} در پیش رو،
خوانندگان می خرامند و در پشت سر،
سازندگان و در وسط دوشیزگان دایره نواز.
^{۲۶} خدا را در جماعت ها ستایش کنید.
ای کسانی که از نسل اسرائیل هستید،
خداوند را سپاس گوئید.^{۲۷} قبیله بنیامین
که کوچکترین قبیله ها است، اولتر و
رهبران قبایل یهودا، زبولون و نفتالی به
دنبال شان می آیند.^{۲۸} خدایت برای تو
قوّت بخشیده است. ای خدا قدرت خود
را چنانچه در گذشته به ما نشان دادی،
آشکار گردان.^{۲۹} به خاطر عبادتگاه تو که
در اورشلم است، پادشاهان هدایا نزد تو
می آورند.^{۳۰} حیوان وحشی نیزار را و اقوام
دیگر را که مثل گله های گاو و گوساله
هستند، سرزنش کن تا با نقره های خود
نزد تو گردن نهند. اقوامی را که جنگ را
دوست می دارند، پراکنده ساز.^{۳۱} سروران
از مصر می آیند و حبشه دستهای خود را
به سوی خدا بلند می کند.

^{۳۲} ای ممالک جهان برای خدا سرود
بخوانید. برای خداوند سرود ستایش
بسرائید.^{۳۳} برای او که از ازل بر تخت
ملکوتی خود در آسمان جلوس فرموده
است، سرود بخوانید.^{۳۴} او آواز خود را

غیرت عبادتگاه تو مرا خورده، و ملامت های ملامت کنندگان تو بر من روی آورده است. ^{۱۰} اهنگامیکه با روزه و اشک جان خود را فروتن ساختم، آن ها مرا مسخره کردند. ^{۱۱} وقتی برای توبه نمود پوشیدم، نزد ایشان ضرب المثل گردیدم. ^{۱۲} مردم کوچه و بازار بر ضد من حرف می زنند و میگساران درباره من سرود می خوانند. ^{۱۳} اما من ای خداوند، در پیشگاه تو در وقت مناسب دعا می کنم. ای خدا، در کثرت رحمانیت خود و به خاطر حقیقت نجات خود دعای مرا مستجاب کن. ^{۱۴} مرا از لجن زار خلاصی ده تا غرق نشوم و از نفرت کنندگانم و از عمق آبها نجات پیدا کنم. ^{۱۵} مگذار که سیل آبها مرا بپوشاند و یا عمق ها مرا ببلعد و گودال نیستی مرا در دهان خود فروبرد. ^{۱۶} ای خداوند مرا مستجاب فرما، زیرا رحمت تو نیکوست و از روی رحمت بی کرانت به من توجه فرما. ^{۱۷} روی خود را از این بنده ات مپوشان، زیرا در سختی قرار دارم. مرا به زودی مستجاب فرما. ^{۱۸} به من نزدیک شده، بهای آزادی ام را بپرداز و مرا از دست دشمنانم نجات ده.

^{۱۹} تو خواری، رسوایی و خجالت مرا دانسته و جمیع دشمنانم را می بینی. ^{۲۰} رسوایی دلم را شکسته است و به شدت بیمار شده ام. خواهان شفقت بودم، ولی دلسوزی نبود و منتظر تسلی دهندگان بودم، اما نیافتم. ^{۲۱} مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند. ^{۲۲} پس دسترخوان شان و همچنان آسایش آن ها، برای شان دام گردد. ^{۲۳} چشمان شان تارگردند تا نبینند و کمرهای شان را همواره لرزان گردان. ^{۲۴} خشم خود را بر آن ها بریز و در آتش غضب خود ایشان را بسوزان. ^{۲۵} خانه های شان ویران گردد و در خیمه های شان هیچکس ساکن نشود. ^{۲۶} زیرا کسی را که تو زده ای زجر می دهند و درباره دردهای آنانی که تو مجروح شان کرده ای، باهم سخن می گویند. ^{۲۷} پس گناه به گناه ایشان بیفزای و عدالت تو شامل حال شان نگردد. ^{۲۸} از دفتر حیات محو شوند و در شمار راستکاران محسوب نگردند.

^{۲۹} اما من، مسکین و دردمند هستم، پس ای خدا، نجات تو مرا سرافراز سازد. ^{۳۰} آنگاه نام خدا را با سرود ستایش نموده و عظمت او را با شکرگزاری بیان می کنم. ^{۳۱} این است که خداوند را خشنود می سازد، زیادت از قربانی های گاو و گوساله. ^{۳۲} اشخاص فروتن این را دیده و شادمان می شوند. ای کسانی که جویای خدا هستید، دل شما زنده گردد. ^{۳۳} زیرا خداوند دعای نیازمندان را می شنود و اسیران خود را از یاد نمی برد.

^{۳۴} آسمان و زمین او را سپاس گویند و همچنان بحرها و هر چه که در آن ها حرکت دارند. ^{۳۵} زیرا خدا سهیون را نجات می دهد و شهرهای یهودا را آباد می کند تا قوم برگزیده او در آنجا سکونت نموده و مالک آن گردد. ^{۳۶} فرزندان آن ها وارث آن می گردند و کسانی که نام او را دوست دارند، در آن ساکن خواهند گردید.

مادر تو پناهگاه من بوده ای. پس تو را پیوسته ستایش می کنم.

^۷ برای مردم زیادی نشانه ای عجیب شده ام، لیکن تو پناهگاه قوی من هستی. ^۸ دهانم از ستایش تو پُر است و تمام روز جلال تو را بیان می کند. ^۹ در زمان پیری مرا از خود دور مکن و در وقت ناتوانی مرا ترک منما. ^{۱۰} زیرا دشمنانم بر ضد من سخن می گویند و تعقیب کنندگانم قصد جانم را دارند. ^{۱۱} آن ها می گویند: «خدا او را ترک کرده است، پس او را تعقیب نموده و دستگیر کنید، زیرا که رهاننده ای نیست.»

^{۱۲} ای خدا از من دور مشو و ای خدای من، به یاری من بشتاب. ^{۱۳} دشمنان جانم رسوا و نابود شوند و آنانی که برای ضرر من در تلاش هستند، با شرمندگی و رسوایی پوشیده گردند. ^{۱۴} اما چشم امید من پیوسته بسوی تو است و بیشتر از پیش تو را ستایش خواهم کرد. ^{۱۵} از زبانم عدالت تو را بیان می کند و نجات تو را تمامی روز. اگر چه حد و قیاس آنرا نمی دانم. ^{۱۶} در توانائی خداوند، خدای قادر مطلق خواهم رفت و فقط از عدالت تو خبر می دهم.

^{۱۷} ای خدا، از طفولیتم مرا تعلیم داده ای و تا به اکنون کارهای شگفت انگیز تو را اعلام کرده ام. ^{۱۸} پس ای خدا، مرا حتی در زمان پیری و موسفیدی نیز ترک نکن. تا بتوانم این نسل را از قدرت تو خیر دهم و همه نسل های آینده را از توانائی تو. ^{۱۹} ای خدا، عدالت تو تا به آسمان ها می رسد. تو کارهای عظیم

دعای کمک

(مزموری از داود به جهت یادگاری)

(همچنان در مزمور ۴۰: ۱۳ - ۱۷)

۷۰ خدایا، برای نجات من شتاب کن! ای خداوند برای کمک به من تعجیل فرما! ^۲ آنهایی که قصد جانم را دارند، خجل و شرمنده گردند و کسانی که بدخواه من هستند، خجل و سرافکنده شوند. ^۳ آنانی که مرا مسخره می کنند، به سبب خجالت خویش رسوا گردند. ^۴ اما همه کسانی که جویای تو هستند، در تو خوشی و شادمانی کنند. آنهایی که بخاطر نجات خود شکرگزار اند، همیشه بگویند: «خدا بزرگ است.» ^۵ اما من مسکین و محتاج هستم. خدایا، برای من تعجیل کن، زیرا تو مددگار و نجات دهنده من هستی. پس ای خداوند، تأخیر مکن.

دعای شخص پیر

۷۱ به تو ای خداوند پناه می آورم، پس تا به ابد شرمنده نخواهم شد. ^۲ به عدالت خود مرا آزاد کن و رهایی ده. دعایم را بشنو و مرا نجات ده. ^۳ برای من صخره سکونت باش تا همه وقت به آن پناه برم. تو به نجات من امر فرموده ای، زیرا صخره و قلعه من تو هستی. ^۴ خدای من، مرا از دست شریران و از چنگ اشخاص بدکار و ظالم رهایی ده. ^۵ زیرا ای خداوند، خدای متعال تو امید من هستی و از طفولیت بر تو توکل داشته ام. ^۶ پیش از تولدم تو خدای من و از رحم

انجام داده ای. خدایا، مانند تو کیست؟
 ۲۰ ای که تنگی های بسیار و سخت را به ما نشان داده ای، رجوع کرده، باز ما را زنده خواهی ساخت و برگشته ما را از اعماق زمین بر خواهی آورد. ۲۱ مرا بیشتر از پیش سرفراز خواهی نمود و برگشته، مرا تسلی خواهی بخشید. ۲۲ پس من نیز راستی تو را، ای خدای من، با نعمه چنگ ستایش می کنم و به تو ای قدوس اسرائیل با نوای رباب سرود خواهم خواند. ۲۳ لبهایم وقتیکه برای تو سرود می خوانم، بسیار خوشی خواهد کرد و جانم نیز که آنرا فدیة داده ای. ۲۴ زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر می کند، زیرا آنانی که برای ضرر من در تلاش بودند، شرمند و رسوا گردیدند.

دعائی برای پادشاه

(مزموری از سلیمان)

۱۵ عمر پادشاه دراز باد و از طلای سِبا به او داده شود. پیوسته برای وی دعا شود و برکات خدا همواره شامل حالش باشد. ۱۶ زمین و کوهها پُر از غله و محصول فراوان باشند. مثل لبنان سرشار از میوه و با ثمر گردند. همان طوری که چمن ها پُر از علف و سبزه هستند، شهرهایش نیز پُر نفوس باشند. ۱۷ نام او تا ابد پاینده باد و اسم او همچون آفتاب عالمگیر باشد. آدمیان در او با یکدیگر برکت ببینند و جمیع امت های زمین او را متبارک خوانند.

۱۸ متبارک باد خداوند خدای متعال، خدای اسرائیل! که فقط او کارهای شگفت انگیز انجام می دهد. ۱۹ تا به ابد

۷۲ ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خود را به پسر پادشاه! ۲ تا او قوم برگزیده تو را به عدالت داوری کند و مسکینان تو را با انصاف. ۳ آنگاه کوهها برای قوم برگزیده ات سلامتی بار می آورند و تپه ها نیز در عدالت. ۴ باشد که او به داد مسکینان قوم برسد، فقیران را نجات دهد و ظالمان را سرکوب کند. ۵ تا زمانی که آفتاب باقی است و ماه هست، آن ها از تو خواهند ترسید از یک نسل تا نسل دیگر. ۶ او مثل بارانی خواهد بود که بر علف زار می بارد و مانند بارش های که زمین را سیراب می کند. ۷ در دوران او

«خدا چگونه بداند و آیا خدای متعال علم دارد؟»^{۱۲} مردمان بدکار را ببینید، زندگی آرام دارند و ثروت شان روز بروز زیادتر می شود.

^{۱۳} پس آیا من بیهوده دل خود را پاک ساخته و دستهای خود را از گناه دور داشته ام؟^{۱۴} تمام روز در زحمت بوده و هر صبح تنبیه می گردم.^{۱۵} اگر من واقعاً آن حرفها را می زدم، البته در برابر قوم برگزیده تو خیانتکار محسوب می شدم.^{۱۶} چون فکر کردم که این را بفهمم، در نظرم دشوار آمد.^{۱۷} تا که به قدسهای خدا داخل شدم. آنگاه دانستم که عاقبت و سرنوشت بدکاران چه است.^{۱۸} تو آن ها را در جاهای لغزنده قرار داده ای تا در ویرانی سقوط کنند.^{۱۹} آن ها ناگهان به هلاکت رسیده و تباه می شوند. عاقبت زندگی آن ها ترس آور و وحشتناک است.^{۲۰} همان طوریکه خواب انسان بعد از بیدار شدن محو می گردد، همچنین تو ای خداوند وقتی برخیزی، تصورات آن ها را ناچیز می شماری.

^{۲۱} در آن وقت که دل من تلخ شده و در باطن خود دل ریش بودم،^{۲۲} همچو یک جاهل و بی معرفت و مثل یک حیوان نزد تو گردیدم.^{۲۳} با وصف این همه من دائماً با تو هستم و تو دست مرا گرفته ای.^{۲۴} موافق صلاحدید خود مرا هدایت می کنی و بعد مرا در حضور پُر جلال خود می رسانی.^{۲۵} کیست برای من در آسمان؟ غیر از تو هیچ چیزی را در زمین نیز نمی خواهم.^{۲۶} هر چند بدنم فرسوده و دلم ضعیف گردد، اما خدا صخره دلم

مبارک باد نام پُر جلال او! تمامی زمین از جلال او پُر گردد. آمین! آمین!
^{۲۰} دعاهای داود، پسر یسی در اینجا خاتمه یافت.

کتاب سوم

(مزامیر ۷۳ - ۸۹)

عدالت خدا

(مزموری از آساف)

۷۳ یقیناً که خدا برای اسرائیل نیکوست، او برای آنانی که پاک دل هستند نیکوست.^۱ اما من، نزدیک بود که پاهایم از راه منحرف شود و قدم هایم لغزش خورد،^۲ زیرا بر اشخاص متکبر و شریر حسد بردم وقتی سلامتی شان را دیدم.^۳ آن ها تا زمان مرگ با هیچ تکلیفی درگیر نشده و قوی و سالم بوده اند.^۴ مثل مردم دیگر در زحمت نیستند و مانند اشخاص دیگر با سختی روبرو نشده اند.^۵ بنابراین گردن ایشان با غرور آراسته است و ظلم مثل لباس آن ها را می پوشاند.^۶ چشمان شان به خاطر چاقی آن ها نزدیک است که از حدقه بیرون رود و به نسبت خیالات دل خود همیشه بلند پروازی می کنند.^۷ مردم را تحقیر می کنند، حرفهای بد می زنند و سخنان ظلم آمیز را مغرورانه بر زبان می آورند.^۸ دهان شان بر ضد آسمان باز است و زبان شان در جهان گردش می کند.^۹ قوم برگزیده خدا هم بدنبال آن ها می روند و آب های فراوان به ایشان نوشانیده می شود.^{۱۰} حتی می گویند:

۹ علامات تو را دیگر نمی بینیم و از انبیاء هم یک نفر باقی نمانده است. در بین ما هیچکس نیست که بداند این وضع تا چه وقت دوام می کند. ۱۰ ای خدا، دشمن تا به کی ملامت خواهد کرد؟ و آیا او تا به ابد نام تو را بی حرمت خواهد نمود؟ ۱۱ چرا دست راست خود را از ما دریغ داشته ای؟ پس قدرت خود را ظاهر ساخته و ایشان را نابود کن.

۱۲ خدا از قدیم پادشاه من است. او با معجزات بر روی زمین نجات را نمایان ساخته است. ۱۳ تو به قوت خود آب بحر را از هم جدا کردی و سر نهنگ ها را در آنها شکستی. ۱۴ همچنین سر لیویاتان، یعنی جانور بحری، را کوبیده و او را خوراک جانوران بیابان ساختی. ۱۵ تو چشمه ها و جویها را به جریان آوردی و نهرهای دائمی را خشک گردانیدی. ۱۶ روز به تو تعلق دارد و شب نیز. آفتاب و مهتاب را تو در جاهای شان قرار داده ای. ۱۷ تمام حدود زمین را تو تعیین کرده ای. تابستان و زمستان را تو ایجاد کرده ای.

۱۸ ای خداوند این را بیاد آور که چسان دشمن تمسخر می کند و چگونه مردم جاهل نام تو را بی حرمت می نماید. ۱۹ جان فاخته خود را به جانور وحشی سپار و این قوم رنجیده ات را تا به ابد فراموش مکن. ۲۰ عهدی را که بسته ای بیاد آور، زیرا مردم ظالم در هر گوشه تاریخ کمین کرده و زمین را از ظلم پُر ساخته اند. ۲۱ مگذار که مظلومان رسوا گردند. مسکینان و نیازمندان نام تو را ستایش کنند. ۲۲ ای خدا، برخیز و

و تا ابد همه چیز من است. ۲۷ کسانی که از تو دورند، هلاک می گردند و آنانی را که به تو بی وفایی و خیانت می کنند، نابود خواهی ساخت. ۲۸ اما من، چقدر خوب است که همیشه به خدا نزدیک باشم. به خداوند متعال توکل کرده ام تا همه کارهای او را بیان کنم.

دعا برای رهایی

(قصیده ای از آساف)

۷۴ خدایا، چرا ما را برای همیشه ترک کرده ای و خشم تو بر ما که گوسفندان چراگاه تو هستیم، افروخته شده است؟ ۱ قومی را بیاد آور که از ایام قدیم برای خود خریده ای و آن ها را فدیة کرده ای تا قوم برگزیده تو شوند. این کوه سهیون را بیاد آور که در آن ساکن بوده ای. ۲ بسوی خرابه های دائمی آن قدم بردار، زیرا دشمن هر چه را که در عبادتگاه تو بود، خراب کرده است. ۳ دشمنان در عبادتگاه مقدس تو فریاد می زنند و بیرق های خود را به نشانه پیروزی در آنجا برپا می نمایند. ۴ مثل کسانی که نظر می رسند که تیرها را برای قطع کردن درختان جنگل بلند می کنند. ۵ آن ها تمام نقش و نگار تراشیده عبادتگاه را با تیرها و چکش ها خراب می کنند. ۶ عبادتگاه مقدس تو را آتش زده اند و مسکن نام تو را با خاک یکسان نموده و بی حرمت کرده اند. ۷ در دل خود می گویند: «ما آن ها را بکلی نابود می کنیم.» پس تمام جاهای مقدس خدا را در سرزمین سوزانیده اند.

خدا پیروز است

(مزمور و سرودی از آساف)

۷۶ خدا در یهودا معروف است و نام او در اسرائیل عظیم! ^۲ خیمهٔ اوست در شالیم و مسکن او در سهیون. ^۳ او در آنجا تیرهای آتشین را شکست و همچنان سپر و شمشیر و جنگ را. ^۴ تو پُر جلال و شکوهمند هستی، بیشتر از کوههای مهیب. ^۵ شجاعترین مردان دشمن در آنجا تاراج شده و به خواب ابدی فرو رفتند و دست خود را دیگر بلند کرده نتوانستند. ^۶ از توییخ تو ای خدای یعقوب، سواران و اسبها به خواب گران فرو رفتند.

^۷ اما تو مهیب هستی، تنها تو! در حین غضبت کیست که در حضور تو بایستد؟ ^۸ از آسمان داوری را شنوایدی. جهان بترسید و خاموش گردید، ^۹ هنگامیکه خدا برای داوری برخاست تا مسکینان جهان را نجات دهد. ^{۱۰} اخشم انسان تو را سپاس خواهد گفت و کمر بازماندگان خشم را می بندی.

^{۱۱} به خداوند خدای خود وعده دهید و به آن وفا کنید. همهٔ آن ها که گرداگرد او هستند، برای او که مهیب است هدایا تقدیم کنند. ^{۱۲} روحیهٔ فرمانروایان را می شکنند و پادشاهان جهان را به وحشت می اندازد.

تسلی در روز پریشانی

(مزموری از آساف)

۷۷ آواز من بسوی خداست و فریاد می کنم. بسوی خدا فریاد می کنم و او مرا خواهد شنید.

حقانیت خود را پابرجا کن و بیاد آور که چگونه احمق تمام روز تو را تمسخر می کند. ^{۲۳} فریاد دشمنان خود را فراموش مکن و غوغای مخالفین خود را که همواره بلند می شود.

خداوند داور حقیقی است

(مزمور و سرودی از آساف)

۷۵ خدایا، تو را ستایش می کنیم و تو را سپاس می گوئیم! زیرا نام تو به ما نزدیک است و مردم کارهای عجیب تو را بیان می کنند.

^۲ خداوند می فرماید: «هنگامیکه به وقت معین برسم، با عدالت داوری خواهم کرد. ^۳ اگرچه زمین و همهٔ ساکنین آن در حال ذوب شدن هم باشند، من ارکان آنرا استوار نگاه می دارم. ^۴ به متکبران می گویم که مغرور نباشند و شیران به قدرت خود نبالند، ^۵ بلند پروازی نکنند و از روی سرکشی سخنان تکبرآمیز نگویند.» ^۶ زیرا سرافرازی نه از شرق، نه از غرب و نه از بیابان و نه از کوهها می آید، ^۷ بلکه تنها خدا داور است. او است که یکی را سرافراز و دیگری را سرافکنده می سازد.

^۸ در دست خداوند کاسه ای است که مملو از شراب تلخ آمیخته با غضب او است. او آنرا می ریزد و همهٔ شیران جهان باید تا آخرین قطره از آن بنوشند. ^۹ اما من تا به ابد اعلام کرده و برای خدای یعقوب سرود ستایش می خوانم. ^{۱۰} شاخ افتخار شیران تماماً بریده شده، اما قدرت راستکاران برافراشته خواهد شد.

رعد پدید آمد و تیرهای برق تو از هر طرف به جهیدن شروع کردند.^{۱۸} صدای رعد تو در گردباد بود و نور برق، جهان را روشن ساخت و زمین آشفته و لرزان گردید.^{۱۹} طریق تو در موجهای بحر است و راههای تو در آب های فراوان، اما آثار تو را نمی توان دانست.^{۲۰} قوم برگزیده خود را مانند یک چوپان رهبری و به دست موسی و هارون هدایت نمودی.

خدا و قوم برگزیده او

(قصیده ای از آساف)

۷۸ ای قوم من به تعلیمات من گوش دهید و به سخنان دهانم گوش فرادهید.^۲ دهان خود را به مثل ها باز خواهم کرد و چیزهای را شرح خواهم داد که از بنای عالم مخفی بوده است،^۳ چیزهای که شنیده و دانسته ایم و پدران ما برای ما بیان کرده اند.^۴ ما هم آن ها را از فرزندان ایشان پنهان نخواهیم کرد. ستایشات خداوند را و قدرت او و معجزات شگفت انگیزی را که او کرده است، برای نسل های آینده بیان می کنیم.^۵ خداوند شهادتی در یعقوب برپا داشت و احکامی در اسرائیل وضع کرد و پدران ما را امر فرمود که آن ها را به فرزندان خود تعلیم دهند،^۶ تا نسل آینده آن ها را بدانند و فرزندانی که در آینده متولد می گردند نیز برخاسته و آن ها را به فرزندان خود بیان نمایند.^۷ و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را اطاعت کنند.^۸ تا مثل پدران خود نسل سرکش و فتنه انگیز نشوند که

در روز پریشانی خود خداوند را طلب کردم. در شب نیز دست من برای دعا بلند شده و خسته نگردید و جان من تسلی را ترجیح نداد.^۳ خدا را بیاد می آورم و می نالم. تفکر می کنم و روح من حیران می گردد.^۴ چشمانم را بیدار نگه داشتی و از پریشانی حرفی زده نمی توانم.^۵ به روزگار گذشته فکر می کنم و سالهای قدیم را بیاد می آورم.^۶ سرود شبانه خود را بیاد می آورم. در دل خود تفکر می کنم و روح من جوینده است.^۷ آیا خداوند تا به ابد ترک می کند و دیگر هرگز راضی نخواهد شد؟^۸ آیا رحمت او برای همیشه زایل شده و عهد او تا به ابد باطل گردیده است؟^۹ آیا خدا شفقت خود را از یاد برده و رحمت های خود را در غضب بازداشته است؟^{۱۰} پس گفتم این درد من است که دست راست خدای متعال با من مثل قدیم نیست.^{۱۱} در کارهای خداوند تفکر می کنم. بلی، اعمال شگفت انگیز تو را که از قدیم است به یاد می آورم.^{۱۲} درباره جمیع کارهای تو می اندیشم و در صنعت های تو تفکر می کنم.

^{۱۳} ای خدا، طریق تو در قدوسیت است. کیست خدای بزرگ مثل تو، ای خدا؟^{۱۴} تو خدائی هستی که کارهای عجیب می کنی. تو قدرت خود را به همه اقوام جهان معروف گردانیده ای.^{۱۵} قوم برگزیده خود را به بازوی خود رهانیده ای، یعنی اولاده یعقوب و یوسف را.^{۱۶} آنها تو را دید، ای خدا، آنها تو را دیده به لرزه آمد و عمق آنها نیز سخت آشفته و لرزان گردید.^{۱۷} از ابرها باران بارید، در آسمان

ایمان نداشته و به قدرت نجات بخش او اعتماد نکردند.^{۲۳} پس ابرها را از بالا امر فرمود و دریچه های آسمان را گشود.^{۲۴} آنگاه «منا» را بر ایشان بارانید تا بخورند و غله آسمان را به ایشان بخشید.^{۲۵} مردمان از غذای فرشتگان خوردند و آذوقه فراوان داشتند.^{۲۶} باد شرقی را در آسمان وزانید و با قدرت خود باد جنوبی را آورد.^{۲۷} گوشت را برای شان مثل غبار فرستاد یعنی پرندگان را مانند ریگ دریا.^{۲۸} او آنها را در بین خیمه ها و اطراف اقامتگاه شان فرود آورد.^{۲۹} همگی خوردند و سیر شدند و آنچه که نفس شان آرزو داشت، به آنها داده شد.^{۳۰} ایشان از طمع خود دست بردار نبوده و غذای دهن را هنوز فرو نبرده بودند،^{۳۱} که غضب خدا بر ایشان شعله ور گردیده، تنومندان شان را کشت و جوانان اسرائیل را هلاک ساخت.

^{۳۲} با وجود این همه، آنها دست از گناه نکشیدند و به معجزات او ایمان نیاوردند.^{۳۳} بنابراین او کاری کرد که روزهای شان در بیهودگی گذشت و سال های شان در وحشت و ترس.^{۳۴} هنگامیکه عده ای از آنها را کشت، بقیه به خدا رو آورده، توبه نمودند و حضور او را طلبیدند.^{۳۵} آنها به یاد آوردند که خدا صخره ایشان و خدای متعال رهاننده ایشان است.^{۳۶} اما با دهان خود به او چاپلوسی کردند و با زبان خویش به او دروغ گفتند،^{۳۷} زیرا که دل ایشان با او راست نبود و به عهد وی وفادار نماندند.^{۳۸} اما او از روی رحمت خود گناه ایشان را بخشیده، آنها را

دل شان با خدا راست نبود و نه روح ایشان بسوی خدا وفادار.

^۹ مردم افرایم با وجودیکه با تیر و کمان مسلح بودند، در روز جنگ فرار کردند.^{۱۰} پیمان خدا را نگاه نداشتند و مطابق احکام او عمل نکردند.^{۱۱} کارهای خداوند را فراموش کردند و معجزاتی را که او به ایشان ظاهر کرده بود.^{۱۲} در برابر چشمان پدران شان در سرزمین مصر و صوعن، کارهای شگفت انگیزی بعمل آورد.^{۱۳} آب بحر را دو شق کرده، ایشان را عبور داد و آنها را مانند دیوار برپا داشت.^{۱۴} در روز آنها را در زیر سایه ابر و هنگام شب با نور آتش هدایت می نمود.^{۱۵} در بیابان صخره ها را بشکافت و آب فراوان، مثل آبی که از عمق ها به دست می آید، به آنها فراهم نمود.^{۱۶} آب از صخره ها فوران کرد و مثل نهرها جاری شد.^{۱۷} با وجود همه اینها، بار دیگر نسبت به او گناه ورزیدند و در برابر خدای متعال در بیابان آشوب برپا کردند.^{۱۸} در دل های خود خداوند را امتحان کردند، زیرا از او برای ارضای نفس خود غذا خواستند.^{۱۹} بر ضد خدا حرف می زدند و می گفتند: «آیا خدا می تواند در این بیابان سفره ای برای ما تهیه کند؟^{۲۰} بلی، دیدیم که او صخره را زد و آنها روان شد و نهرها جاری گردید، پس آیا می تواند نان را نیز بدهد و گوشت برای قوم برگزیده خود حاضر سازد؟»

^{۲۱} وقتی خداوند این را شنید، غضبناک شد و آتش در یعقوب شعله ور شد و خشم بر اسرائیل افروخته گردید،^{۲۲} زیرا به خدا

همچون گله ای رهنمایی نمود. ^{۵۳}ایشان را در امنیت رهبری کرد تا نترسند، اما بحر دشمنان شان را در کام خود فرو برد. ^{۵۴}بعد ایشان را به سرزمین مقدس خود آورد، به این کوهی که با قدرت دست راست خود حاصل کرده بود. ^{۵۵}امت ها را پیش روی ایشان بیرون راند و ملک شان را با ریسمان تقسیم نموده و قبایل اسرائیل را در خیمه های ایشان ساکن گردانید. ^{۵۶}لیکن آن ها بازهم خدای متعال را امتحان کردند، به او آشوب برپا کردند و شهادتات او را نگاه نداشتند. ^{۵۷}ایشان برگشته، مانند پدران خود خیانت ورزیدند و مثل کمان نادرست، منحرف شدند. ^{۵۸}با ساختن بتخانه ها در جاهای بلند خشم او را برافروختند و با پرستش بتهای خویش غیرت او را به هیجان آوردند. ^{۵۹}چون خدا این را شنید، غضبناک گردید و از اسرائیل به شدت متفر گردید. ^{۶۰}پس خیمه شیلو را ترک نمود، آن خیمه ای که جای سکونت را که در میان آدمیان برپا ساخته بود. ^{۶۱}به دشمنان موقع داد تا صندوق پیمان را که نشانه قدرت او بود، به اسیری برند و جلال خود را به دست ایشان سپرد. ^{۶۲}قوم برگزیده خود را به شمشیر تسلیم نمود و بر میراث خود غضبناک گردید. ^{۶۳}جوانان آن ها را در آتش هلاک ساخت و دوشیزگان شان بی شوهر ماندند. ^{۶۴}کاهنان شان با شمشیر بقتل رسیدند و بیوه های شان امکان عزاداری را نداشتند.

^{۶۵}سرانجام خداوند مثل کسی که بیدار شده و مانند شخص نیرومندی که از باده سرخوش گردیده است، ^{۶۶}دشمنان خود

هلاک ساخت بلکه بارها از غضب خود برگشته و تمامی خشم خود را ظاهر نکرد. ^{۳۹}و بیاد آورد که آن ها بشر هستند و مثل بادی که می وزد و بر نمی گردد.

^{۴۰}آن ها به مراتب در بیابان در مقابل او سرکشی نمودند و در صحرا او را رنجانیدند. ^{۴۱}بارها او را امتحان کردند و به قدوس اسرائیل بی حرمتی نمودند. ^{۴۲}قدرت او را به خاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رهانیده بود، ^{۴۳}که چگونه نشانه های خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن. ^{۴۴}دریاها و نهلهای شان را به خون تبدیل کرد، طوریکه آب برای نوشیدن نداشتند. ^{۴۵}انواع حشرات نیشدار را فرستاد که آن ها را گزیدند و بقیه ها که به آن ها آسیب رسانیدند. ^{۴۶}کشت و زراعت شان را بوسیله کرمها تلف کرد. محصول زحمت شان را خوراک ملخ ها ساخت. ^{۴۷}تاکستان ایشان را با ژاله خراب کرد و درختان انجیر شان را با ژاله های بزرگ. ^{۴۸}رمله و گله شان را به ژاله سپرد و مواشی شان را به شعله های برق. ^{۴۹}آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، یعنی غضب و خشم شدید و مصیبت را با فرشتگان هلاکت. ^{۵۰}غضب خود را جاری ساخت و جان ایشان را از موت نرهانید، بلکه به مرض کشنده وبا تسلیم نمود. ^{۵۱}همه نخست زادگان مصریان را کشت و اولباری های قوت ایشان را در خیمه های حام.

^{۵۲}آنگاه قوم برگزیده خود را مثل گوسفندان از مصر بیرون آورد و ایشان را در بیابان

را به عقب راند و برای همیشه خجل و سرکوب ساخت. ^{۶۷} خانواده یوسف را رد کرد و قبیلهٔ افرایم را نپذیرفت، ^{۶۸} بلکه قبیلهٔ یهودا و کوه سهیون را که دوست می داشت، برگزید. ^{۶۹} او در آنجا عبادتگاه خود را مثل کوههای بلند و مثل زمین که استوار و همیشه پایدار است، بنا کرد. ^{۷۰} بندهٔ خود، داود را برگزید و او را از آغل های گوسفندان گرفت. ^{۷۱} او را از عقب میش های شیری آورد تا قوم برگزیدهٔ او یعقوب و میراث او اسرائیل را چوپانی کند. ^{۷۲} پس داود ایشان را با صداقت دل چوپانی نمود و با مهارت دست هدایت کرد.

دعا برای رهایی قوم (مزموری از آساف)

۷۹ ای خدا، امت ها به سرزمین تو داخل شده، عبادتگاه مقدس تو را بی حرمت ساختند و اورشلیم را به خرابه ای تبدیل نمودند. ^۱ اجساد بندگانت را خوراک مرغان هوا ساختند و گوشت بدن خادمانت را به حیوانات وحشی دادند. ^۲ خون شان را در کوچه های اورشلیم مثل آب ریختند و کسی نبود که آن ها را دفن کند. ^۳ نزد همسایگان خود خوار شده و پیش اطرافیان خود رسوا و مسخره گردیده ایم. ^۴ تا کی ای خداوند، تا به ابد خشمناک می باشی؟ تا کی غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد ماند؟ ^۵ غضب خود را بر سر اقوامی که تو را نمی شناسند بریز و بر ممالکی که نام تو را نمی خوانند. ^۶ زیرا

که بنی یعقوب را بلعیده و محل سکونت شان را ویران کرده اند.

^۷ گناهان اجداد ما را به حساب ما میاورد. رحمت های تو بزودی پیش روی ما آید، زیرا که بسیار خوار شده ایم. ^۸ ای خدا، ای نجات دهندهٔ ما، به خاطر جلال نام خود ما را یاری فرما و ما را نجات ده و به خاطر نام خود گناهان ما را بیامرز. ^۹ چرا امت ها گویند که خدای ایشان کجاست؟ بگذار که پیش چشمان ما، انتقام خون ریخته شدهٔ بندگانت بر امت ها معلوم شود.

^{۱۰} نالهٔ اسیران به حضور تو برسد و بر حسب عظمت قدرت خود آنانی را که به مرگ سپرده شده اند، نجات ده. ^{۱۱} ای خداوند، به همسایگان ما که به توبی حرمتی کرده اند، جزای هفت چندان برسان. ^{۱۲} آنگاه ما که قوم برگزیدهٔ تو و گوسفندان چراگاه تو هستیم، تا ابد از توشکرگزار بوده و نسل اندر نسل ستایش تو را بیان خواهیم کرد.

دعا برای احیای قوم (مزموری از آساف)

۸۰ ای چوپان اسرائیل بشنو! ای که قبیلهٔ یوسف را مانند گلهٔ گوسفند راهنمایی می کنی! ای که بر فراز کروبیان یعنی فرشتگان مقرب، جلوس فرموده ای، در جلال و شکوه، خود را نمایان کن! ^۱ حضور خود را به قبایل افرایم، بنیامین و منشی بنما، قدرتت را آشکار کن و برای نجات ما بیا. ^۲ ای خدا ما را دوباره احیاء کن و نور چهرهٔ خود را بر ما بتابان تا نجات یابیم.

بر نخواهیم گشتاند. ما را زنده نگهدار تا نام تو را بخوانیم.^{۱۹} ای خداوند، خدای قادر مطلق، ما را دوباره احیاء کن و نور چهرهٔ خود را بر ما بتابان تا نجات یابیم.

سرود عید

(مزموری از آساف)

۸۱ فریاد خوشی را سر دهید برای خدایی که قوت ماست و آواز شادمانی را برای خدای یعقوب!^۲ سرود بسرائید و دایره را به صدا آورید و آهنگی دلنواز با چنگ و رباب بنوازید.^۳ با نوای شیپور، ماه نو، شب چهارده و عیدها را تجلیل کنید،^۴ زیرا که این فریضه ای است در اسرائیل و فرمانی است از جانب خدای یعقوب.^۵ این را شهادتی تعیین فرمود بر یوسف، هنگامیکه بر ضد مصر بیرون رفت. در آنجا آوازی را به زبانی ناآشنا شنیدم که می گفت:

«من بار سنگین را از دوش او برداشتم و دستهای او را از کارهای شاقه آزاد کردم.^۷ در هنگام سختی استدعا نمودی و تو را رهانیدم. از میان رعد و برق تو را اجابت کرده و در کنار آب مریبه آزمایش نمودم.»

۸ «ای قوم برگزیدهٔ من بشنو، به تو هوشدار می دهم. ای اسرائیل، کاش به من گوش دهی!^۹ در میان تو خدای غیر نباشد و نزد خدای بیگانه سجده منما.^{۱۰} من خداوند، خدای تو هستم که تو را از زمین مصر برآوردم. دهان خود را باز کن و آن را پُر خواهیم ساخت.

۴ ای خداوند، خدای قادر مطلق، تا به کی بر قوم برگزیدهٔ خویش غضبناک خواهی بود و دعای بندگانت را نمی شنوی؟^۵ خوراک ایشان را اشک و اندوه ساختی و جام لبریز سرشک را به آن ها نوشانیدی.^۶ ما را مورد تمسخر همسایگان ما ساخته ای و دشمنان ما به ما می خندند.^۷ ای خدای قادر مطلق، ما را دوباره احیاء کن و نور چهرهٔ خود را بر ما بتابان تا نجات یابیم.

۸ تو قوم برگزیده ات را همچون تاک انگوری از مصر بیرون آوردی، امت ها را بیرون راندی و در جای ایشان آنرا غرس نمودی.^۹ اطراف آنرا وسعت دادی، پس خوب ریشه دوانیده و زمین را پُر ساخت.^{۱۰} کوهها به سایهٔ آن پوشانیده شد و سروهای آزاد تو با شاخه هایش.^{۱۱} شاخه های خود را تا به بحر و تا دریای فرات پهن نمود.^{۱۲} پس چرا دیوارهایش را شکسته ای که هر رهگذری آن را می چیند؟^{۱۳} گرازهای جنگل آن را ویران می کنند و حیوانات صحرا آنرا می خورند.

۴ ای خدای قادر مطلق، بسوی ما برگرد، از آسمان نظر انداز و ببین و از این تاک تفقد نما،^{۱۵} از این نهالی که دست راست تو نشانده است و از آن پسری که برای خویشتن قوی ساخته ای!^{۱۶} چون مثل هیزم در آتش سوخته شده و از خشم روی تو تباه گردیده اند!^{۱۷} پس دست تو بر مرد دست راست تو باشد و بر پسر انسان که او را برای خود قوی ساخته ای.^{۱۸} آنگاه هیچگاهی از تو رو

۱۱ اما قوم برگزیده من سخن مرا نشنیدند و اسرائیل از من اطاعت نکرد. ۱۲ بنابراین آن‌ها را به سختی دل‌شان ترک کردم تا خواهشهای نفس خود را دنبال کنند. ۱۳ ای کاش قوم برگزیده ام به من گوش می‌دادند و اسرائیل در طریق‌های من روان می‌بود. ۱۴ آنگاه دشمنان‌شان را بزودی شکست می‌دادم و دست خود را بر ضد مخالفان آن‌ها برمی‌گردانیدم. ۱۵ آنانی که از خداوند نفرت دارند با ترس در برابر او تعظیم می‌کردند و گرفتار مجازات ابدی می‌شدند. ۱۶ اما قوم برگزیده خود را با بهترین گندم غذا می‌دادم و تو را با عسل صحرائی سیر می‌ساختم.»

خداوند فرمانروای مطلق است

(مزموری از آساف)

۸۲ خدا در دادگاه آسمانی ایستاده است و در میان خدایان داوری می‌کند. ۲ تا به کی با بی‌عدالتی داوری می‌کنید و از شریران طرفداری می‌نمائید؟ ۳ «فقیران و یتیمان را دادرسی کنید و بر مردم بیچاره و مسکین با انصاف باشید. ۴ مظلومان و فقیران را برهانید و از دست شریران نجات دهید. ۵ آن‌ها نمی‌دانند و نمی‌فهمند و در تاریکی راه می‌روند و جمیع اساس زمین متزلزل می‌باشد. ۶ من گفتم که شما خدایانید و جمیع شما فرزندان خدای متعال، ۷ لیکن مثل آدمیان خواهید مُرد و چون یکی از سروران خواهید افتاد!»

۸ ای خدا برخیز و جهان را داوری فرما، زیرا که تو صاحب اختیار همه اقوام جهان هستی.

دعا برای شکست دشمنان

(سرود و مزموری از آساف)

۸۳ ای خدا خاموش مباش! ای خدا سکوت نکن و آرام منشین، ۲ زیرا دشمنانت شورش می‌کنند و کسانی که از تو نفرت دارند، سر خود را برافراشته‌اند. ۳ بر علیه قوم برگزیده ات نقشه‌های پنهانی می‌کشند و برای آنهایی که به تو پناه آورده‌اند، حيله می‌سجند ۴ و می‌گویند: «بیائید که آن‌ها را از بین ببریم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر یاد نگردد.»

۵ آن‌ها همه همدست شده‌اند و علیه تو توطئه کرده و باهم پیمان بسته‌اند. ۶ اینها ادومیان، اسماعیلیان، موآبیان، هاجری‌ها، ۷ مردم جبال، عمونیان، عمالیقیان، فلسطینی‌ها و باشندگان صور هستند. ۸ آشور نیز با ایشان متفق شده و پشتیبان اولاده لوط گردیده است.

۹ همان برخوردی را که با مدیان کردی، با این مردم هم بکن، چنانکه به سیسرا و یابین در وادی قیشون ۱۰ که در عیندور هلاک شدند و اجسادشان پاروی زمین گردیدند. ۱۱ سروران‌شان را به سرنوشت غراب و زیب گرفتار کن و جمیع حاکمان آن‌ها را مانند ذبح و صلّمناع سرکوب بساز، ۱۲ زیرا که می‌گفتند: «جایگاهی را که متعلق به خدا است به دست می‌آوریم.»

هر یک آن‌ها در سهیون نزد خدا حاضر می‌شوند.

۸ ای خداوند، خدای قادر مطلق، دعای مرا بشنو! ای خدای یعقوب، به من گوش بده! ۹ ای خدایی که سپر ما هستی، ببین و به روی مسیح خود نظر انداز. ۱۰ یک روز در صحنهای تو بهتر است از هزار در جای دیگر. ایستادن بر آستانه خانه خدای خود را بیشتر می‌پسندم تا ساکن شدن در خیمه‌های شریران. ۱۱ زیرا خداوند، خدا آفتاب و سپر است. خداوند فیض و جلال خواهد داد و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که پیرو راستی هستند. ۱۲ ای خداوند قادر مطلق، خوشا به حال کسی که بر تو توکل دارد.

دعای نجات و رستگاری

(مزموری از بنی قورح)

۸۵ ای خداوند، این سرزمین مورد لطف تو واقع شده است. تو یعقوب را از اسارت باز آورده‌ای. ۲ سرکشی قوم برگزیده ات را عفو کرده و تمام گناهان شان را پوشانیده‌ای. ۳ تمامی غضب خود را برداشته و آتش خشم خود را فرونشانده‌ای. ۴ ای خدای نجات ما، ما را بسوی خود برگردان و غضب خود را از ما بردار. ۵ آیا تا به ابد بر ما خشمگین خواهی بود؟ و خشم خویش را از یک نسل تا به نسل دیگر ادامه خواهی داد؟ ۶ آیا ما را دوباره احیاء نخواهی کرد تا قوم برگزیده ات در تو شادمانی کنند؟ ۷ ای خداوند، رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما.

۱۳ ای خدای من، آن‌ها را مثل خار بته لولان و مانند کاه پیش روی باد بساز. ۱۴ همچون آتشی که جنگل را می‌سوزاند و مثل شعله آتش که کوهها را مشتعل می‌سازد، ۱۵ همچنان آن‌ها را با تندباد خود بران و با طوفان خود ایشان را آشفته گردان. ۱۶ آن‌ها را ذلیل بساز تا نام تو را ای خداوند بطلبند. ۱۷ خجل و پریشان شوند تا به ابد و شرمنده و هلاک گردند. ۱۸ و بدانند تو که اسمت خداوند یهوه می‌باشد، یگانه حکمفرمای مطلق کائنات هستی.

اشتیاق برای خانه خدا

(مزموری از بنی قورح)

۸۴ ای خداوند قادر مطلق، چه دلپذیر است مسکن‌های تو! ۲ جان من اشتیاق شدید برای صحنهای خداوند دارد. دلم و تمام وجودم با آواز بلند خدای زنده را ستایش می‌کند. ۳ در کنار قربانگاه‌های تو ای خدای قادر مطلق، که پادشاه من و خدای من هستی، حتی گنجشک نیز برای خود خانه‌ای پیدا کرده است و عَجَجی برای خویشتن آشیانه‌ای تا چوپه‌های خود را در آن بگذارد. ۴ خوشا به حال کسانی که در خانه تو ساکن هستند و همیشه سرود ستایش تو را می‌خوانند. ۵ خوشا به حال مردمانی که قوت ایشان در تو است و طریق‌های تو در دل‌های ایشان. ۶ وقتی که از وادی بکاء یعنی بیابان خشک عبور می‌کنند، آنجا چشمه سار می‌شود و باران آنرا با برکات پُر می‌کند. ۷ از قوت تا قوت می‌خرامند و

نداری و کارهای تو بی نظیر است. ^۹ ای خداوند، همه قوم های را که آفریده ای، به حضور تو سجده نموده و نام تو را تمجید می کنند، ^{۱۰} زیرا که تو بزرگ هستی و معجزه می نمایی. تنها تو خدا هستی.

^{۱۱} ای خداوند طریق خود را به من بیاموز تا در راستی تو قدم بردارم. دل مرا کامل ساز تا از نام تو ترسان باشم. ^{۱۲} ای خداوند خدای من، با تمامی دل از تو شکرگزارم و نام تو را تا به ابد ستایش می کنم، ^{۱۳} زیرا که رحمت تو به من عظیم است و جان مرا اعماق موت نجات دادی.

^{۱۴} ای خدا، مردمان متکبر به مخالفت من برخاسته اند و گروهی از ظالمان قصد کشتن مرا دارند. آن ها تو را مد نظر خود ندارند. ^{۱۵} اما تو ای خداوند، خدای رحیم و مهربان هستی، دیر غضب و پُر از رحمت و راستی. ^{۱۶} بسوی من توجه فرما و بر من رحم کن. قوت خود را به این بنده ات عطا فرما و پسر کنیز خود را نجات بخش. ^{۱۷} نیکویی خود را به من نشان ده تا آنانی که از من نفرت دارند شرمند گردند، زیرا که تو ای خداوند مرا یاری نموده و تسلی بخشیده ای.

در وصف اورشلیم

(مزموری از بنی قورح)

۸۷ خداوند شهر خود را که اساس آن در کوه های مقدس می باشد، بنا کرده است. ^۱ او دروازه های سهیون را بیشتر از همه شهرهای دیگر یعقوب دوست دارد. ^۲ ای شهر خدا، با شکوهمندی درباره تو گفته می شود:

^۸ آنچه خداوند خدا می گوید می شنوم، زیرا او به قوم برگزیده خود و مقدسان خویش به سلامتی تکلم خواهد فرمود تا بسوی جهالت بر نگردند. ^۹ یقیناً نجات او به کسانی که از او می ترسند نزدیک است تا جلال او در سرزمین ما ساکن شود.

^{۱۰} رحمت و راستی با هم ملاقات می کنند. عدالت و سلامتی یکدیگر را می بوسند. ^{۱۱} راستی از زمین سر می زند و عدالت از آسمان نگاه می کند. ^{۱۲} یقیناً خداوند چیزهای نیکو را می بخشد و زمین ما محصول خود را می دهد. ^{۱۳} عدالت پیش روی او حرکت کرده و راه را برای قدم های وی آماده می سازد.

دعا برای کمک

(دعای داود)

۸۶ ای خداوند به من گوش بده و دعایم را مستجاب کن، زیرا مسکین و نیازمند هستم! ^۱ جان مرا حفظ کن، زیرا من به تو وفادار هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده. ^۲ ای خداوند بر من رحم فرما، زیرا که تمام روز به حضور تو زاری می کنم! ^۳ جان بنده خود را شادمان گردان، زیرا ای خداوند جان خود را به تو تقدیم می نمایم. ^۴ تو ای خداوند نیکو و بخشنده هستی و بسیار رحیم بر آنانی که تو را می خوانند. ^۵ ای خداوند دعای مرا بشنو و به آواز ناله من توجه نما! ^۶ در روز سختی و مشکلات به حضور تو دعا می کنم، زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود. ^۷ ای خداوند، تو مانند و همتا

و پستی تار گردیده است. ای خداوند، هر روز بدربار تو زاری می‌کنم و دست دعای من بسوی تو بلند است.

۱۰ آیا برای مُردگان معجزه می‌کنی؟ آیا مُردگان برخاسته تو را ستایش می‌کنند؟
۱۱ آیا رحمت تو در قبر بیان می‌گردد و وفاداری تو در گودال نیستی؟
۱۲ آیا معجزات تو در ظلمت یاد می‌گردد و عدالت تو در مکان فراموشی؟

۱۳ اما من نزد تو ای خداوند فریاد برآورده و صبحگاهان بدربار تو دعا می‌کنم.
۱۴ ای خداوند، چرا جان مرا ترک کرده و روی خود را از من پنهان می‌کنی؟
۱۵ من از طفولیت بینوا و مشرف به مرگ بوده‌ام. خوف و ترس تو بر من قرار گرفته و حیران و سرگردان شده‌ام.
۱۶ غضب تو بر من گذشته و خوف‌های تو مرا هلاک ساخته است.
۱۷ مثل سیلاب دورادور مرا گرفته و تمامی روز مرا از هر سو احاطه نموده‌اند.
۱۸ دوستان و عزیزانم را از من دور کرده و ظلمت را یار و یاور من ساخته‌ای.

وفاداری خدا با داود

(قصیده ای از ایتان ازراحی)

رحمت‌های تو را ای خداوند
۸۹ را تا به ابد می‌ستایم و وفاداری تو را با دهان خود نسل اندر نسل اعلام می‌کنم.
۲ زیرا رحمت تو تا به ابد پایدار و وفاداری تو در آسمان‌ها استوار است.
۳ تو فرمودی: «با برگزیده خود پیمانی بسته‌ام و برای بنده‌ام، داود قسم خورده‌ام»
۴ که نسل تو را تا به ابد پایدار ساخته و تخت سلطنت تو را نسل اندر نسل بنا می‌کنم.»

۴ «مصر و بابل جزء اقوامی هستند که مرا می‌شناسند. مردمان فلسطین، صور و حبشه را در زمرهٔ باشندگان سهیون می‌شمارم.»

۵ دربارهٔ سهیون گفته خواهد شد که زادگاه همگان می‌باشد. خود خدای متعال آنرا استوار می‌سازد.
۶ هنگامیکه خداوند نامهای اقوام جهان را ثبت نماید، آن‌ها را به سهیون نسبت می‌دهد.
۷ آنگاه خوانندگان و نوازندگان این سرود را می‌خوانند: «جمیع چشمه‌های من در تو است.»

فریاد کمک

(سرود و زمزموری از بنی قورح.)

(سرود هیمان ازراحی)

۸۸ ای خداوند، خدای نجات من، در روز نزد تو فریاد می‌کنم و در هنگام شب ناله و زاری.
۲ دعای من به حضور تو برسد و به نالهٔ من گوش خود را فراگیر.
۳ رنج و مصیبت جانم را به لب رسانده و زندگی‌ام به قبر نزدیک گردیده است.
۴ مردم مرا در جملهٔ مُردگان می‌شمارند و مثل یک فرد بی‌قوت گشته‌ام.
۵ در میان مُردگان گمنام و مثل کشته‌شدگانی هستم که در قبر آرمیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از پناه تو جدا گردیده‌اند.
۶ مرا در اعماق موت قرار داده‌ای و در تاریکی مطلق.
۷ خشم تو بر من سنگینی می‌کند و همهٔ امواج تو مرا در بر گرفته است.
۸ دوستانم را از من دور کرده و مرا در نظر ایشان منفور ساخته‌ای. در قید و بند گرفتارم و راه‌گریز برایم نیست.
۹ چشمانم از خواری

وعدۀ خدا به داود

۱۹ آنگاه در عالم رؤیا با مقدسینت سخن
 گفتمی و فرمودی: «توانمندی را بر مرد
 شجاعی قرار دادم و برگزیده ای از قوم
 را سرافراز گردانیدم. ۲۰ بنده خود داود را
 یافتم و او را با روغن مقدس خود مسح
 کردم. ۲۱ دست من با او استوار خواهد
 شد و بازوی من نیز او را قوی خواهد
 گردانید. ۲۲ دشمنی بر او ستم نخواهد کرد
 و پسر ظلم به او اذیت نخواهد رسانید.
 ۲۳ خصمان او را پیش روی وی شکست
 خواهم داد و آنانی را که از او نفرت
 دارند، به زمین خواهم زد. ۲۴ وفاداری و
 رحمت من با وی خواهد بود و در نام
 من سرافراز خواهد گردید. ۲۵ دست او را
 بر بحر تسلط خواهم داد و دست راست
 او را بر دریاها. ۲۶ او به من خواهد گفت:
 «تو پدر من هستی، خدای من و صخره
 نجات من.» ۲۷ من نیز او را نخست زاده
 خود خواهم ساخت، بلندتر از پادشاهان
 جهان. ۲۸ رحمت خویش را برای وی تا به
 ابد نگاه خواهم داشت و پیمان من با او
 استوار خواهد بود. ۲۹ نسل او را تا به ابد
 پابرجا خواهم ساخت و تخت او را مثل
 روزهای آسمان. ۳۰ اما اگر اولاده او از
 احکام من سرکشی نمایند و مطابق فرامین
 من رفتار نکنند، ۳۱ اگر فرایض مرا بشکنند
 و اوامر مرا نگاه ندارند، ۳۲ آنگاه نافرمانی
 ایشان را به عصا تنبیه خواهم نمود و
 گناه ایشان را به تازیانه ها. ۳۳ لیکن
 رحمت خود را از او بر نخواهم داشت
 و در وفاداری خود ثابت خواهم ماند.

۵ آسمان ها کارهای شگفت انگیز تو را
 ای خداوند ستایش می کنند و جماعت
 مقدسان وفاداری تو را. ۶ زیرا کیست در
 آسمان ها که با خداوند برابری تواند کرد؟
 در میان موجودات آسمانی چه کسی را
 می توان با خداوند تشبیه نمود؟ ۷ خدا در
 جماعت مقدسان بی نهایت مهیب است و
 خوف انگیزتر از آنانی است که گرداگرد
 او هستند. ۸ ای خداوند، خدای قادر مطلق، کیست
 عظیم و توانا مانند تو ای خداوند؟ و
 وفاداری تو، تو را احاطه می کند. ۹ بر بحر
 خروشان تو مسلط هستی و وقتی طغیان
 می کند امواج آنرا آرام می سازی. ۱۰ جانور
 بحری «رَهَب» را درهم کوبیدی و از بین
 بردی و به بازوی قدرت خویش دشمنان را
 پراکنده نمودی. ۱۱ آسمان به تو تعلق دارد
 و زمین نیز از آن تو است. جهان و پُری
 آنرا تو آفریده ای. ۱۲ شمال و جنوب را تو
 بوجود آورده ای. کوههای تابور و جرمون
 با خوشی نام تو را ستایش می کنند.
 ۱۳ بازوی تو با قوت است. دست تو زورآور
 است و دست راست تو متعال. ۱۴ عدالت و
 انصاف اساس تخت تو است. رحمت و
 راستی پیش روی تو می خرامند.
 ۱۵ خوشا به حال قومی که آواز شادمانی
 را می دانند و در نور روی تو می خرامند.
 ۱۶ تمامی روز در نام تو شادمان هستند
 و در عدالت تو سرافراشته می گردند.
 ۱۷ زیرا که افتخار قوت ایشان تو هستی و به
 رضامندی تو ما سرافراز می شویم. ۱۸ زیرا
 سپر ما از آن خداوند و پادشاه ما متعلق به
 قدوس اسرائیل است.

آفریده‌ای! ^{۴۸} کدام انسان زنده است که مرگ را نمی‌بیند؟ کیست آن کسی که بتواند جان خود را از چنگ گور نجات دهد؟

^{۴۹} ای خداوند، رحمت‌های قدیم تو کجاست که برای داود به وفاداری خود وعده دادی؟ ^{۵۰} ای خداوند، به یاد آور که چگونه از طرف قوم‌های بسیار ملامت شده و آنرا در سینه خود متحمل می‌باشم. ^{۵۱} دشمنان تو ای خداوند ملامت کرده‌اند. آن‌ها مسح شده‌ای تو را مسخره نموده‌اند.

^{۵۲} خداوند متبارک باد تا به ابد! آمین و آمین!

کتاب چهارم (مزامیر ۹۰ - ۱۰۶)

خدای جاویدان و انسان فانی

(دعای موسی، مرد خدا)

۹۰ ای خداوند، پناهگاه ما در جمیع نسل‌ها تو بوده‌ای. ^۱ پیش از آنکه کوهها به وجود آید و زمین و جهان را بیافرینی، از ازل تا به ابد تو خدا هستی. ^۲ انسان را به خاک بر می‌گردانی، و می‌گویی ای بنی آدم رجوع نمائید. ^۳ هزار سال در نظر تو مثل دیروز که گذشته باشد و مانند قسمتی از شب است. ^۴ تو به زندگی انسان دفعتاً خاتمه می‌دهی و عمر او مثل یک خواب کوتاه و مانند یک گیاهی زودگذر است. ^۵ صبحگاهان می‌شگفتد و می‌روید، شامگاهان بریده و پژمرده می‌شود.

^{۳۴} پیمان خود را نخواهم شکست و آنچه را از دهانم صادر شد تغییر نخواهم داد. ^{۳۵} یکبار به خاطر قدوسیت خود وعده نموده‌ام و به داود هرگز دروغ نخواهم گفت. ^{۳۶} نسل او تا به ابد باقی خواهد ماند و تخت او به حضور من مثل آفتاب. ^{۳۷} و مثل ماه که شاهد باوفایی در آسمان است، تا به ابد ثابت خواهد بود.»

سوگواری برای شکست پادشاه

^{۳۸} لیکن تو برگزیده خود را ترک کرده و خوار نموده‌ای و بر او غضبناک شده‌ای. ^{۳۹} پیمان خود را با بنده ات شکسته‌ای و تاج او را بر زمین انداخته، بی حرمت ساخته‌ای. ^{۴۰} تمام دیوارهای شهر او را ویران کرده و قلعه‌های او را به خرابه تبدیل نموده‌ای. ^{۴۱} همه رهگذران او را تاراج می‌کنند و او نزد همسایگان رسوا گردیده است. ^{۴۲} دست راست خصمان او را برافراشته، و همه دشمنانش را شادمان ساخته‌ای. ^{۴۳} دم شمشیرش را برگردانیده‌ای و در جنگ با او کمک نکرده‌ای. ^{۴۴} شکوه و جلال او را از بین برده و تخت او را به زمین انداخته‌ای. ^{۴۵} روزهای جوانی او را کوتاه کرده، او را به خجالت پوشانیده‌ای.

دعا برای رهایی

^{۴۶} تا به کی ای خداوند؟ آیا خود را تا به ابد پنهان خواهی کرد؟ تا به کی غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد؟ ^{۴۷} به یاد آور که روزهای زندگی‌ام چقدر کوتاه است. همه انسانها را چقدر فانی

او توکل دارم.^۳ حقیقتاً او ترا از دام صیاد و از مرض کشنده می رهاوند.^۴ با شهرهای خود ترا می پوشاند و در زیر بالهای او پناه خواهی گرفت. راستی او پناه و سپر تو می باشد.^۵ از خوفی در شب نخواهی ترسید و نه از تیری که در روز می پرد.^۶ از مرض کشنده که در تاریکی پیشرفت می کند نخواهی ترسید و نه از آفتی که در روز باعث تباهی می گردد.^۷ هزار نفر در پهلویت و ده هزار نفر در اطراف خواهند افتاد، اما به تو صدمه ای نخواهد رسید.^۸ فقط با چشمان خود خواهی نگریست و مجازات شریران را خواهی دید.

^۹ زیرا گفتی تو ای خداوند پناهگاه من هستی و خدای متعال را قلعه خود خواندی،^{۱۰} پس هیچ بدی بر تو واقع نخواهد گردید و بلایی به جای سکونت تو نزدیک نخواهد شد،^{۱۱} زیرا که او به فرشتگان خود امر خواهد فرمود تا در تمامی راههای ترا حفظ نمایند.^{۱۲} آن ها تو را بر دستهای خود خواهند برداشت، مبادا پایت به سنگی بخورد.^{۱۳} بر شیر و مار پای خواهی نهاد، شیر بچه و اژدها را پایمال خواهی کرد.

^{۱۴} خداوند می فرماید: «چونکه به من محبت دارد، او را خواهم رهاوند و چونکه اسم مرا می شناسد، او را سرافراز خواهم ساخت.^{۱۵} وقتی بحضور من دعا کند او را اجابت خواهم کرد. من در زمان سختی با او خواهم بود و او را نجات داده، با عزت خواهم ساخت.^{۱۶} او را با عمر طولانی سیر ساخته و نجات خویش را به او نشان خواهم داد.»

^۷ غضب تو ما را نابود می سازد و خشم تو به وحشت می اندازد.^۸ چونکه گناهان ما را در نظر خود گذاشته ای و خطایای مخفی ما را در نور روی خویش.^۹ زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد و سالهای خود را مثل خیالی بسر برده ایم.^{۱۰} میعاد عمر ما هفتاد سال است و اگر تندرست و قوی باشیم ممکن است هشتاد سال زندگی کنیم، اما همه دوران زندگی ما آمیخته با رنج و زحمت است و بزودی به آخر می رسد و فنا می شویم.

^{۱۱} کیست که شدت خشم تو را بداند؟ و کیست که غضب تو را بفهمد تا بترسد، چنانکه از تو می باید ترسید؟^{۱۲} به ما بیاموز که روزهای عمر خود را بشماریم تا دل ما فهیم و دانا گردد.

^{۱۳} بیا ای خداوند! تا به کی؟ و بر بندگانت شفقت فرما.^{۱۴} صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا در تمام روزهای زندگی خود شادمانی و خوشی نمائیم.^{۱۵} به اندازه روزهایی که سختی کشیدیم و سالهایی که بدبختی را دیدیم، به ما خوشی عطا فرما.^{۱۶} بگذار بندگانت کارهای تو را ببینند و فرزندان شان عظمت تو را.^{۱۷} لطف و نیکویی خداوند، خدای ما بر ما باد و عمل دستهای ما را بر ما استوار ساز! عمل دستهای ما را استوار گردان!

خداوند پناهگاه و حافظ ما است

آنکه زیر پوشش خدای متعال قرار دارد، زیر سایه قادر مطلق ساکن خواهد بود.^۲ به خداوند می گویم که او پناهگاه و قلعه من است و خدای من که به

ستایش و سپاسگزاری

(مزمور و سرودی برای روز سَبَت)

۹۲

خداوند را سپاس گفتن نیکوست و نام تو را ای خداوند متعال، ستایش کردن.^۲ سحرگاهان رحمت تو را بیان کردن نیکوست و شامگاهان وفاداری تو را.^۳ با نوای چنگ ده تار و رباب سرود ستایش تو را می خوانیم،^۴ زیرا که ای خداوند، مرا به کارهای خودت شادمان ساخته ای، به سبب اعمال دستهای تو خوشی می کنم. ای خداوند، کارهای تو چه شگفت انگیز است و فکرهای تو بی نهایت عمیق. ^۵ شخص بی فهم این را نمی داند و جاهل از درک آن عاجز است.^۷ اگرچه شیرین مثل علف می رویند و همهٔ بدکاران سعادتمند می شوند، اما سرانجام برای همیشه از بین می روند.^۸ لیکن تو ای خداوند، در جایگاه آسمانی خود تا به ابد باقی هستی.^۹ دشمنان تو ای خداوند، بلی، دشمنان تو هلاک می گردند و تمام بدکاران پراکنده می شوند.

^{۱۰} تو شاخ قوّت مرا مثل شاخ گاو وحشی برافراشته ای و به روغن تازه مسح شده ام. ^{۱۱} با چشمان خود شکست دشمنانم را می بینم و به گوش خود فریاد بدخواهانم را که با من مقاومت می کنند می شنوم. ^{۱۲} شخص عادل مثل درخت خرما با ثمر خواهد شد و مانند سرو لبنان نمو خواهد کرد. ^{۱۳} آنانی که در خانهٔ خداوند غرس شده اند، در پیشگاه خدای ما خواهند شگفت. ^{۱۴} ایشان در زمان پیری نیز ثمر

آورده و تازه و سبز خواهند بود.^{۱۵} به این ترتیب اعلام می کنند که خداوند راست است. او صخرهٔ من است و در وی هیچ بی انصافی نیست.

پادشاهی خداوند

۹۳

خداوند پادشاه است. او ملبس با جلال می باشد. خداوند خود را آراسته و کمر خود را با قوّت بسته است. جهان را نیز با قدرت خود پایدار ساخته است که از جای خود تکان نمی خورد.^۲ تخت تو از ازل برقرار بوده و تو ابدی هستی. ^۳ ای خداوند، سیلابها طغیان کرده اند. سیلابها آواز خود را برافراشته اند. سیلابها می خروشدند. ^۴ بالا تر از آواز آب های بسیار و مافوق امواج زورآور بحر، خداوند در جایگاه آسمانی خود زورآورتر است. ^۵ شهادت تو بی نهایت امین است. ای خداوند، قدوسیت خانهٔ تو را می زبید تا ابدالآباد.

خداوند انتقام می گیرد

۹۴

ای خداوند، خدای انتقام گیرنده، ای خدای انتقام گیرنده، در جلال و شکوه خود ظاهر شو! ^۲ ای داور جهان برخیز و مردمان مغرور را به سزای اعمال شان برسان. ^۳ تا به کی شیرین، ای خداوند، تا به کی شیرین شادمان باشند؟ ^۴ آن ها پُرگویی کرده، سخنان ستم آمیز می گویند و همهٔ بدکاران لاف می زنند. ^۵ ای خداوند، آن ها قوم برگزیدهٔ تو را کوبیده و میراث تو را

۲۰ آیا مسند داوران فاسد می تواند به تو وابستگی داشته باشد، که در نام قانون بی عدالتی را اختراع می کند؟^{۲۱} بر جان شخص عادل دسیسه می سازند و بر خون بی گناه فتوی می دهند.^{۲۲} لیکن خداوند پناهگاه من و خدایم صخره نجات من است.^{۲۳} گناه ایشان را بر خودشان بر خواهد گردانید و آن ها را به سبب شرارت شان از بین خواهد برد. خداوند، خدای ما آن ها را بکلی نابود خواهد ساخت.

سرود پرستش خداوند

بیائید خداوند را ستایش کنیم و برای صخره نجات خود آواز شادمانی سردهیم.^۲ به حضور او با حمد بیائیم و با سرودهای شادمانی او را ستایش کنیم.^۳ زیرا خداوند، خدای بزرگ است و پادشاه عظیم بر تمامی خدایان.^۴ نشیب های زمین در دست وی است و فراز کوه های بلند از او.^۵ بحر ها به او تعلق دارد، او آن ها را بوجود آورد و دستهای وی زمین خشک را شکل داد.^۶ بیائید عبادت و سجده نمائیم و بحضور آفریننده خود، خداوند زانو زنیم.^۷ زیرا که او خدای ما است و ما قوم برگزیده و گله دست او می باشیم! ای کاش امروز آواز او را می شنیدید!^۸ «دل خود را سخت مسازید، مانند روزهای امتحان در بیابان مریه و مسا.^۹ در آنجا پدران شما مرا امتحان کردند و باوجودی که اعمال مرا دیده بودند، باز هم مرا آزمودند.^{۱۰} مدت چهل سال از آن قوم بیزار بودم و گفتم: «قوم گمراه دل هستند

خوار می شمارند.^۶ بیوه زنان و یتیمان را می کشند و بیگانگانی را که در این سرزمین زندگی می کنند، بقتل می رسانند.^۷ آن ها می گویند: «خداوند نمی بیند؛ خدای یعقوب متوجه نمی شود.»

^۸ ای احمقان قوم بفهمید! ای مردم نادان چه وقت هوشیار می شوید؟^۹ او که گوش را ساخته است، آیا خودش نمی شنود؟ او که چشم را آفرید، آیا خودش نمی بیند؟^{۱۰} او که ملتها را تنبیه می کند و معرفت را به انسان می آموزد، آیا شما را سرزنش نخواهد کرد؟^{۱۱} خداوند فکرهای انسان را می داند که کاملاً پوچ و بیهوده است.

^{۱۲} ای خداوند، خوشا به حال کسی که او را تأدیب می کنی و به او احکام خود را می آموزی.^{۱۳} تا او را در روزهای مصیبت آسودگی بخشی، در آن هنگامیکه شیرین به جزای اعمال شان می رسند.^{۱۴} خداوند قوم برگزیده خود را رد نخواهد کرد و میراث خویش را ترک نخواهد نمود.^{۱۵} بار دیگر دآوری مطابق عدل و انصاف اجراء خواهد شد و همه عادلان از آن پشتیبانی خواهند نمود.

^{۱۶} کیست که در مقابل اشخاص شریر از من دفاع کند و کیست که با من بر ضد بدکاران مقابله کند؟^{۱۷} اگر خداوند مددگار نمی بود، جان من بزودی رهسپار دیار خاموشی می شد.^{۱۸} وقتی گفتم پام لغزش می خورد، آنگاه رحمت تو ای خداوند مرا استوار ساخت.^{۱۹} در کثرت اندیشه های دل من، تسلی های تو جانم را آسایش بخشید.

جنگل فریاد خوشی برآورند؛^{۱۳} به حضور خداوند زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. او جهان را به انصاف و قوم ها را به امانت خود داوری خواهد کرد.

قدرت و عظمت خداوند

۹۷ خداوند پادشاه است، پس زمین خوشی کند و جمیع جزیره ها شادمان باشند.^۲ ابرها و ظلمتِ غلیظ گرداگرد اوست. عدالت و انصاف اساس تخت اوست.^۳ آتش در پیشروی او می رود و دشمنانش را که در اطراف او هستند، می سوزاند.^۴ برقه‌های او جهان را روشن می کند و زمین آنرا می بیند و به لرزه می آید.^۵ کوهها در حضور خداوند گداخته می شوند، در حضور خداوند تمام جهان.^۶ آسمان ها عدالت او را اعلام می کنند و همه اقوام جهان جلال او را می بینند.

^۷ تمام بت پرستان خجل و شرمنده می شوند، زیرا آن ها به بت‌های خود می بالند. ای جمیع خدایانِ امت ها، در حضور خداوند سجده کنید.^۸ سهیون این را می شنود و شادمان می شود و شهرهای یهودا مسرور می گردند. به سبب داوری های تو، ای خداوند.^۹ زیرا که تو ای خداوند بر تمامی روی زمین متعال هستی و برتر از همه خدایان.

^{۱۰} ای شما که خداوند را دوست دارید، از بدی نفرت کنید. او حافظ جانهای مقدسان خود می باشد و آن ها را از دست شریران نجات می دهد.^{۱۱} نور بر عادلان می تابد و شادمانی برای راستکاران.

که طریق های مرا نشناختند.»^{۱۱} پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

بزرگی و جلال خدا

(همچنین در اول تواریخ ۱۶: ۲۳ - ۳۳)

۹۶ سرود تازه ای در وصف خداوند بسرائید! ای تمامی زمین، خداوند را بسرائید!^۲ خداوند را بسرائید و نام او را مبارک خوانید! مژدهٔ نجات او را روز به روز بیان کنید.^۳ جلال و شکوه او را به ملتها اعلام کنید و کارهای شگفت انگیز او را در میان همهٔ مردم.^۴ زیرا خداوند عظیم است و سزاوار ستایش. او مهیب است بر همهٔ خدایان.^۵ زیرا همه خدایانِ دیگر بتها هستند، لیکن خداوند، آسمان ها را آفرید. عظمت و جلال به حضور وی است و قوت و جمال در قدس وی.

^۷ ای مردم جهان، خداوند را ستایش کنید! خداوند را در جلال و قدرت او توصیف نمایید!^۸ خداوند را به جلال اسم او ستایش کنید! هدیه بیاورید و به پیشگاه او بیائید.^۹ خداوند را در کمال قدوسیت او پرستید! ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید!^{۱۰} به همه اقوام جهان بگوئید: «خداوند پادشاه است. او جهان را طوری بنا کرد که جنبش نمی خورد و همهٔ مردم را از روی عدالت داوری می کند.»

^{۱۱} آسمان خوشی کند و زمین وجد نماید، بحرها و تمام موجودات آن ها به جوش و خروش آیند،^{۱۲} کشتزارها و هرچه در آنهاست شادمان گردند! همهٔ درختان

متعال. ۳ اسم عظیم و مهیب تو را ستایش کنند، زیرا او قدوس است. ۴ قوت پادشاه، انصاف را دوست می دارد. تو راستی را برقرار کرده و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آورده ای. ۵ خداوند، خدای ما را ستایش کنید و در برابر قدم های او زانو بزنید، زیرا او قدوس است.

۶ موسی و هارون از جمله کاهنانش و سموئیل از یاد کنندگان نام او، به حضور خداوند دعا کردند و او ایشان را اجابت فرمود. ۷ از بین ستون ابر به ایشان سخن گفت و آن ها شهادت و احکامی را که به ایشان داد بجا آوردند. ۸ ای خداوند، خدای ما، تو ایشان را اجابت فرمودی. تو ایشان را خدای غفور و بخشنده بودی، اما آن ها را به خاطر گناه شان تنبیه کردی. ۹ خداوند، خدای ما را ستایش کنید و او را بر کوه مقدسش بپرستید، زیرا خداوند، خدای ما مقدس است.

سرود حمد و خوشی

ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید. ۲ خداوند را با خوشی عبادت نمائید و به حضور او با ترنم بیائید. ۳ بدانید که خداوند، خداست. او ما را آفرید و ما متعلق به او هستیم. ما قوم برگزیده او و رمة چراگاه او می باشیم. ۴ به دروازه های او با شکرگزاری بیائید و به عبادتگاه او با ستایش. او را حمد کنید و نام او را متبارک خوانید. ۵ زیرا که خداوند نیکوست. رحمت او ابدی است و وفاداری او جاویدان.

۱۲ ای عادلان، در خداوند شادمان باشید و نام مقدس او را سپاس گوئید.

سرود تازه

۹۸ برای خداوند سرود تازه ای بسرائید، زیرا کارهای شگفت انگیز کرده است. دست راست و بازوی مقدس او، او را پیروز ساخته است. ۲ خداوند نجات را اعلام کرده و عدالت خود را به امت ها آشکار کرده است. ۳ رحمت و امانت خود را با قوم اسرائیل به یاد آورد. همه اقصای زمین دیدند که خدای ما نجات داد.

۴ ای تمامی زمین، آواز شادمانی را برای خداوند بلند کنید. با فریاد خوشی و نوای نشاط انگیز، او را ستایش نمائید. ۵ برای خداوند با نوای چنگ بسرائید، با نوای چنگ سرود بخوانید. ۶ با آواز شیپورها و شاخ قوچ به حضور خداوند، پادشاه آواز شادمانی را بلند کنید. ۷ بحر و تمام موجودات آن به خروش آید، جهان و ساکنین آن خوشی کنند. ۸ امواج دریا کف بزنند و کوهها با هم ترنم نمایند، ۹ به حضور خداوند زیرا که می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید. او جهان را به انصاف و قوم ها را با راستی داوری خواهد کرد.

سلطنت و اقتدار خداوند

۹۹ خداوند پادشاه است، پس ملتها بلرزند. وقتی بر تخت خود بالای کرویوان، یعنی فرشتگان مقرب، می نشیند، زمین به لرزه می آید. ۲ خداوند در سهیون عظیم است و بر جمیع ملتها

وعدۀ پادشاه

(مزموری از داود)

به من توجه فرما و هرگاه دعا می کنم مرا به زودی اجابت فرما. ^۳ روزهای عمرم مانند دود بر باد رفته و استخوانهایم مثل هیزم در حال سوختن است. ^۴ دل من مثل گیاهی است که کوبیده و خشک شده باشد. خوردن غذای خود را فراموش کرده ام. ^۵ به سبب آواز ناله من، جزء پوست و استخوان چیزی در بدنم باقی نمانده است. ^۶ مثل مرغ سقای صحرا شده و مانند بوم خرابه ها گردیده ام. ^۷ خواب به چشمانم راه ندارد و چون پرنده ای تنها بر پشت بام هستم. ^۸ دشمنانم هر روز مرا سرزنش می کنند و مسخره کنندگانم مرا لعنت می نمایند. ^۹ به سبب خشم و غضب تو خاکستر را مثل نان می خورم و اشکهایم با آبی که می نوشم آمیخته اند، ^{۱۰} زیرا که مرا برداشتی و بر زمین زدی. ^{۱۱} روزهایم مانند سایه های عصر رو بزوالت است و من مثل گیاه پژمرده می شوم.

^{۱۲} لیکن تو ای خداوند، تا به ابد پادشاه هستی! و شهرت نام تو در تمام نسل ها باقی خواهد ماند. ^{۱۳} تو برخاسته، بر سهیون رحم می کنی، زیرا وقت آن است که بر او شفقت نمائی و زمان معین رسیده است. ^{۱۴} چون بندگان تو به سنگهای آنجا علاقه و دلبستگی دارند و بر خاک آن شفقت می نمایند. ^{۱۵} قوم ها از نام خداوند خواهند ترسید و پادشاهان روی زمین از عظمت و جلال او. ^{۱۶} زیرا خداوند سهیون را بنا می کند و در جلال خود ظاهر می گردد. ^{۱۷} به زاری درماندگان توجه نموده و دعای مسکینان را خوار نخواهد شمرد.

رحمت و انصاف را **۱۰۱**
خواهم سرائید و برای تو ای خداوند، سرود ستایش خواهم خواند. ^۲ در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم نمود. نزد من چه وقت خواهی آمد؟
در خانه خود با قلب سلیم بسر خواهم برد. ^۳ چیزی بد را پیش نظر خود نخواهم گذاشت. از کار اشخاص کج رو نفرت داشته و با آن ها همنشین نخواهم شد. ^۴ دل کج را از خود دور می کنم و با بدی و شرارت سر و کاری نخواهم داشت. ^۵ کسی را که در خفا از همسایه خود غیبت کند، از بین خواهم برد و شخصی را که چشم مغرور و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد. ^۶ از کسانی که به خداوند وفادارند حمایت می کنم و آن ها را بخانه خود می پذیرم. کسی که در طریق کامل رفتار می کند، مرا خدمت خواهد نمود. ^۷ شخص فریبکار را در خانه خود راه نخواهم داد و دروغگو پیش نظر من نخواهد ماند. ^۸ هر روزه همه شیریان را نابود کرده و شهر خداوند را از وجود بدکاران پاک خواهم ساخت.

دعا در پریشانی

(دعای مسکین وقتی که پریشان

حال شده، ناله خود را به

حضور خداوند می ریزد.)

ای خداوند، دعایم را **۱۰۲**
بشنو و فریاد من نزد تو برسد. ^۲ در روز سختی از من رو مگردان.

گناهانت را می بخشد و همهٔ مرض های ترا شفا می دهد.^۴ ترا از مرگ می رهاند و تاج رحمت و شفقت خود را بر سر تو می نهد.^۵ جان ترا از نعمت های خود سیر می کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود.

^۶ خداوند عدالت را به جا می آورد و انصاف را برای همهٔ مظلومان.^۷ طریق های خود را به موسی تعلیم داد و اعمال خود را به بنی اسرائیل.^۸ خداوند بخشنده و مهربان است، دیر غضب و بسیار رحیم.^۹ تا به ابد محاکمه نمی کند و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت.^{۱۰} با ما موافق گناهان ما عمل ننموده و ما را مطابق خطاهائی ما جزا نداده است،^{۱۱} زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است.^{۱۲} به اندازه ای که مشرق از مغرب دور است، گناهان ما را از ما دور می کند.^{۱۳} چنانکه پدر بر فرزندان خود رحیم است، خداوند هم بر ترسندگان خود شفقت می نماید.^{۱۴} خداوند از سرشت ما آگاه است و می داند که خاک هستیم.

^{۱۵} روزهای عمر انسان مثل گیاه است و مانند گل صحر می شگفتد.^{۱۶} وقتی باد بر آن می وزد، نابود می شود و مکانش دیگر آن را نمی شناسد.^{۱۷} لیکن رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا به ابد است و عدالت او بر فرزندان فرزندان شان^{۱۸} و بر آنانی که عهد او را حفظ می کنند و فرایض او را یاد می دارند تا آن ها را بجا آورند.^{۱۹} خداوند تخت خود را در

^{۱۸} این برای نسل آینده نوشته می شود تا قومی که آفریده خواهند شد، خداوند را ستایش کنند.^{۱۹} خداوند از جایگاه ملکوتی خود نگریسته و از آسمان بر زمین نظر افکنده است.^{۲۰} تا نالهٔ اسیران را بشنود و آنانی را که محکوم به مرگ بودند، رهایی بخشد.^{۲۱} بنابراین نام خداوند در سهیون ذکر خواهد گردید و در اورشلیم او را ستایش خواهند کرد،^{۲۲} هنگامیکه اقوام و ملت های جهان یکجا جمع شوند تا خداوند را عبادت نمایند.

^{۲۳} توانائی مرا در نصف راه از من گرفت و روزهای مرا کوتاه گردانید.^{۲۴} آنگاه گفتم که ای خدای من، نگذار که در جوانی بمیرم. ای که جاویدان و ابدی هستی.^{۲۵} از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمان ها عمل دستهای تو است.^{۲۶} آن ها فانی می شوند، لیکن تو باقی هستی و همگی آن ها همچون لباس، کهنه و فرسوده می شوند. تو آن ها را مثل ردا تبدیل می کنی و مبدل خواهند شد.^{۲۷} لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید.^{۲۸} فرزندان بندگانت در پناه تو بسر برده و نسل ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود.

ستایش رحمت خدا

(مزموری از داود)

۱۰۳ ای جان من خداوند را ستایش کن، ای تمام وجود من نام مقدس او را متبارک بخوان.^۱ ای جان من خداوند را ستایش کن و مهربانی های او را از یاد نبر.^۳ او تمام

آب نپوشاند. ^{۱۰}چشمه ها را در وادی ها جاری ساخت تا در میان کوهها روان شوند، ^{۱۱}تمام حیوانات صحرا را سیراب می سازند و گوره خرها تشنگی خود را رفع می کنند. ^{۱۲}پرنندگان بر شاخه های درختان نزدیک آب آشیانه می سازند و نغمه سرایی می کنند. ^{۱۳}با بارانی که از آسمان می فرستد، کوهها را سیراب می کند و از ثمرات اعمال تو زمین سیر می گردد. ^{۱۴}برای مواشی علف و برای انسانها نباتات را می رویاند تا غذای خود را از آن ها به دست آورند. ^{۱۵}همچنان ثمره تاک که دل انسان را شادمان می کند و روغن که چهره او را شاداب می سازد و وجود انسان را به نان قوی می گرداند. ^{۱۶}درختان خداوند شاداب می گردند، یعنی سروهای آزاد لبنان که او غرس کرده است. ^{۱۷}پرنندگان در آن ها آشیانه می سازند و اما درخت صنوبر لانه لگ لگ ها می باشد. ^{۱۸}کوههای بلند پناهگاه بزهای کوهی و صخره ها لانه موشهای صحرائی هستند. ^{۱۹}ماه را برای تعیین وقت ها ساخت و آفتاب زمان غروب خود را می داند. ^{۲۰}شب را بوجود می آوری، تا در تاریکی آن، حیوانات وحشی جنگل بخرامند. ^{۲۱}شیربچگان برای شکار خود غرش می کنند و خوراک خویش را از خدا می خواهند. ^{۲۲}در وقت طلوع آفتاب دوباره به بیشه خود می آیند و استراحت می کنند. ^{۲۳}آنگاه انسان برای کسب و کار خود بیرون می رود و تا شامگاه به وظیفه خود مشغول می باشد.

آسمان ها برقرار نموده و بر همه سلطنت می کند. ^{۲۰}خداوند را متبارک خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زورآوردید و آواز کلام او را می شنوید و به جا می آورید. ^{۲۱}ای تمام لشکرهای او، خداوند را ستایش کنید و ای خادمان او که اراده او را به جا می آورید! ^{۲۲}ای همه کارهای خداوند، او را در همه جاهای سلطنت او متبارک خوانید! ای جان من خداوند را ستایش کن.

در ستایش آفریدگار

۱۰۴
ای جان من، خداوند را ستایش کن. ای خداوند، خدای من، تو بسیار عظیم و به عزت و جلال ملبس هستی. ^۲خویشتن را به نور پوشانیده و آسمان را مثل خیمه برافراشته ای. ^۳خانه او بر فراز ابرها بنا شده و ابرها را عراده خود ساخته و بر بالهای باد سوار می شود. ^۴بادها را پیام رسان خود و شعله های آتش را خادمان خود می گرداند. ^۵زمین را بر بنیاد آن استوار کرده که تا به ابد جنبش نخورد. ^۶اوقیانوسها زمین را همچون جامه ای پوشاند و آب، کوهها را در بر گرفت. ^۷از عتاب تو آبها به جریان آمدند و با صدای رعد تو به همه جا پراکنده شدند. ^۸فراز کوهها را پوشاندند، در دره ها سرازیر گردیدند و به مکانی که مهیا ساختی جاری شدند. ^۹برای آن ها حدودی را معین کردی تا از آن نگذرنند و بار دیگر زمین را

خداوند و قوم برگزیده او

(همچنان در اول تواریخ ۱۶: ۸ - ۲۲)

۱۰۵
 خداوند را شکر کنید و نام او را بخوانید. اعمال او را به ملت‌ها اعلام نمائید. ^۲ برای او سرود بسرائید و او را ستایش کنید. از همه کارهای شگفت انگیز او خبر بدهید. ^۳ در نام مقدس او فخر کنید و دل مشتاقان خداوند شادمان باشد. ^۴ خداوند و قوت او را بطلبید و روی او را پیوسته بجوئید. ^۵ معجزاتی را که او انجام داده است به یاد آورید، همچنان نشانه های شگفت انگیز و داوری های دهان او را. ^۶ ای نسل بنده او ابراهیم و ای اولاده یعقوب، برگزیده او. ^۷ خداوند، خدای ماست! داوری های او در تمامی جهان است. ^۸ عهد خود را یاد می دارد تا به ابد و کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است، ^۹ آن عهدی را که با ابراهیم بسته و وعده ای را که برای اسحاق داده است. ^{۱۰} آثرا برای یعقوب به عنوان فریضه ای استوار ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی. ^{۱۱} او گفت که سرزمین کنعان را به تو می دهم تا ملکیت شما گردد. ^{۱۲} هنگامیکه تعداد شان محدود و کم بود و در آنجا مثل بیگانگان بسر می بردند ^{۱۳} و از یک ملت به ملت دیگر و از یک مملکت به قوم دیگر می رفتند، ^{۱۴} او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند و حتی پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود. ^{۱۵} او فرمود: «بر مسح شدگان من دست نزنید و به انبیای من ضرر نرسانید.» ^{۱۶} پس قحطی را در آن زمین

ای ^{۲۴} خداوند اعمال تو چه بسیار است. همه آن ها را از روی حکمت انجام داده ای. زمین از مخلوقات تو پُر است. ^{۲۵} در آن بحر وسیع و بزرگی که آفریده ای، جانوران بی شمار و حیوانات بزرگ و کوچک زندگی می کنند. ^{۲۶} کشتی ها بر سطح آن روانند و لویاتان، یعنی جانور بحری را که آفریده ای، در آن بازی می کند. ^{۲۷} تمام مخلوقات تو منتظر اند تا تو روزی آن ها را بدهی. ^{۲۸} آنچه را که به آن ها می دهی، آن ها جمع می کنند. دست خود را باز می کنی، پس از چیزهای نیکو سیر می شوند. ^{۲۹} وقتی از آن ها رو بر می گردانی، به وحشت می افتند و هنگامیکه جان شان را می گیری، می میرند و به خاک بر می گردند. ^{۳۰} چون روح خود را می فرستی، مخلوقات آفریده می شوند و روی زمین تازه می گردد.

^{۳۱} جلال خداوند تا به ابد است. خداوند از اعمال خلقت خود خوشنود باشد. ^{۳۲} وقتی بر زمین نگاه می کند، زمین بلرزه می آید و چون کوهها را لمس می کند، آتشفشان می شوند.

^{۳۳} تا زنده ام خداوند را با سرود پرستش خواهم کرد و تا زمانی که وجود دارم خدای خود را ستایش خواهم نمود. ^{۳۴} باشد که تفکر دلم مورد پسند او واقع گردد و من در خداوند شادمانی خواهم کرد. ^{۳۵} گناهکاران از روی زمین محو گردند و شیریان دیگر یافت نشوند.

ای جان من خداوند را ستایش کن! هَلْ لویاه، سپاس به خداوند.

شان فرستاد. ^{۳۳} تاک‌ها و انجیرهای شان را زد و درختان آن محل را شکست. ^{۳۴} به فرمان او خیل ملخ و کرمهای بی شمار پیدا شدند ^{۳۵} و همه نباتات و میوه‌های آنجا را خوردند. ^{۳۶} تمامی نخست زادگان را در زمین ایشان زد، که اولباری‌های قوت شان به شمار می‌رفت.

^{۳۷} آنگاه قوم اسرائیل را که همگی سالم و نیرومند بودند، با نقره و طلا از مصر خارج کرد. ^{۳۸} مصر از بیرون رفتن ایشان شاد بود، زیرا خوف ایشان بر مردم مصر قرار گرفته بود. ^{۳۹} ابری را برای شان مثل سایبان گسترانید و آتشی که در شب روشنایی دهد. ^{۴۰} وقتی از او درخواست کردند، پرنده سلوی «بودنه» را فرستاد و ایشان را از نان آسمان سیرگردانید. ^{۴۱} صخره را بشکافت و آب جاری شد و در جاهای خشک مثل نهر روان گردید. ^{۴۲} زیرا کلام مقدس خود را به یاد آورد و بنده خویش ابراهیم را. ^{۴۳} او قوم برگزیده خود را با خوشی و سرود شادمانی بیرون آورد ^{۴۴} و سرزمین اقوام دیگر را به آن‌ها داد و حاصل زحمت آن‌ها را به قوم برگزیده خود بخشید. ^{۴۵} تا آنکه فرایض او را نگاه دارند و احکام او را بجا آورند. هَلَلُویاه، سپاس به خداوند!

رحمت خداوند بر قوم برگزیده اش

هَلَلُویاه، سپاس به خداوند!
خداوند را سپاس گوئید

۱۰۶

زیرا که او نیکوست و رحمتش تا به ابد. ^۲ کیست که بتواند کارهای بزرگ خداوند را بیان کند و ستایش او را آنطوری که

آورد و مایه زیست و نان آن‌ها را از بین برد. ^{۱۷} او مردی را پیشتر از آن‌ها فرستاد، یعنی یوسف که به عنوان غلام فروخته شد. ^{۱۸} پاهای یوسف را به زنجیر بستند و به گردن وی حلقه آهنی انداختند، ^{۱۹} تا وقتی که پیشگویی اش به وقوع پیوست و کلام خداوند او را از آزمایش گذشتانده و تصدیق فرمود. ^{۲۰} آنگاه پادشاه او را از بند رهایی بخشید و سلطان قوم‌ها او را از زندان آزاد کرد. ^{۲۱} او را بر خانه خود ناظر مقرر کرد و اختیار تمام دارائی خود را به وی سپرد، ^{۲۲} تا به اراده خود بر بزرگان فرعون سروری کند و مشایخ او را حکمت آموزد. ^{۲۳} سپس اسرائیل به مصر درآمدند و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت. ^{۲۴} خداوند قوم برگزیده خود را بی نهایت بارور و زیاد گردانید و آن‌ها را قویتر از دشمنان شان ساخت. ^{۲۵} لیکن دل مردم مصر را برگردانید تا بر قوم برگزیده او کینه ورزند و با بندگان او با حيله رفتار نمایند. ^{۲۶} بعد بنده خود موسی و هارون را که برگزیده بود، فرستاد. ^{۲۷} آن‌ها نشانه‌های شگفت‌انگیز او را در میان مصریان انجام دادند و معجزات او را در سرزمین حام. ^{۲۸} ظلمت را فرستاد که تاریکی شد و ایشان نتوانستند که به کلام او مخالفت ورزند. ^{۲۹} آب‌های آن‌ها را به خون تبدیل کرد و تمام ماهی‌های شان مُردند. ^{۳۰} بعد بقیه‌ها به آن کشور هجوم آوردند و حتی قصر سلطنتی هم پُر از بقیه شد. ^{۳۱} به امر خداوند انواع مگس‌ها و پشه‌ها در سراسر آن کشور پیدا شدند. ^{۳۲} به جای باران، ژاله و شعله‌های آتش را به کشور

۱۷ آنگاه زمین چاک شد و داتان را در خود فرو برد و همچنین ابیرام و خانواده او را پوشانید. ۱۸ بعد آتشی در بین شان افروخته شد و شعله آتش شیران را سوزانید. ۱۹ در حوریب گوساله ای ساختند و آن بت ریخته شده را پرستش کردند. ۲۰ تمثال یک گاو علف خور را بر خدای پُر جلال خویش ترجیح دادند. ۲۱ خدای نجات دهنده خود را که کارهای عظیمی را در مصر کرده بود، از یاد بردند. ۲۲ معجزات او را در سرزمین حام و کارهای هولناک او را در بحیره احمر، همه را فراموش کردند. ۲۳ آنگاه خواست ایشان را هلاک کند، اما برگزیده او موسی به شفاعت آن ها برخاست و غضب خدا را فرو نشاند که آن ها هلاک نسازد. ۲۴ آن ها سرزمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام وی اعتماد نکردند. ۲۵ در خیمه های خود لب به شکایت گشودند و به آواز خداوند گوش ندادند. ۲۶ پس دست خود را بر ضد آن ها برافراشت که ایشان را در آن بیابان از بین ببرد ۲۷ و اولاده شان را در میان امت ها بیندازد و ایشان را در کشورهای بیگانه پراکنده سازد. ۲۸ سپس به بت بعل فغور پیوستند و قربانی های تقدیم شده به بتها را خوردند. ۲۹ با این اعمال خود خداوند را به خشم آوردند و به مرض کشنده ای گرفتار گردیدند. ۳۰ آنگاه فینحاس برخاست و داوری نمود و مرض کشنده از بین برداشته شد. ۳۱ این برای او به عدالت محسوب گردید، نسل بعد نسل تا ابد الابد.

۳۲ خداوند را نزد آب های مریبه غضبناک ساختند. موسی هم به خاطر

شایسته است بشنوند؟^۳ خوشا به حال آنانی که انصاف را نگاه دارند و آنکه عدالت را در همه وقت به عمل آورد.

۴ ای خداوند به رضامندی ای که با قوم برگزیده خود می داری، مرا یاد کن و به نجات خود از من تفقد نما. ۵ تا سعادت برگزیدگان تو را بینم، در خوشی قوم برگزیده تو حصه بگیرم و با میراث تو فخر نمایم.

۶ ما و پدران ما گناه نموده ایم و خطا کرده، شرارت ورزیده ایم. ۷ پدران ما معجزات تو را در مصر درک نکردند و رحمت های زیاد تو را به یاد نیاوردند، بلکه در جوار آب یعنی ساحل بحیره احمر فتنه انگیختند. ۸ با آنها به خاطر نام خود و برای اینکه قدرت عظیم خود را ظاهر سازد، آن ها را نجات داد. ۹ به فرمان او بحیره احمر خشک گردید و قوم برگزیده خود را از اعماق بحر، گویی از بین صحرا عبور داد. ۱۰ آن ها را از دست دشمنان نجات داد و از دست بدخواهان رهایی بخشید. ۱۱ آب دشمنان ایشان را طوری پوشانید که حتی یکی از آن ها هم باقی نماند. ۱۲ آنگاه به کلام او ایمان آوردند و سرود حمد او را سرآیدند. ۱۳ اما اعمال او را به زودی فراموش کردند و مشورت او را انتظار نکشیدند. ۱۴ بلکه در آن بیابان به شهوت پرستی پرداختند و در دشت خدا را آزمایش کردند. ۱۵ پس خواست دل شان را بجا آورد، لیکن جان شان را به مرض مهلکی مبتلا ساخت.

۱۶ در بیابان به موسی و به هارون، تقدیس شده خداوند، حسد بردند.

تا نام مقدس تو را حمد گوئیم و ستایش تو افتخار ما باشد. ^{۴۸} خداوند، خدای اسرائیل از ازل تا به ابد متبارک باد! و تمام قوم بگویند: «آمین!»
هَللویاه، سپاس به خداوند!

کتاب پنجم (مزامیر ۱۰۷ - ۱۵۰)

ستایش نیکویی خداوند

۱۰۷ خداوند را سپاس گوئید زیرا که او نیکوست و رحمتش تا به ابد. ^۲ فدیة شدگانِ خداوند این را بگویند، آنهایی که خداوند ایشان را از دست دشمن فدیة داده ^۳ و از کشورهای بیگانه، از شرق و غرب و شمال و جنوب جمع کرده است.

^۴ آن‌ها در صحرا و بیابان بیراهه آواره بودند و شهری برای سکونت نیافتند. ^۵ گرسنه و تشنه شدند و جان‌شان بیچاره و بینوا گردید. ^۶ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی‌های شان رهایی بخشید. ^۷ آن‌ها را به راه مستقیم رهبری نمود تا به شهری مسکون درآمدند. ^۸ پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت‌انگیز او با بنی‌آدم شکر کنند. ^۹ زیرا که جان تشنه را سیراب نموده و جان‌گرسنه را با چیزهای نیکو سیر کرد.

^{۱۰} بعضی‌شان در تاریکی و سایهٔ موت نشسته بودند و در زندان و زنجیر رنج می‌بردند، ^{۱۱} زیرا که آن‌ها از کلام خدا سرپیچی کرده و احکام خدای قادر متعال

آن‌ها آزار دید ^{۳۳} و چنان روح او را تلخ ساختند که لب به ناسزاگفتن گشود. ^{۳۴} ایشان آن قوم‌های را که خداوند امر فرموده بود از بین نبردند، ^{۳۵} بلکه با آن‌ها رابطهٔ دوستی برقرار کردند و اعمال بت پرستان را آموختند. ^{۳۶} بت‌های شانرا پرستیدند و با این کار برای خود دام گذاشتند. ^{۳۷} پسران و دختران خود را برای ارواح پلید قربانی نمودند. ^{۳۸} خون بیگناهان یعنی خون پسران و دختران خود را ریختند و آنرا برای بت‌های کنعان قربانی کردند. آن سرزمین از خون آلوده گردید. ^{۳۹} آن‌ها به خاطر اعمال خود نجس شدند و بت پرستی آن‌ها در نظر خداوند حکم زنا را داشت. ^{۴۰} آنگاه خشم خداوند بر قوم برگزیده اش افروخته شد و او از آن‌ها بیزار گردید. ^{۴۱} پس ایشان را به دست امت‌ها تسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، بر آن‌ها حکمرانی کنند. ^{۴۲} دشمنان شان بر آن‌ها ظلم کردند و آن‌ها را زیر دست خود خوار و ذلیل ساختند. ^{۴۳} خداوند بارها قوم برگزیدهٔ خود را نجات داد، اما آن‌ها هر بار در برابر او فتنه برانگیختند و به خاطر گناه خویش خوار و ذلیل گردیدند. ^{۴۴} با وجود این، وقتی که فریاد ایشان را شنید، به درماندگی آن‌ها توجه کرد. ^{۴۵} به خاطر ایشان، پیمان خود را بیاد آورد و به سبب رحمت بی‌پایان خود، آن‌ها را مجازات نکرد ^{۴۶} و دل اسیرکنندگان ایشان را به رحم آورد.

^{۴۷} ای خداوند، خدای ما، ما را نجات ده! ما را از میان ممالک بیگانه جمع کن،

فرومی رفتند. جان شان در این تلاطم از حال رفت. ^{۲۷}مانند مستان آفتان و خیزان شدند و نمی دانستند که چه کار کنند. ^{۲۸}آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی های شان رهایی بخشید. ^{۲۹}طوفان را آرام کرد و امواج بحر از تلاطم باز ایستادند. ^{۳۰}وقتی آرامش حکمفرما گردید، همه خوشحال شدند و خداوند آن ها را به بندر مقصود رسانید. ^{۳۱}پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت انگیز او با بنی آدم شکر کنند. ^{۳۲}عظمت و جلال او را به جماعت قوم اعلام کنند و نزد بزرگان قوم او را ستایش کنند.

^{۳۳}او دریاها را به بیابان و چشمه های آب را به زمین خشک و بی آب تبدیل کرد. ^{۳۴}زمین حاصلخیز را به خاطر شرارت ساکنان آن به شوره زار مبدل ساخت. ^{۳۵}بیابان را به دریاچه آب و زمین خشک را به چشمه های آب تبدیل کرد. ^{۳۶}گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت خود آباد کنند. ^{۳۷}در زمین آنجا به زراعت پرداختند، تاکستانها غرس نمودند و حاصل بسیار به دست آوردند. ^{۳۸}خداوند آن ها را برکت داد که بی حد زیاد شدند و نگذاشت که رمه و گله شان کم گردد.

^{۳۹}باز کم گشتند و تحقیر شدند و در زیر ظلم و ستم رنج کشیدند. ^{۴۰}خداوند رهبران ظالم را خوار و در ویرانه ها آواره می سازد، ^{۴۱}اما مسکین را از رنج و سختی رهایی می دهد و قبیله ها را مثل گله ها زیاد می سازد. ^{۴۲}صالحان این

را بجا نیاورده بودند. ^{۱۲}به همین جهت آن ها را در زیر بار زحمت و مشقت چنان ذلیل ساخت که از پا افتادند و مدد کننده نبود. ^{۱۳}آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی های شان رهایی بخشید. ^{۱۴}آن ها را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و از بند و زنجیر آزاد کرد. ^{۱۵}پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت انگیز او با بنی آدم شکر کنند. ^{۱۶}زیرا که دروازه های برنجی را شکسته و پشت بندهای آهنی آنها قطع می کند.

^{۱۷}افراد نادان به خاطر روش شیرانه خود و به سبب گناهان خویش، در عذاب بودند. ^{۱۸}جان شان از هر نوع خوراک بیزار بود و پای شان به لب گور رسیده بود. ^{۱۹}آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی های شان رهایی بخشید. ^{۲۰}کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و از مرگ و عذاب نجات داد. ^{۲۱}پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت انگیز او با بنی آدم شکر کنند. ^{۲۲}قربانی های شکرانگی بگذرانند و با شادمانی کارهای را که او کرده است، اعلام نمایند.

^{۲۳}بعضی از آن ها با کشتی به بحر رفتند و در آب های عمیق مشغول کار شدند. ^{۲۴}آن ها کارهای خداوند و شاهکارهای دست او را در اعماق بحر دیدند. ^{۲۵}به فرمان او باد و طوفان برخاست و امواج بحر به طغیان آمد. ^{۲۶}کشتی ها گاهی به هوا بلند می شدند و گاهی به اعماق بحر

را می بینند و خوشی می کنند، اما دهان شرارت بسته می گردد.

۴۳ کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید؟ که ایشان رحمت های خداوند را خواهند فهمید.

طلب کمک علیه دشمنان

(مزموری از داود)

(همچنین در مزمور ۵۷: ۷ - ۱۱)

و ۶۰: ۵ - ۱۲)

۱۰ کیست که مرا به شهر حصار دار ببرد؟ و کیست که مرا به ادوم راهنمایی کند؟ ۱۱ مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته و با لشکرهای ما نرفتی؟ ۱۲ مرا در مقابل دشمن کمک فرما، زیرا معاونت از طرف انسان باطل است. ۱۳ با کمک خدا پیروزی نصیب ما است و او دشمنان ما را پایمال می سازد.

شکایت شخص رنجدیده

(مزموری از داود)

۱۰۹ ای خدای که تو را ستایش می کنم، خاموش مباش! ۱ زیرا شریران و فریبکاران دهان به بدگویی من گشوده اند و درباره من سخنان دروغ می گویند. ۲ با سخنان نفرت انگیز دور مرا گرفته و بی سبب با من جنگ می کنند. ۳ به عوض محبت من، با من دشمنی می کنند، لیکن من دعا. ۴ جواب خوبی های مرا با بدی می دهند و در عوض محبت، از آن ها کینه و نفرت می بینم.

۵ شیر را بر دشمنم بگمار و ملامت کننده را در دست راست او. ۶ هنگامیکه به محکمه بیاید، مجرم به حساب آید و دعای او گناه شمار گردد. ۷ عمرش کوتاه گردد و مقام و منصبش به دیگری تعلق گیرد. ۸ فرزندانش یتیم شوند و زن وی بیوه گردد. ۹ فرزندان او آواره شده و گدایی کنند و از خرابه های شان رانده شوند. ۱۰ طلبکار در بدل قرض، تمام مال و دارائی او را ضبط نماید و بیگانگان حاصل زحمتش

۱۰۸ ای خدا، دل من مستحکم است. سرود حمد تو را

می خوانم و تو را از دل و جان ستایش می کنم. ۱ ای چنگ و رباب بیدار شوید! من نیز سپیده دم را بیدار می کنم. ۲ ای خداوند، تو را در میان قوم ها ستایش می کنم و در برابر ملتها سرود حمد تو را می خوانم، ۳ زیرا که رحمت تو عظیم و مافوق آسمان ها است و راستی تو تا اوج افلاک می رسد. ۴ ای خدا، بر فوق آسمان ها متعال باش و جلال تو بر روی همه زمین آشکار گردد! ۵ با دست راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما، تا محبوبان تو خلاصی یابند.

۶ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است: «با خوشی فراوان شهر شکیم را تقسیم می کنم و وادی سوکوت را اندازه گیری می کنم. ۷ سرزمین جلعاد و منسی به من تعلق دارد. ۸ افرایم کلاهخود سر من و یهودا عصای سلطنت من است. ۹ سرزمین موآب را ظرف طهارت می گردانم، بر ادوم کفش خود را

ای خداوند این را کرده ای.^{۲۸} ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. وقتی برخیزند، خجل شوند و اما بندهٔ تو شادمان گردد.^{۲۹} جفاکنندگانم به رسوایی ملبس شوند و خجالت خویش را مثل لباس بیوشند.^{۳۰} خداوند را به زبان خود سپاس می گویم و در برابر گروه کثیری او را ستایش می کنم،^{۳۱} زیرا که به دست راست مسکین می ایستد تا او را از دست کسانی که بر جان او فتوی می دهند برهاند.

خداوند و پادشاه برگزیده اش (مزموری از داود)

خداوند به خداوند من گفت: «در دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.»^۲ خداوند عصای قوت تو را از سهیون خواهد فرستاد تا بر دشمنانت سلطنت کنی.^۳ در آن روزی که به جنگ دشمنان بروی، قوم تو در لباس تقوی و پرهیزگاری حاضر می شوند و مردان جوان، مثل شبنم صبحگاهی، به حضور تو برکوه مقدس می آیند.^۴ خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که: «تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبهٔ ملکیزدق.»^۵ خداوند که در دست راست تو است؛ در روز غضب خود پادشاهان را شکست می دهد.^۶ در میان امت ها داوری می کند. میدان جنگ را از اجساد آن ها پُر می سازد و سر آن ها را در زمین وسیع می کوبد.^۷ پادشاه از نهر کنار جاده می نوشد و نیرو می یابد و با پیروزی بپا می ایستد.

را تاراج کنند.^{۱۲} کسی نباشد که به او دلسوزی کند و نه بر یتمان وی شفقت بنماید.^{۱۳} نسل او قطع گردد و در طبقه بعد نام ایشان محو شود.^{۱۴} خداوند شرارت پدرانش را فراموش نکند و گناه مادرش را نیامرزد.^{۱۵} عصیان آن ها همیشه مد نظر خداوند بماند تا نام و نشان آن ها را از زمین قطع نماید،^{۱۶} زیرا که شفقت را نشناخت، بر فقیر و مسکین جفا کرد و شخص شکسته دل تا دم مرگ از او آزار دید.^{۱۷} او که لعنت را دوست می داشت، به خودش رسید و چون که برکت را نمی خواست، از او دور شده است.^{۱۸} لعنت را مثل لباس در بر خود گرفت که مانند آب در بدنش و مثل روغن در استخوان هایش درآمد.^{۱۹} لعنت مثل جامه ای باشد که او را می پوشاند و همچون کمربندی که به آن همیشه بسته می شود.^{۲۰} این اجرتی باشد از جانب خداوند برای ملامت کنندگان و بدخواهان جانم.

^{۲۱} اما تو ای خداوند متعال و خدای من، به خاطر نام خود به من مدد فرما، چونکه رحمت تو نیکوست. مرا نجات ده،^{۲۲} زیرا که فقیر و مسکین هستم و دل من در اندرونم مجروح است.^{۲۳} مانند سایهٔ زودگذر در حال فنا هستم و مثل ملخ رانده شده ام.^{۲۴} زانوهایم از روزه داشتن می لرزند و گوشتم آب می شود.^{۲۵} پیش مردم خوار و حقیر شده ام و وقتی مرا می بینند سر خود را می جنبانند.

^{۲۶} ای خداوند و خدای من، به من مدد فرما و بر حسب رحمت خود مرا نجات ده.^{۲۷} تا بدانند که این است دست تو، و تو

ستایش اعمال خداوند

بسیار رغبت دارد.^۲ فرزندان او در زمین نیرومند می شوند و نسل راستکاران برکت می بیند.^۳ ثروت و دارائی در خانه او می باشد و عدالتش تا به ابد پایدار است.^۴ نور برای راستکاران در تاریکی طلوع می کند، او بخشنده و رحیم و عادل است.^۵ سعادتمند است شخصی که رحیم و قرض دهنده باشد. او کارهای خود را با انصاف انجام می دهد.^۶ او هرگز جنبش نمی خورد. شخص عادل تا به ابد یاد می شود.^۷ از خبر بد نمی ترسد، دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد.^۸ دل او استوار است و نمی ترسد تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند.^۹ از روی سخاوت به نیازمندان کمک می کند، عدالتش تا به ابد پایدار است و عزتمند و با قدرت می گردد.^{۱۰} شخص شریب این را دیده، غضبناک می شود و دندانهای خود را فشرده، دلش آب می گردد. آرزوی شیرین زایل می شود.

سرود حمد خداوند

هَلَلُویاه، سپاس به خداوند!
 ۱۱۳ ای بندگان خداوند،
 سپاس بگوئید و نام خداوند را ستایش کنید.^۲ نام خداوند متبارک باد، از حال تا به ابد.^۳ از طلوع آفتاب تا غروب آن، نام خداوند ستایش شود.^۴ خداوند متعال است، مافوق همه ملتها و جلال او به آسمان ها می رسد.

۵ کیست مانند خداوند، خدای ما که در جایگاه آسمانی خود نشسته است
 ۶ و متواضع می شود تا نظر نماید بر

۱۱۱ هَلَلُویاه، سپاس به خداوند!
 خداوند را با تمامی دل
 در مجلس راستکاران و در میان جماعت
 قوم سپاس می گویم.^۲ کارهای خداوند
 عظیم اند و همه کسانی که به آن ها رغبت
 دارند در آن ها جستجو می کنند.^۳ کار
 خداوند پُر جلال و شکوهمند است و
 عدالت وی استوار تا به ابد.^۴ معجزات
 او برای همیشه یاد می گردند. خداوند
 بخشنده و رحیم است.^۵ برای ترسندگان
 خود روزی فراهم می سازد و به عهد خود
 وفا می کند تا ابدالابد.^۶ قدرت اعمال
 خود را با عطا کردن سرزمین امت ها
 برای قوم برگزیده خود، به آن ها نشان
 داده است.

۷ کارهای دستهای راستی و انصاف
 است و همه احکام او قابل اعتماد.
 آن ها تا به ابد پایدار هستند و بر اساس
 راستی و درستی انجام یافته اند.^۹ فدیة ای
 برای قوم برگزیده خود فرستاد و پیمان
 خویش را تا به ابد برقرار فرمود. نام او
 مقدس و مهیب است.^{۱۰} ترس خداوند
 ابتدای حکمت است. خردمندی نیکو
 برای همه کسانی است که آنرا در نظر
 دارند و انجام می دهند. حمد خداوند
 پایدار است تا به ابد.

سعادت شخص خدا ترس

۱۱۲ هَلَلُویاه، سپاس به خداوند!
 خوشا به حال کسی
 که از خداوند می ترسد و در وصایای او

می آورد. ^۴بتهای ایشان از نقره و طلاست و صنعت دستهای انسان. ^۵آن ها دهان دارند، اما قادر به حرف زدن نیستند؛ دارای چشم هستند، ولی دیده نمی توانند. ^۶گوش دارند، اما نمی شنوند. آن ها را بینی است، لیکن نمی بویند. ^۷دارای دست هستند، ولی لمس کرده نمی توانند. پای دارند، اما راه نمی روند و صدائی از گلوی شان بر نمی آید. ^۸کسانی که این بتها را می سازند و همچنان اشخاصی که به آن ها توکل می کنند، مثل بتهای شان بی شعور هستند.

^۹ای اسرائیل، به خداوند توکل نما. «او معاون و سپر ایشان است.» ^{۱۰}ای خاندان هارون بر خداوند توکل نمائید. «او معاون و سپر ایشان است.» ^{۱۱}ای کسانی که از او می ترسید، بر او توکل نمائید. «او معاون و سپر ایشان است.»

^{۱۲}خداوند ما را به یاد آورده و برکت می دهد. خاندان اسرائیل را برکت می دهد و خاندان هارون را برکت می دهد. ^{۱۳}خداوند ترسندگان خود را برکت می دهد، چه خورد و چه بزرگ. ^{۱۴}خداوند تعداد شما را بیفزاید، شما و فرزندان شما را. ^{۱۵}شما برکت یافته خداوند که آسمان و زمین را آفرید، هستید. ^{۱۶}آسمان ها، آسمان های خداوند است

و اما زمین را به بنی آدم بخشیده است. ^{۱۷}مردگان نیستند که خداوند را ستایش می کنند و نه آنانی که رونده دیار خاموشی هستند. ^{۱۸}لیکن ما خداوند را متبارک می خوانیم، از حال تا به ابد. هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

آسمان ها و بر زمین؟ ^۷او مسکین را از خاک برمی دارد و فقیر را از خاکروبه بلند می کند. ^۸تا آن ها را با بزرگان همنشین سازد یعنی با بزرگان قوم شان. ^۹زن بی اولاد را خانه دار می سازد و مادر خوشبخت فرزندان. هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

سرود فَصَح

۱۱۴
وقتی بنی اسرائیل مصر را ترک کردند و اولاده یعقوب از سرزمین بیگانگان خارج شدند، ^۲یهودا جایگاه مقدس او شد و اسرائیل محل سلطنت وی. ^۳بحر این را بدید و گریخت و اُردن به عقب برگشت. ^۴کوهها مانند قوچ و تپه ها مثل بره به جست و خیز آمدند. ^۵ای بحر ترا چه شد که گریختی؟ و ای اُردن که به عقب برگشتی؟ ^۶ای کوهها چرا مثل قوچ به جست و خیز آمدید و ای تپه ها چرا مانند بره شدید؟

^۷ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب. ^۸که صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.

در وصف خدای حقیقی

۱۱۵
نه ما را، ای خداوند! نه ما را، بلکه نام خود را جلال ده! به سبب رحمت و راستی خویش. ^۲چرا ملت های جهان بگویند: «خدای ایشان کجاست؟» ^۳خدای ما در آسمان است و آنچه را که اراده فرماید بعمل

سپاسگزاری برای رهایی

۱۱۶

خداوند را محبت می‌نمایم، زیرا که آواز من و تصرع مرا می‌شنود. ^۲ او گوش خود را متوجه من ساخته است، پس تا که زنده هستم به دربار او دعا می‌کنم. ^۳ ریسمانهای موت مرا احاطه کرد، ترسهای مرگ مرا به وحشت انداخت و در تنگی و غم افتادم. ^۴ آنگاه نام خداوند را خواندم و گفتم: «آه ای خداوند، جان مرا رهایی ده!»

^۵ خداوند رحیم و عادل است و خدای ما رحیم است. ^۶ خداوند از اشخاص ناتوان محافظت می‌کند. خوار و ذلیل بودم، او مرا نجات داد. ^۷ ای جان من به آرامی خود برگرد، زیرا خداوند به تو احسان نموده است. ^۸ تو ای خداوند، جان مرا از موت خلاصی دادی و چشمانم را از اشک و پاهایم را از لغزیدن. ^۹ پس در زمین زندگان به حضور خداوند بسر می‌برم. ^{۱۰} چون ایمان داشتم سخن گفتم، باوجودی که بسیار بینوا بودم. ^{۱۱} در پریشانی خود گفتم که «جمع آدمیان دروغ‌گویند.»

^{۱۲} خداوند را برای همه خوبی‌های که به من نموده است، چه ادا کنم؟ ^{۱۳} به خاطر نجات خود، هدیه نوشیدنی را به حضور خداوند تقدیم می‌کنم و نام او را سپاس می‌گویم. ^{۱۴} در حضور قوم برگزیده او به وعده‌های که به خداوند داده‌ام، وفا می‌کنم.

^{۱۵} موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانبهاست. ^{۱۶} آه ای خداوند، من بنده تو

هستم! من بنده تو و پسر کنیز تو هستم. تو از بند آزادم کردی. ^{۱۷} به حضور تو قربانی شکرگزاری را تقدیم نموده و نام تو را می‌ستایم. ^{۱۸} در حضور قوم برگزیده او به وعده‌های که به خداوند داده‌ام، وفا می‌کنم. ^{۱۹} آنرا در پیشگاه خانه خداوند و در اندرون تو ای اورشلیم ادا می‌کنم. هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

در ستایش خداوند

۱۱۷

ای جمیع امت‌ها خداوند را سپاس بگوئید! و ای تمامی قبایل، او را ستایش کنید! ^۲ زیرا که رحمت خداوند بر ما عظیم است و وفاداری او تا به ابد. هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

سرود پیروزی

۱۱۸

خداوند را سپاس گوئید زیرا که نیکوست و رحمت او تا به ابد است. ^۲ قوم اسرائیل بگویند: «رحمت او تا به ابد است.» ^۳ خاندان هارون بگویند: «رحمت او تا به ابد است.» ^۴ ترسندگان خداوند بگویند: «رحمت او تا به ابد است.»

^۵ در هنگام سختی خداوند را خواندم. خداوند مرا اجابت فرموده و در جای وسیع قرارم داد. ^۶ خداوند با من است، پس نمی‌ترسم. انسان به من چه کرده می‌تواند؟ ^۷ خداوند همراه من و مددگار من است، پس شکست دشمنان خود را خواهم دید. ^۸ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن به انسانها. ^۹ به

خداوند پناه بردن بهتر از توکل نمودن بر امیران.

۱۰ جمیع امت ها مرا احاطه کرده اند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک می کنم. ۱۱ آن ها مرا از هر طرف احاطه نموده اند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک می کنم. ۱۲ آن ها مثل خیل زنبور بر من هجوم آورده اند ولی مانند آتش خارها خاموش می شوند، زیرا به نام خداوند ایشان را هلاک می کنم. ۱۳ بر من با شدت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خداوند به کمک من رسید. ۱۴ خداوند قوت و سرود من است؛ او نجات من شده است.

نور و تسلی در کلام خدا

۱۱۹ خوشا به حال کاملان
طریق که پیرو شریعت
خداوند هستند. ۲ خوشا به حال آنانی که شهادت او را حفظ می کنند و با تمامی دل او را می طلبند. ۳ کج روی نیز نمی کنند، بلکه در راههای خداوند قدم بر می دارند. ۴ تو به ما وصایای خود را امر فرموده ای تا آن ها را تماماً نگاه داریم. ۵ کاش که راههای من مستحکم شود تا فرایض تو را بجا آورم. ۶ آنگاه خجل نخواهم شد چون تمام اوامر تو را در مد نظر خود دارم. ۷ تو را به راستی دل سپاس خواهم گفت، وقتی داوری های عادلانه تو را بیاموزم. ۸ فرایض تو را بجا می آورم، پس هیچگاهی مرا ترک مکن. ۹ به چه چیز می تواند مرد جوان راه خود را پاک نگاه دارد؟ با محافظت آن موافق کلام تو. ۱۰ از دل و جان در طلب تو هستم، پس نگذار که از اوامر تو سرکشی

۱۵ آواز ترنم و نجات در خیمه عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند. ۱۶ دست راست خداوند برافراشته است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند. ۱۷ نمی میرم، بلکه زنده می مانم و همه کارهای خداوند را اعلام می کنم. ۱۸ گرچه خداوند مرا به شدت سرزنش کرد، لیکن مرا به موت نسپرده است.

۱۹ دروازه های عدالت را برایم بگشائید تا داخل شوم و خداوند را سپاس گویم. ۲۰ این دروازه خداوند است. عادلان به آن داخل می شوند. ۲۱ ترا سپاس می گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده ای.

۲۲ سنگی را که معماران رد کردند، همان سنگ سر زاویه شده است. ۲۳ این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است. ۲۴ این است روزی که خداوند ساخت. خوشی کنیم و شادمان باشیم. ۲۵ آه ای

کنم. ^{۱۱} کلام تو را در دل نگاه می دارم که مبادا به تو گناه ورزم. ^{۱۲} ای خداوند تو متبارک هستی! فرایض خود را به من بیاموز. ^{۱۳} تمامی داوری های دهان تو را به لب های خود بیان می کنم. ^{۱۴} در طریق شهادت تو، بیشتر از کسب ثروت شادمانم. ^{۱۵} در وصایای تو تفکر می کنم و به طریق های تو توجه می نمایم. ^{۱۶} از

فرامین تو لذت می برم، پس کلام تو را فراموش نمی کنم.

^{۱۷} به بنده خود احسان کن تا زنده بمانم و کلام تو را حفظ نمایم. ^{۱۸} چشمانم را باز کن تا حقایق شگفت انگیز احکام تو را بینم. ^{۱۹} من در این دنیا بیگانه هستم، پس اوامر خود را از من مخفی مدار. ^{۲۰} همه وقت جان من از اشتیاق به داوری های تو بی تاب می شود. ^{۲۱} مردمان متکبر و ملعون را که از اوامر تو گمراه می شوند، سرزنش می کنی. ^{۲۲} ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده ام. ^{۲۳} حاکمان نیز نشسته و بر ضد من سخن می گویند، لیکن بنده تو در فرایض تو تفکر خواهد کرد. ^{۲۴} شهادت تو مایه خوشی من، و همیشه راهنمای من بوده اند.

^{۲۵} جان من به خاک نزدیک شده است؛ مرا موافق کلام خود زنده ساز. ^{۲۶} راههای زندگی خود را به حضور تو بیان کردم و تو مرا اجابت نمودی، پس احکام خود را به من بیاموز. ^{۲۷} طریق وصایای خود را به من بفهمان، تا در کارهای شگفت انگیز تفکر نمایم. ^{۲۸} دل من از غم و اندوه آب شده است، مرا موافق کلام خود استوار

گردان. ^{۲۹} راه دروغ را از من دور کن و احکام خود را به من لطف فرما. ^{۳۰} راه راستی را اختیار کرده و داوری های تو را پیش خود می گذارم. ^{۳۱} شهادت تو در دلم جا دارد، پس ای خداوند مرا شرمنده نساز. ^{۳۲} در طریق اوامر تو می دوم با اشتیاق پیش می روم، زیرا که دل مرا از بند رها ساختی.

^{۳۳} ای خداوند طریق احکام خود را به من بیاموز و من آن ها را تا به آخر نگاه می دارم. ^{۳۴} مرا فهم بده و من از شریعت تو اطاعت کرده و با تمام دل آنرا بجا می آورم. ^{۳۵} مرا در طریق اوامر خود رهنمود گردان، زیرا که راه تو برایم دلپذیر است. ^{۳۶} دل مرا به شهادت خود مایل گردان، نه به سوی طمع. ^{۳۷} چشمانم را از دیدن چیزهای باطل برگردان و در طریق خود مرا احیاء کن. ^{۳۸} طبق وعده ای که به بنده خویش داده ای، عمل کن. همان وعده ای که به ترسندگان خود داده ای. ^{۳۹} رسوایی را که از آن می ترسم از من دور کن زیرا داوری های تو نیکوست. ^{۴۰} چقدر زیاد مشتاق وصایای تو هستم! بر حسب عدالت خود مرا احیاء کن.

^{۴۱} ای خداوند، رحمت تو به من برسد و نجات تو بر حسب کلام تو. ^{۴۲} تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم، زیرا به کلام تو توکل دارم. ^{۴۳} کلام راستی را هیچگاه از دهانم مگیر، زیرا که به داوری های تو امیدوارم ^{۴۴} و احکام تو را پیوسته نگاه می دارم تا ابدالآباد. ^{۴۵} در آزادی راه می روم زیرا که وصایای ترا طلبیده ام. ^{۴۶} از شهادت تو نزد

پادشاهان سخن می‌گویم و خجل نخواهم شد،^{۴۷} زیرا احکام تو را دوست دارم و اطاعت از آن‌ها برایم لذت بخش است.^{۴۸} دستهای خود را به سوی اوامر تو بلند می‌کنم، زیرا که آن‌ها را دوست می‌دارم و در فرایض تو تفکر می‌کنم.

^{۴۹} کلام خود را با بنده خویش بیاد آور، زیرا مرا بوسیله آن امید داده‌ای.^{۵۰} این در وقت سختی و مصیبت تسلی من است، زیرا کلام تو مرا زنده نگاه می‌دارد.^{۵۱} متکبران مرا بسیار مسخره می‌کنند، لیکن من از احکام تو رو بر نمی‌گردانم.^{۵۲} ای خداوند، داوری‌های تو را از قدیم بیاد می‌آورم و خویشتن را تسلی می‌دهم.^{۵۳} وقتی می‌بینم که اشخاص شریر احکام تو را بجا نمی‌آورند، از خشم به جوش می‌آیم.^{۵۴} فرایض تو، در دوران غربت من در این دنیا، سرود من هستند.^{۵۵} ای خداوند، نام تو را در شب بیاد می‌آورم و احکام تو را نگاه می‌دارم.^{۵۶} این است آنچه برایم تعیین شده است، زیرا که وصایای تو را نگاه می‌دارم.

^{۵۷} خداوند بهره من است، پس می‌گویم که کلام تو را نگاه می‌دارم.^{۵۸} از صمیم قلب خواستار رضای تو می‌باشم. بر حسب کلام خود بر من رحم فرما.^{۵۹} در راههای خود تفکر می‌کنم و پاهای خود را به شهادت تو مایل می‌سازم.^{۶۰} می‌شتابم تا بدون تأخیر اوامرت را بجا آورم.^{۶۱} اگر ریسمانهای شیرین هم مرا احاطه کنند، احکام تو را فراموش نخواهم کرد.^{۶۲} در نصف شب بیدار می‌شوم و تو را

به خاطر داوری‌های عادلانه تو ستایش می‌کنم.^{۶۳} من دوست همه ترسندگان تو هستم که وصایای تو را نگاه می‌دارند.^{۶۴} ای خداوند، زمین از رحمت تو پُر است؛ احکام خود را به من بیاموز!

^{۶۵} با بنده خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش.^{۶۶} فهم و معرفت را به من بیاموز، زیرا که به اوامر تو اعتماد دارم.^{۶۷} قبل از اینکه مصیبت را ببینم، گمراه شده بودم، لیکن حالا کلام تو را بجا می‌آورم.^{۶۸} تو نیکو هستی و نیکویی می‌کنی. فرایض خود را به من بیاموز.^{۶۹} متکبران درباره من دروغ گفتند، اما من به تمامی دل‌وصایای تو را نگاه می‌دارم.^{۷۰} دل‌ایشان از شدت چربی سخت شده است، ولی من از احکام تو لذت می‌برم.^{۷۱} مرا نیکوست که مصیبت را دیدم، تا فرایض تو را بیاموزم.^{۷۲} احکام دهان تو برای من بهتر است از هزاران طلا و نقره.^{۷۳} دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهیم گردان تا اوامر تو را بیاموزم.^{۷۴} ترسندگان تو از دیدن من خوشحال می‌شوند، زیرا به کلام تو امیدوار هستم.^{۷۵} ای خداوند، می‌دانم که داوری‌های تو عادلانه است و در وفاداری خود مرا تنبیه نموده‌ای.^{۷۶} پس رحمت تو برای من تسلی‌شود، موافق کلام تو با بنده خویش.^{۷۷} مرا از رحمت‌های خود برخوردار کن تا زنده بمانم و از احکام تو لذت ببرم.^{۷۸} متکبران خجل شوند، زیرا که با دروغهای خود مرا اذیت کردند و اما من در وصایای تو تفکر می‌کنم.^{۷۹} ترسندگان تو پیش من برگردند و آنانی که شهادت

هر کمالی انتهایی دیدم، لیکن حکم تو بی نهایت وسیع است.

۹۷ احکام تو را چقدر دوست می دارم؛ تمامی روز تفکر من است. ۹۸ اوامر تو مرا حکیمتر از دشمنانم می سازد، زیرا که همیشه نزد من می باشد. ۹۹ فهیم تر از همهٔ معلمانم شدم، زیرا که شهادت تو تفکر من است. ۱۰۰ عاقلتر از بزرگان قوم شدم، زیرا که وصایای تو را نگاه می دارم. ۱۰۱ پاهای خود را از هر راه بد دور نگاه میدارم، تا اینکه کلام تو را بجا آورم. ۱۰۲ از داوری های تو رو بر نمی گردانم، چونکه تو آن ها را به من آموختی. ۱۰۳ کلام تو برای من گوارا و شیرینتر از عسل است. ۱۰۴ وصایای تو به من دانایی می آموزد. بنابراین از هر راه دروغ نفرت دارم.

۱۰۵ کلام تو برای پاهای من چراغ و برای راههای من نور است. ۱۰۶ قول داده ام و به آن وفا می کنم که از اوامر تو پیروی نموده و داوری های عدالت تو را نگاه دارم. ۱۰۷ بسیار رنج دیده ام. ای خداوند، موافق کلام خود مرا زنده ساز! ۱۰۸ ای خداوند، عرض شکران و دعای مرا بپذیر و داوری های خود را به من بیاموز. ۱۰۹ جان من همیشه در خطر است، اما احکام تو را از یاد نمی برم. ۱۱۰ شیرین برای من دام گسترده اند، اما از وصایای تو گمراه نمی شوم. ۱۱۱ شهادت تو برای من میراث ابدی و مایهٔ خوشی دل من است. ۱۱۲ دل خود را برای بجا آوردن فرایض تو مایل ساختم، تا به ابد و تا آخر.

۱۱۳ از مردمان دور و بیزارم، لیکن احکام تو را دوست دارم. ۱۱۴ تو پناهگاه و سپر

تو را می دانند. ۸۰ دل من در فرایض تو کامل شود، تا شرمنده نشوم.

۸۱ جان من در انتظار اینکه مرا نجات دهی از حال رفته است، لیکن به کلام تو امیدوار هستم. ۸۲ چشمانم برای کلام تو تارگردیده است و می پرسم که چه وقت مرا تسلی خواهی داد. ۸۳ مانند مشکِ دود زده خشک شده ام، اما احکام تو را فراموش نکرده ام. ۸۴ تا به کی بنده ات صبر کند؟ چه وقت جفاکنندگانم را داوری خواهی نمود؟ ۸۵ متکبران برای من چاهها کنند، زیرا که از شریعت تو نافرمانی می کنند. ۸۶ همهٔ اوامر تو راست است. بر من ناحق جفا کردند، پس مرا امداد فرما. ۸۷ نزدیک بود مرا از روی زمین نابود کنند، اما من وصایای تو را ترک نکردم. ۸۸ بر حسب رحمت خود مرا زنده ساز تا شهادت دهان تو را نگاه دارم.

۸۹ ای خداوند کلام تو تا ابدالآباد در آسمان ها پایدار است. ۹۰ وفاداری تو نسل اندر نسل است، زمین را که آفریده ای پابرجا می ماند. ۹۱ برای داوری های تو تا امروز ایستاده اند زیرا که همه در خدمت تو هستند. ۹۲ اگر لذت و خوشی من در احکام تو نمی بود، به یقین که در خواری و ذلت خویش نابود می شدم. ۹۳ وصایای تو را تا ابد فراموش نمی کنم زیرا به آن ها مرا زنده ساخته ای. ۹۴ من از آن تو هستم؛ مرا نجات ده، زیرا که وصایای تو را می طلبم. ۹۵ شیرین برای من انتظار کشیدند تا مرا نابود کنند، ولی من به شهادت تو تفکر می کنم. ۹۶ برای

من هستی و به کلام تو امیدوار هستم. ^{۱۱۵} ای بدکاران از من دور شوید! من اوامر خدای خویش را نگاه می‌دارم. ^{۱۱۶} مرا بر حسب کلام خود تأییدکن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم. ^{۱۱۷} مرا تقویت کن تا رستگار گردم و بر فریض تو دائماً نظر نمایم. ^{۱۱۸} همه کسانى را که از فریض تو دور شده‌اند، از حضور خود می‌رانی و فریب آن‌ها را باطل می‌گردانی. ^{۱۱۹} جمیع شریران را مثل تفالیه دور می‌ریزی، بنابراین شهادت تو را دوست می‌دارم. ^{۱۲۰} از ترس تو به خود می‌لرزم و از داوری‌های وحشت می‌کنم.

^{۱۲۱} راستی و عدالت را بجا آوردم. مرا به دست ظالمان مسپار. ^{۱۲۲} برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند. ^{۱۲۳} چشمانم برای نجات تو تار شده است و برای کلام عدالت تو. ^{۱۲۴} با بنده خویش موافق رحمت خود رفتار کن و احکام خود را به من بیاموز. ^{۱۲۵} من بنده تو هستم، مرا فهیم‌گردان تا شهادت تو را بدانم. ^{۱۲۶} وقت آن است که خداوند عمل کند زیرا که احکام تو را باطل نموده‌اند.

^{۱۲۷} اوامر تو را بیشتر از طلا دوست می‌دارم، زیاده‌تر از زر خالص. ^{۱۲۸} همه وصایای تو را در هر مورد راست می‌دانم، و از همه راههای دروغ نفرت دارم.

^{۱۲۹} شهادت تو شگفت‌انگیز است. بنابراین، من آن‌ها را نگاه می‌دارم. ^{۱۳۰} کشف کلام تو نور می‌بخشد و ساده‌دلان را فهیم می‌گرداند. ^{۱۳۱} با اشتیاق زیاد و با هر نفس خود، خواهان وصایای تو هستم. ^{۱۳۲} بر من نظر کن و کرم

فرما، بر حسب عادت خویش به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند. ^{۱۳۳} قدم‌های مرا در کلام خود پایدار ساز، تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد. ^{۱۳۴} مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا وصایای تو را نگاه دارم. ^{۱۳۵} روی خود را بر بنده خود روشن ساز و احکام خود را به من بیاموز. ^{۱۳۶} اسیل اشک از چشمانم جاری است، زیرا مردم از احکام تو پیروی نمی‌کنند.

^{۱۳۷} ای خداوند، تو عادل هستی و داوری‌های تو راست است. ^{۱۳۸} شهادت خود را در عدالت و امانت قرار داده‌ای. ^{۱۳۹} غیرت من مرا از بین می‌برد، زیرا دشمنانم کلام تو را فراموش کرده‌اند. ^{۱۴۰} کلام تو بی‌نهایت مصفی است و بنده تو آنرا دوست دارد. ^{۱۴۱} من کوچک و حقیر هستم، اما وصایای تو را از یاد نمی‌برم. ^{۱۴۲} عدالت تو عدل است تا ابد و احکام تو راست است. ^{۱۴۳} تنگی و ضیعی مرا فرا گرفته است، اما اوامر تو برای من لذت بخش است. ^{۱۴۴} شهادت تو عادل است تا ابد. مرا خردمند گردان تا زنده شوم.

^{۱۴۵} به تمامی دل خوانده‌ام. ای خداوند مرا جواب ده تا احکام تو را نگاه دارم! ^{۱۴۶} تو را خوانده‌ام، پس مرا نجات ده و شهادت تو را نگاه می‌دارم. ^{۱۴۷} پیش از طلوع آفتاب عذر و زاری می‌کنم و به کلام تو امیدوار می‌باشم. ^{۱۴۸} تمام شب چشمان خود را بیدار نگه داشتم، تا در کلام تو تفکر نمایم. ^{۱۴۹} بر حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای خداوند موافق داوری‌های خود مرا زنده ساز. ^{۱۵۰} آنانی که

و اوامر تو را بجا می آورم. ^{۱۶۷} جان من شهادت تو را نگاه داشته است و آن ها را بی نهایت دوست می دارم. ^{۱۶۸} وصایا و شهادت تو را نگاه داشته ام، زیرا که تمام طریق های من در مد نظر تو است.

^{۱۶۹} ای خداوند، فریاد من به حضور تو برسد. بر حسب کلام خود مرا فهمم گردان. ^{۱۷۰} مناجات من به حضور تو برسد. بر حسب کلام خود مرا خلاصی ده. ^{۱۷۱} لبهای من پیوسته تو را ستایش کند، زیرا فریض خود را به من آموخته ای. ^{۱۷۲} زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام اوامر تو عدل است. ^{۱۷۳} دست تو برای اعانت من برسد، زیرا که وصایای تو را برگزیده ام. ^{۱۷۴} ای خداوند برای نجات تو مشتاق بوده ام و شریعت تو مایه خوشی من است. ^{۱۷۵} جان من زنده شود تا تو را ستایش کنم و داوری های تو کمک کننده من باشد. ^{۱۷۶} مثل گوسفند گمشده سرگردانم، بنده خود را دریاب، زیرا که اوامر تو را فراموش نمی کنم.

دعای رستگاری

در هنگام سختی به حضور خداوند فریاد کردم و او **۱۲۰** دعایم را اجابت فرمود. ^۱ ای خداوند، جان مرا از دست دروغگویان و حيله گران نجات ده. ^۲ ای حيله گران، چه چیز به شما داده شود و چه در انتظار شماست؟ ^۳ تیرهای تیز جنگجویان با قوغهای آتشین.

^۴ وای بر من که در بین «مَشِک» (دروغجویان) مأوا گزیده ام و در

در پی شرارت می روند و دور از احکام تو هستند، به من نزدیک می شوند. ^{۱۵۱} اما تو ای خداوند نزدیک هستی و جمیع اوامر تو راست است. ^{۱۵۲} مدت ها پیش، از شهادت تو دانسته ام که آن ها را تا به ابد برقرار نموده ای.

^{۱۵۳} بر ذلت و خواری من نظر کن و مرا خلاصی ده، زیرا احکام تو را فراموش نمی کنم. ^{۱۵۴} در دعوی من دادرسی فرما و مرا رهایی ده و بر حسب کلام خویش مرا زنده ساز. ^{۱۵۵} نجات از شیران دور است، زیرا که فریض تو را نمی طلبند. ^{۱۵۶} ای خداوند، رحمت های تو بسیار است. بر حسب داوری های خود مرا زنده ساز. ^{۱۵۷} جفاکنندگان و دشمنان من بسیار اند، اما از شهادت تو رو بر نمی گردانم. ^{۱۵۸} خیانتکاران را دیدم و از آن ها متفر شدم، زیرا کلام تو را نگاه نمی دارند. ^{۱۵۹} ببین که وصایای تو را دوست می دارم. ای خداوند، بر حسب رحمت خود مرا زنده ساز! ^{۱۶۰} تمام کلام تو بر حق و همه داوری های تو عادلانه و تا به ابد است.

^{۱۶۱} مردمان قدرتمند بی جهت بر من جفا کردند، اما دل من از کلام تو ترسان است. ^{۱۶۲} من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی که گنجی را یافته باشد. ^{۱۶۳} دروغ را زشت دانسته و از آن متنفرم، ولی احکام تو را دوست می دارم. ^{۱۶۴} روزانه هفت بار تو را ستایش می کنم، برای داوری های عادلانه تو. ^{۱۶۵} کسانی که احکام تو را دوست دارند، سلامتی بزرگی دارند و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد. ^{۱۶۶} ای خداوند، منتظر نجات از جانب تو هستم

قبایل خداوند تا مطابق امر به اسرائیل، نام خداوند را ستایش کنند.^۵ زیرا که در آنجا تخت داوری برپا شده است، یعنی تخت خاندان داود.

^۶ برای سلامتی اورشلیم دعا کنید. خجسته باد آنانی که تو را دوست دارند. ^۷ سلامتی در دربارهای تو باشد و آسایش در قصرهای تو. ^۸ بخاطر برادران و دوستانم، می‌گویم که سلامتی بر تو باد. ^۹ بخاطر خانهٔ خداوند، خدای ما، سعادت تو را خواهانم.

درخواست رحمت

۱۲۳ چشمان خود را بسوی تو که بر تخت خود در آسمان‌ها نشسته‌ای، بر می‌افرازم! ^۲ اینک مثل چشمان غلامان بسوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی بسوی خانم خانهٔ خویش، همچنان چشمان ما بسوی خداوند، خدای ماست تا بر ما رحم فرماید. ^۳ ای خداوند، بر ما رحم فرما، بر ما رحم کن زیرا که بسیار خوار و ذلیل شده ایم. ^۴ از توهین کسانی که خود در راحتی و آسایش هستند و از تحقیر کردن مغروران جان ما به لب رسیده است.

خداوند مددگار ماست

(سرودی از داود)

۱۲۴ اگر خداوند با ما نمی‌بود، حال اسرائیل بگوید: ^۲ «اگر خداوند با ما نمی‌بود، وقتی که دشمنان با ما مقاومت نمودند، ^۳ آن‌ها همهٔ ما را زنده می‌بلعیدند، چون خشم

خیمه‌های «قیدار» (حیله‌گران) ساکن شده‌ام. ^۶ چه طولانی شد سکونت جان من با مردمی که دشمن صلح و سلامتی می‌باشند. ^۷ من خواهان صلح و سلامتی هستم، لیکن چون سخن می‌گویم، ایشان آمادهٔ جنگ می‌باشند.

خداوند حافظ ما است

۱۲۱ چشمان خود را بسوی کوهها دوخته‌ام، کمک من از کجا می‌آید؟ ^۲ کمک من از جانب خداوند است که آسمان و زمین را آفرید. ^۳ او نمی‌گذارد که پای تو بلغزد. او که حافظ تو است، نخواهد خوابید. ^۴ او که حافظ و نگهدار اسرائیل است، نمی‌خوابد و به خواب نمی‌رود.

^۵ خداوند حافظ تو است. خداوند به دست راست سایهٔ تو است. ^۶ آفتاب در روز به تو آسیبی نمی‌رساند و نه مهتاب در شب. ^۷ خداوند تو را از هر بدی نگاه می‌دارد. او جان تو را حفظ می‌کند. ^۸ خداوند خروج و دخولت را نگاه می‌دارد، از حال تا به ابد.

وصف اورشلیم

(سرودی از داود)

۱۲۲ هنگامیکه به من می‌گفتند: «بیا که به خانهٔ خداوند برویم.» بسیار خوشحال می‌شدم. ^۲ حالا در اینجا در بین دروازه‌های تو ای اورشلیم، ایستاده‌ایم! ^۳ ای اورشلیم تو مثل شهری که تماماً با هم پیوسته باشد بنا شده‌ای. ^۴ قبایل در آنجا می‌آیند یعنی

دیگر دربارهٔ ما می‌گفتند: «خداوند برای شان کارهای عظیمی انجام داده است.»^۳ خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است که از آن‌ها شادمان هستیم.

^۴ای خداوند آنچه را از دست داده ایم به ما بازگردان، همانطوری که آب را به دریای خشک شدهٔ بیابان بر می‌گردانی.^۵ آنانی که با اشکها می‌کارند، با خوشی و مسرت درو می‌کنند.^۶ آنکه با گریه بیرون می‌رود و دانه برای کشت می‌برد، یقیناً با ترنم بر می‌گردد و خوشه‌های خود را می‌آورد.

اعتماد بر خدا

(سرودی از سلیمان)

۱۲۷ اگر خداوند خانه را آباد نکند، زحمت معماران بیهوده است. اگر خداوند شهر را محافظت نکند، مراقبت پاسبانان بی‌فایده است.^۲ بی‌فایده است که شما صبح زود بر می‌خیزید و شب دیر می‌خوابید و نان مشقت را می‌خورید. زیرا هنگامیکه عزیزان خداوند در خواب اند، او برای ایشان تدارک می‌بیند.

^۳فرزندان هدایای هستند از جانب خداوند. ثمرهٔ رَجْم، برکت اوست.^۴ پسرانی که برای مرد جوان متولد می‌شوند، مثل تیرهای در دست مرد زورآور هستند.^۵ خوشا به حال کسی که از آن تیرها زیاد داشته باشد. آن شخص هنگام مقابله با دشمن مغلوب و شرمنده نمی‌شود.

ایشان بر ما افروخته بود.^۴ آنگاه آبه‌ها ما را غرق می‌کرد و گردآبه‌ها جان ما را می‌پوشاند.^۵ آنگاه آب‌های خروشان از جان ما می‌گذشت.»

^۶مبارک باد خداوند که نگذاشت ما شکار دندانه‌های آن‌ها شویم.^۷ جان ما مثل پرنده از دام صیاد آزاد گردید. دام شکست و ما نجات یافتیم.^۸ کمک ما به نام خداوند است که آسمان و زمین را آفرید.

امنیت قوم برگزیدهٔ خدا

۱۲۵ آنانی که به خداوند توکل دارند، مثل کوه سهیون هستند که هیچگاهی نمی‌لرزد و پایدار است تا به ابد.^۲ کوهها گرداگرد اورشلیم است؛ و خداوند گرداگرد قوم برگزیدهٔ خود از حال تا به ابد. ^۳زیرا که زمین عادلان همیشه تحت قدرت شیریان نخواهد ماند، مبادا عادلان دست خود را به گناه آلوده کنند.^۴ ای خداوند به صالحان و به آنانی که راست دل می‌باشند، احسان فرما.^۵ اما آنانی که به راههای کج خود مایل می‌باشند، خداوند ایشان را با بدکاران یکجا جزا می‌دهد. صلح و سلامتی بر اسرائیل باد.

دعا برای رهایی

۱۲۶ هنگامیکه خداوند اسیران سهیون را باز آورد، فکر کردیم که خواب می‌بینیم.^۲ آنگاه دهان ما از خنده پُر شد و زبان ما از ترنم. اقوام

«خداوند به تو برکت بدهد و ما هم بنام
خداوند به تو برکت می دهیم!»

درخواست آموزش

۱۳۰ ای خداوند از عمق ها
نزد تو فریاد بر می آورم.
۲ ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوشه‌های
تو به آواز عذر و زاری من متوجه شود.
۳ ای خداوند، اگر گناهان را به نظر آوری،
کیست که به حضور تو ای خداوند تواند
ایستاد؟^۴ لیکن آموزش نزد توست تا از تو
بترسند.

۵ منتظر خداوند هستم. جان من منتظر
است و به کلام او امیدوارم. ^۶ جان من
منتظر خداوند است، زیاده از منتظران
صبح، بلی زیاده از منتظران صبح.
۷ اسرائیل برای خداوند امیدوار باشد زیرا
که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست
نجات فراوان. ^۸ او اسرائیل را از تمام
گناهان وی رهایی می دهد.

دعای شخص فروتن

(مزموری از داود)

۱۳۱ ای خداوند، دل من متکبر
نیست و نه چشمانم
برافراشته و خویشان را به کارهای بزرگ
مشغول نمی سازم و نه به کارهای که از
عقل من دور است. ^۲ بلکه جان خود را
آرام و خاموش ساختم، مثل کودکی که
پس از شیر خوردن در آغوش مادر خود
آرمیده است، آسوده و آرام هستم. ^۳ ای
اسرائیل، بر خداوند امیدوار باش، از حال
تا به ابد.

پادشاه اطاعت از خداوند

۱۲۸ خوشا به حال کسی که از
خداوند می ترسد و رهرو
طریق های او می باشد. ^۲ حاصل دسترنج
تو احتیاجات ترا فراهم می نماید
و تو سعادتمند و کامران می باشی.
۳ همسرت مثل تاک پُرثمر در خانه ات
بوده و فرزندانمان مانند نهال های زیتون
بدور سفره ات می باشند. ^۴ کسی که
از خداوند می ترسد، اینچنین مبارک
می باشد. ^۵ خداوند ترا از سهیون برکت
دهد. باشد که در تمام ایام عمرت
سعادت اورشلیم را ببینی. ^۶ بلی، پسران
پسرانت را خواهی دید. صلح و سلامتی بر
اسرائیل باد!

رهای از دشمنان

۱۲۹ چه بسیار از طفولیتم مرا
اذیت رسانیدند. حال
اسرائیل بگوید: ^۲ «چه بسیار از طفولیتم
مرا اذیت رسانیدند. لیکن بر من غالب
نیامدند. ^۳ قلبه کنندگان بر پشت من قلبه
کردند و زخم های عمیق به آن گذاشتند.
۴ اما خداوند عادل است و مرا از بندهای
شیران رهایی داد.»

۵ کسانی که از سهیون نفرت دارند
رسوا و مغلوب شوند. ^۶ مثل گیاهی
باشند که روی بامها می روید؛ که پیش
از آنکه آنرا بچینند، خشک می گردد.
۷ هیچ درونده ای دست خود را از آن پُر
نمی تواند کرد و نه خوشه چین آغوش
خود را. ^۸ هیچ کسی به او نگوید:

خوشی سرود می خوانند. ^{۱۷} در آنجا شاخ افتخار داود را می رویانم و چراغی برای مسح شده خود آماده می کنم. ^{۱۸} دشمنان او را به خجالت ملبس می سازم و تاج داود بر سر او درخشان باقی می ماند.»

اتحاد برادرانه

(سرودی از داود)

۱۳۳ اینک چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدلی باهم ساکن می شوند. ^۲ مثل روغن نیکو بر سر است که به ریش فرود می آید، یعنی به ریش هارون که به دامن ردایش می ریزد. ^۳ اتفاق و یکدلی مانند شبنم جرمون است که بر کوههای سهیون فرود می آید. زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است یعنی حیات را تا به ابد.

دعوت به پرستش خداوند

۱۳۴ بیایید خداوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خداوند که شبانگاه در خانه خداوند می ایستید! ^۲ دستهای خود را به قدس برافرازید، و خداوند را متبارک خوانید. ^۳ خداوند که خالق آسمان و زمین است، ترا از سهیون برکت می دهد.

سرود ستایش

۱۳۵ هَلَلویاه، سپاس به خداوند، نام خداوند را ستایش کنید! ای بندگان خداوند، او را ستایش کنید، ^۲ ای شما که در خانه خداوند و در صحن های

در ستایش خانه خدا

۱۳۲ ای خداوند، سختی ها و خواری های را که داود متحمل شد بیاد آور. ^۲ چگونگی برای خداوند قسم خورد و به خدای یعقوب وعده نمود ^۳ که به خانه خود داخل نمی شوم و در بستر خود آرام نمی گیرم، ^۴ خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی را به مژگان خویش، ^۵ تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای خدای یعقوب. ^۶ اینک ذکر آنرا در افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یعاریم یافتیم. ^۷ به مسکن های او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش کنیم. ^۸ ای خداوند به عبادتگاه خود بیا، تو و صندوق پیمان، که مظهر قدرت توست. ^۹ کاهنان به عدالت ملبس شوند و مقدسانت خوشی نمایند.

^{۱۰} به خاطر بنده خود داود، روی خود را از مسح شده خود برمگردان. ^{۱۱} خداوند برای داود به راستی وعده کرد و از آن بر نخواهد گشت که «از نسل تو بر تخت تو خواهم گذاشت ^{۱۲} و اگر پسران تو عهد مرا و شهاداتی را که به ایشان می آموزم نگاه دارند، آنگاه پسران ایشان نیز بر تخت تو برای همیشه خواهند نشست.»

^{۱۳} خداوند سهیون را برگزیده و آنرا برای سکونت خویش شایسته دانست. او فرمود: ^{۱۴} «اینست عبادتگاه من تا ابدالآباد. اینجا ساکن می باشم و اینچنین اراده نموده ام. ^{۱۵} آذوقه آن را برکت می دهم و فقیرانش را به نان سیر می کنم، ^{۱۶} و کاهنانش را به نجات ملبس می سازم و مقدسانش با

و همچنان اشخاصی که به آن ها توکل می کنند، مثل بت های شان بی شعور هستند. ^{۱۹} ای خاندان اسرائیل، خداوند را متبارک خوانید. ای خاندان هارون، خداوند را ستایش کنید. ^{۲۰} ای خاندان لاوی، خداوند را متبارک خوانید. ای ترسندگان خداوند، خداوند را ستایش کنید. ^{۲۱} خداوند از سهیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است. هَلَلویاه، سپاس به خداوند.

سرود شکرگزاری

خداوند را سپاس گوئید،
 زیرا که نیکوست و

رحمت او تا به ابد است.

^۲ خدای خدایان را سپاس گوئید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۳ خداوند خداوندان را سپاس گوئید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۴ او را که تنها معجزات عظیم می کند،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۵ او را که آسمان ها را به حکمت آفرید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۶ او را که زمین را بر آبها گسترانید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۷ او را که اجسام نورانی بزرگ آفرید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۸ آفتاب را برای سلطنت روز،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۹ مهتاب و ستارگان را برای سلطنت

شب،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

خانه خدای ما می ایستید. ^۳ خداوند را شکر کنید، زیرا او نیکوست! نام او را ستایش کنید، زیرا که دلپسند است. ^۴ زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید و اسرائیل را به جهت ملک خاص خویش. ^۵ می دانم که خداوند بزرگ است و خداوند ما برتر از همه خدایان است. ^۶ هر آنچه خداوند خواست آنرا کرد، در آسمان و زمین و در بحر و در همه عمق ها. ^۷ ابرها را از دورترین نقاط روی زمین جمع می کند، رعد و برق را برای باران می سازد و باد و طوفان را از مخزنهای خویش بیرون می آورد.

^۸ نخست زادگان مصر را کشت، هم از

انسان و هم از حیوانات. ^۹ در وسط توای

مصر، معجزات و کارهای شگفت انگیز

را بر ضد فرعون و جمیع بندگان وی

فرستاد. ^{۱۰} اقوام بسیار را زد و پادشاهان

مقتدر را نابود کرد ^{۱۱} که در آن جمله

سیحون پادشاه اموریان، عوج پادشاه

باشان و همه پادشاهان ممالک کنعان

شامل بودند. ^{۱۲} بعد کشورهای شان را به

قوم برگزیده خود، یعنی اسرائیل بخشید.

^{۱۳} ای خداوند، نام تو تا به ابد باقی است

و یاد تو نسل اندر نسل. ^{۱۴} زیرا خداوند

قوم برگزیده خود را داوری نموده و بر

بندگان خویش شفقت خواهد فرمود.

^{۱۵} بت های اقوام دیگر از طلا و نقره

می باشند و ساخته دست بشر هستند.

^{۱۶} دهان دارند، اما سخن نمی گویند. چشم

دارند، ولی نمی بینند. ^{۱۷} گوش دارند، اما

نمی شنوند و در دهان شان هیچ نفس

نیست. ^{۱۸} کسانی که این بتها را می سازند

۲۴ و ما را از دشمنان ما رهایی داد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۲۵ که همهٔ بشر را روزی می دهد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۲۶ خدای آسمان ها را سپاس گوئید،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.

سوگنامهٔ تبعید شدگان

۱۳۷ در کنار نهرهای بابل
 نشستیم و در آنجا گریه
 کردیم، چون سهیون را به یاد آوردیم.
 ۲ چنگ و رباب خود را بر شاخه های
 درختان بید آویختیم. ۳ زیرا کسانی که
 ما را به اسارت برده بودند، در آنجا از
 ما سرود خواستند و آنانی که ما را تاراج
 کرده بودند، شادمانی خواستند. زیرا
 می گفتند: «یکی از سرودهای سهیون
 را برای ما بخوانید.» ۴ چگونه سرود
 خداوند را در زمین بیگانه بخوانیم؟
 ۵ اگر ترا ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه
 دست راست من از کار بیفتد. ۶ اگر ترا
 ای اورشلیم به یاد نیاورم و اگر تو را بر
 تمام خوشی ها ترجیح ندهم، آنگاه زبانم
 به کامم بچسپد.
 ۷ ای خداوند، گفتار ادومیان را در
 روز مصیبت اورشلیم بیاد آور که گفتند:
 «منهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید!»
 ۸ ای بابل که تو ویران خواهی شد، خوشا
 به حال کسی که به تو جزا دهد چنانکه تو
 به ما جزا دادی! ۹ خوشا به حال کسی که
 اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره ها
 بزند.

۱۰ که مصر را زد و نخست زادگان او را
 کشت،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۱ او اسرائیل را از مصر بیرون آورد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۲ با دست قوی و بازوی دراز،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۳ او را که بحیرهٔ احمر را دو قسمت کرد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۴ و اسرائیل را از میان آن گذرانید،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۵ اما فرعون و لشکر او را در بحیرهٔ
 احمر غرق کرد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۶ او را که قوم برگزیدهٔ خود را در بیابان
 راهنمایی نمود،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۷ او را که پادشاهان بزرگ را زد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۸ و پادشاهان نامور را کشت،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۱۹ سیحون پادشاه اموریان را،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۲۰ عوج پادشاه باشان را،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۲۱ و زمین شان را به ارثیت داد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۲۲ یعنی به ارثیت بندهٔ خویش اسرائیل،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.
 ۲۳ ما را در خواری و ذلت ما به یاد
 آورد،
 زیرا که رحمت او تا به ابد است.

فکرهای مرا از دور فهمیده ای. ^۳ راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده ای و همهٔ طریق های مرا می دانی. ^۴ زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جزء اینکه تو ای خداوند آنرا تماماً دانسته ای. ^۵ از هر طرف مرا احاطه کرده ای و با قدرت خود حفظ می کنی. ^۶ اینگونه معرفت برایم بسیار عجیب است و بلندتر از توان درک من.

^۷ از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟ ^۸ اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در دنیای مُردگان بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی! ^۹ اگر بسوی طلوع آفتاب پرواز کنم و یا اگر در غرب ترین نقطهٔ بحر ساکن شوم، ^{۱۰} در آنجا نیز دست تو مرا رهبری نموده و دست راست تو مرا خواهد گرفت. ^{۱۱} اگر بگویم: «تاریکی مرا ببوشاند و روشنایی گرداگرد من شب شود.» ^{۱۲} بازهم تاریکی نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن و تاریکی مانند روشنایی است. ^{۱۳} زیرا که تو آفریدگار دل و وجود من هستی؛ مرا در رَحْم مادرم نقش بستی. ^{۱۴} تو را می ستایم زیرا که بطور مهیب و عجیب ساخته شده ام. کارهای تو شگفت انگیز است و جان من این را خوب می داند. ^{۱۵} استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهران ساخته می شدم و در آغوش زمین نقشبندی می گشتم. ^{۱۶} چشمان تو چنین مرا دیده است و پیش از آنکه روزهای زندگی من آغاز شود، تو همهٔ آن ها را در کتاب خود ثبت کرده بودی.

دعای شکرگزاری

(مزموری از داود)

۱۳۸

تو را به تمامی دل خود ستایش می کنم. به حضور خدایان تو را ستایش می کنم. ^۲ به سوی خانهٔ مقدس تو عبادت کرده و نام تو را ستایش می کنم، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام و اسم خود را برتر از همه چیز جلال داده ای. ^۳ هنگامیکه به حضور تو دعا کردم، مرا اجابت فرمودی و مرا با بخشیدن قوّت در جانم شجاع ساختی.

^۴ ای خداوند، همهٔ پادشاهان جهان تو را ستایش خواهند کرد، چون کلام دهان تو را بشنوند. ^۵ و طریق های خداوند را خواهند سرائید، زیرا که جلال خداوند عظیم است. ^۶ خداوند متعال است، لیکن بر فروتنان نظر می کند و اما اشخاص متکبر را از دور می شناسد. ^۷ اگر چه در میان سختی و مشکلات راه روم، مرا زنده نگاه خواهی داشت. دست خود را بر خشم دشمنانم دراز می کنی و دست راست مرا نجات خواهد داد. ^۸ خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند، رحمت تو تا به ابد است. کارهای دست خویش را ترک منما.

خداوند، تو مرا می شناسی

(مزموری از داود)

۱۳۹

ای خداوند، تو مرا آزموده ای و می شناسی. ^۲ تو نشستن و برخاستن مرا می دانی و

دام گسترده و برای گرفتاری من طناب‌ها گذاشته‌اند.

۶ به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی. ای خداوند، آواز عذر و زاری مرا بشنو!»^۷ ای خداوند متعال که قوت نجات من هستی، تو سر مرا در روز جنگ می‌پوشانی.^۸ ای خداوند، مگذار که مردم شریر به مراد خود برسند و نقشه‌های پلید خود را عملی کنند، مبادا سرافراشته شوند.^۹ بگذار که سر دشمنانم با شرارت لبهای خودشان پوشانیده شود.^{۱۰} بگذار که قوغهای آتش بر سر ایشان بریزد و در آتش انداخته شوند و در جای عمیقی بیفتند که دیگر از آن نتوانند برخیزند.^{۱۱} مردم بدگو در زمین پایدار نخواهد ماند. مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را هلاک کند.

۱۲ می‌دانم که خداوند فقیران را دادرسی می‌کند و مسکینان را داوری می‌نماید.^{۱۳} عادلان نام تو را سپاس می‌گویند و راستکاران به حضور تو ساکن می‌شوند.

دعای شامگاهان

(مزموری از داود)

۱۴۱ ای خداوند، به حضور تو دعا می‌کنم، نزد من بشتاب. هنگامیکه تو را بخوانم آواز مرا بشنو!^۲ دعای من به حضور تو مثل دود خوشبوی بخور آراسته شود و برافراشتن دستهایم، مثل قربانی شامگاهی.

۳ ای خداوند، بر دهان من نگاهیانی فرما، تا سخن بد از لبهایم خارج نگردد.^۴ مگذار دلم به اعمال بد مایل گردد، تا

۱۷ ای خدا، فکرهای تو نزد من چقدر گرامی است و همگی آن‌ها چه عظیم است!^{۱۸} اگر آن‌ها را بشمارم، از ریگ زیاده است. وقتی که بیدار می‌شوم هنوز نزد تو حاضر هستم.

۱۹ یقیناً ای خدا شیریان را خواهی کشت، پس ای مردمان خون‌ریز از من دور شوید.^{۲۰} آن‌ها درباره تو حرفهای پلید می‌زنند و دشمنانت نام تو را بیهوده بر زبان می‌آورند.^{۲۱} ای خداوند آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که تو را نفرت می‌دارند، و آیا مخالفان تو را ناپسند نمی‌شمارم؟^{۲۲} ایشان را به نفرت تام نفرت می‌دارم. ایشان را دشمنان خویشتم می‌شمارم.

۲۳ ای خدا، مرا امتحان کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان،^{۲۴} و ببین که آیا در من راه فساد است! و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما.

دعا برای محافظت

(مزموری از داود)

۱۴۰ ای خداوند، مرا از شیریان رهایی ده و از ظالمان محافظت فرما!^۲ که در دلهای خود در شرارت تفکر می‌کنند و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند.^۳ زبان‌شان چون نیش مار تیز و سخنان آن‌ها مثل زهر کشنده است.^۴ ای خداوند، مرا از دست شیریان نگهدار، از ظالمان مرا محافظت فرما که نقشه می‌کشند تا پاهای مرا بلغزانند.^۵ مردم متکبر برای من تله و ریسمانها پنهان کرده و در سر راهم

من باشد. پناهگاهی ندارم و کسی نیست که در فکر جان من باشد.
 ۵ نزد تو ای خداوند فریاد می‌کنم، زیرا تو یگانه پناهگاه و حصه من در زمین زندگان هستی. ۶ به ناله من توجه کن زیرا که بسیار خوار و ذلیل شده‌ام! مرا از دست جفاکنندگانم برهان، زیرا که از من قویتر هستند. ۷ جان مرا از زندان آزاد کن، تا نام تو را ستایش کنم. عادلان گرداگرد من خواهند آمد، زیرا که به من احسان نموده‌ای.

تضرع به حضور خدا

(مزموری از داود)

ای خداوند، دعای مرا بشنو و به عذر و زاری من گوش بده! در وفاداری و عدالت خویش مرا اجابت فرما! ۲ بنده خود را محاکمه مکن، زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود. ۳ دشمن بر جان من جفا کرده، حیات مرا بر زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن گردانیده، مثل کسانی که سالها پیش مُرده باشند. ۴ پس روح من در من مدهوش شده و دلم در عمق وجودم ترسان و سرگردان گردیده است. ۵ ایام قدیم را بیاد می‌آورم. در همه اعمال تو تفکر نموده و در کارهای دست تو می‌اندیشم. ۶ دستهای خود را بسوی تو دراز می‌کنم. جان من مثل زمین خشک، تشنه تو است.

۷ ای خداوند، به زودی مرا اجابت فرما زیرا روح من ناتوان شده است. روی خود را از من میپوشان، مبادا بمیرم و به دیار

مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم. ۵ شخص عادل مرا تنبیه کند و آن لطف خواهد بود، مرا تأدیب نماید که مثل روغن برای سر خواهد بود و سر من آن را رد نخواهد کرد. اما بر ضد اعمال بدکاران پیوسته دعا خواهم نمود. ۶ وقتی داوران ایشان از سر صخره‌ها انداخته شوند، آنگاه بدکاران سخنان مرا خواهند شنید و به درستی آن پی خواهند برد. ۷ مثل زمینی که قلبه و شیار می‌گردد، استخوانها به هر طرف پراکنده می‌شوند.

۸ زیرا که ای خداوند، خدای متعال، چشمان من بسوی توست و بر تو توکل دارم، پس جان مرا تلف منما! ۹ مرا از دامی که برای من گسترده اند حفظ کن و مرا از طناب‌های گناهکاران نگاه دار. ۱۰ شیریران به دامهای خود بیفتند و من به سلامتی بگذرم.

دعا در هنگام پریشانی

(قصیده‌ای از داود و دعا)

وقتیکه در مغاره بود)

به آواز خود نزد خداوند فریاد بر می‌آورم و با صدای بلند در حضور خداوند عذر و زاری می‌کنم. ۲ ناله خود را در حضور او خواهم ریخت و سختی و مشکلات خود را نزد او بیان خواهم کرد. ۳ وقتیکه روح من در من مدهوش می‌شود، فقط تو طریق مرا می‌دانی. در راهی که می‌روم دام برای من پنهان کرده‌اند. ۴ به طرف راست من بنگر و ببین که کسی نیست که همراه

از آب های بسیار خلاصی دهد، یعنی از دست بیگانگان.^۸ که دهان ایشان سخنان بیهوده می گوید و دست راست ایشان، دست راست دروغ است.

^۹ ای خدا، تو را با سرود نو ستایش می کنم و با نوای رباب برای تو می سرایم. ^{۱۰} تو پادشاهان را نجات می بخشی و بنده ات، داود را از شمشیر کشنده می رهانی. ^{۱۱} مرا از دست بیگانگان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان سخنان بیهوده می گوید و دست راست ایشان، دست راست دروغ است. ^{۱۲} تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده، مثل نهالان باشند و دختران ما چون ستون های تراشیده شده قصر پادشاهان. ^{۱۳} انبارهای ما پُر از هرگونه محصولات شده و گله های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزایند. ^{۱۴} گاوهای ما باربردار شوند و رخنه در دیوار شهر ما نباشد و کسی به اسارت برده نشود و آه و ناله ای در کوچه های ما نباشد.

^{۱۵} خوشا به حال قومی که نصیب ایشان این است و خوشا به حال آن قوم که خداوند، خدای ایشان است.

سرود ستایش

(سرود ستایش از داود)

۱۴۵ ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال می خوانم و نام تو را تا به ابد ستایش می کنم! ^۱ تمامی روز تو را متبارک می خوانم و نام تو را تا به ابد سپاس می گویم. ^۲ خداوند عظیم است و

مردگان بروم. ^۸ صبحگاهان رحمت خود را بر من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. راهی را که در آن باید بروم به من بیاموز، زیرا که نزد تو جان خود را بر می افرازم. ^۹ ای خداوند، مرا از دشمنانم برهان زیرا که به تو پناه برده ام. ^{۱۰} مرا تعلیم ده تا اراده تو را بجا آورم زیرا خدای من تو هستی. روح مهربان تو مرا در زمین هموار هدایت بنماید. ^{۱۱} به خاطر نام خود ای خداوند مرا زنده ساز و به خاطر عدالت خویش جان مرا از سختی نجات ده. ^{۱۲} به خاطر رحمت خود، دشمنانم را نابود کن و همه مخالفان جانم را هلاک کن، زیرا که من خادم تو هستم.

سپاسگزاری پادشاه

(مزموری از داود)

۱۴۴ خداوند که صخره من است، متبارک باد. او دستهای مرا به جنگ و انگشتانم را به پیکار تعلیم داد! ^۲ رحمت من اوست و پناهگاه من و قلعه بلند من و رهاننده من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم. او قوم مرا در زیر اطاعت من می دارد.

^۳ ای خداوند، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟ ^۴ انسان مثل نفسی است و روزهایش مثل سایه ای است که می گذرد. ^۵ ای خداوند، آسمان های خود را خم ساخته، فرود بیا. کوهها را لمس کن تا دود شوند. ^۶ رعد و تیرهای آتشین برق را بفرست و دشمنان را پراکنده و تار و مار گردان. ^۷ دست تو از آسمان مرا رهانیده و

زاری آن‌ها را شنیده، ایشان را نجات می‌دهد. ^{۲۰} خداوند از همهٔ آنهائی که او را دوست دارند حمایت می‌کند، اما شیران را هلاک می‌سازد. ^{۲۱} دهان من خداوند را سپاس می‌گوید و همهٔ مخلوقات نام مقدس او را تا به ابد ستایش کنند.

سعادت توکل به خدا

هَلْلُوْیَاهُ، سپاس به خداوند!
 ۱۴۶ ای جان من خداوند را ستایش کن! ^۲ تا زنده هستم، خداوند را حمد خواهم گفت و تا وقتیکه وجود دارم برای خدای خود خواهم سرائید. ^۳ بر رؤسا توکل نکنید و نه بر آدم فانی که نزد او اعانتی نیست. ^۴ روح او بیرون می‌رود و او به خاک خود بر می‌گردد و در همان روز فکرهايش نابود می‌شود.

^۵ خوشا به حال کسی که خدای یعقوب مددگار اوست، که امید او بر خداوند، خدای وی می‌باشد. ^۶ او آسمان و زمین را آفرید و بحر و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را تا به ابد نگاه می‌دارد. ^۷ او مظلومان را دادرسی می‌کند و گرسنگان را نان می‌بخشد. خداوند اسیران را آزاد می‌سازد. ^۸ خداوند چشمان نابینایان را باز می‌کند و خم شدگان را بر می‌افرازد. خداوند عادلان را دوست می‌دارد. ^۹ خداوند بیگانگان را محافظت می‌کند و از یتیمان و بیوه زنان نگهداری می‌نماید، لیکن طریق شیران را کج می‌سازد. ^{۱۰} خداوند تا به ابد سلطنت می‌کند و خدای تو ای سهیون، نسل اندر نسل.

هَلْلُوْیَاهُ، سپاس به خداوند!

بی‌نهایت سزاوار ستایش و عظمت او را تفتیش نتوان کرد. ^۴ نسل اندر نسل اعمال تو را ستایش نموده و کارهای عظیم تو را بیان می‌کنند. ^۵ در شکوه و عظمت پُر جلال تو و در کارهای شگفت‌انگیز تو تفکر می‌کنم. ^۶ در قوت کارهای مهیب تو سخن می‌گویند و من عظمت تو را بیان می‌کنم. ^۷ یادگاری کثرت احسان تو را اعلام نموده و عدالت تو را با شادمانی می‌سرایند. ^۸ خداوند بخشنده و مهربان است، دیر غضب و بسیار رحیم. ^۹ خداوند برای همگان نیکوست و رحمت هایش بر همهٔ مخلوقات وی است.

^{۱۰} ای خداوند، جمیع مخلوقات تو، تو را حمد گویند و مقدسان تو، تو را ستایش کنند. ^{۱۱} دربارهٔ جلال پادشاهی تو سخن گویند و قدرت تو را بیان کنند. ^{۱۲} تا کارهای عظیم تو را به بنی آدم تعلیم دهند و شکوه و عظمت پادشاهی تو را. ^{۱۳} پادشاهی تو، ملکوتی است بی‌پایان و سلطنت تو باقی تا تمام دورها. ^{۱۴} خداوند جمیع افتادگان را تقویت نموده و خم شدگان را بر می‌خیزاند. ^{۱۵} چشمان همگان منتظر تو می‌باشد و تو روزی ایشان را در موسمش می‌دهی. ^{۱۶} دست خود را باز می‌کنی و در رضامندی خویش همهٔ زندگان را سیر می‌نمائی.

^{۱۷} خداوند عادل است در جمیع طریق‌های خود و رحیم در تمامی اعمال خویش. ^{۱۸} خداوند نزدیک است به کسانی که نزد او دعا می‌کنند، به آنانی که او را در راستی می‌خوانند. ^{۱۹} آرزوی ترسندگان خود را بجا می‌آورد و عذر و

در ستایش خدای قادر مطلق

۱۴۷

هَلَلویاه، سپاس به خداوند،
چه نیکوست که برای خدای
خود سرود بسراییم و چقدر دلپذیر که او را
ستایش کنیم! ^۲ خداوند اورشلیم را بنا
می کند و پراکنده شدگان اسرائیل را جمع
می نماید. ^۳ شکسته دلان را شفا می دهد
و زخم های ایشان را می بندد. ^۴ خداوند
شماره و تعداد ستارگان را می داند و هر
کدام آن ها را به نام می شناسد. ^۵ خداوند
ما بزرگ است و قوت او عظیم و حکمت
وی بی نهایت. ^۶ خداوند مسکینان
را بر می افرازد و شریان را به زمین
می اندازد.

^۷ خداوند را با سرود سپاسگزاری
پیرستید، و با نوای رباب برای خدای ما
نغمه بنوازید. ^۸ او آسمان ها را با ابرها
می پوشاند، باران را برای زمین مهیا
می نماید و گیاه را بر کوهها می رویاند.
^۹ او حیوانات را آذوقه می دهد و زاغچه ها
را وقتی روزی می خواهند، تغذیه می کند.
^{۱۰} در قوت اسپ رغبت ندارد و از نیروی
پای انسان راضی نمی باشد. ^{۱۱} رضامندی
خداوند از ترسندگان وی است و از آنانی
که به رحمت وی امیدوارند.

^{۱۲} ای اورشلیم، خداوند را شکر کن.
ای سهیون، خدای خود را ستایش کن.
^{۱۳} زیرا که پشت بندهای دروازه هایت
را مستحکم کرده و ساکنین ترا برکت
می دهد. ^{۱۴} به سرحدات تو صلح می آورد
و تو را از بهترین گندم سیر می کند.
^{۱۵} فرمان خود را به زمین می فرستد و کلام

او با سرعت پنخش می گردد. ^{۱۶} زمین را
با لحاف برف می پوشاند و باران یخ را
مانند گرد می پاشد. ^{۱۷} ژاله را مثل سنگریزه
می فرستد و کیست که طاقت سرمای آن را
داشته باشد؟ ^{۱۸} کلام خود را می فرستند و
به امر او یخها آب می شوند، باد می وزد
و آب به جریان می آید. ^{۱۹} کلام خود را به
یعقوب بیان کرده و احکام و داوری های
خود را به اسرائیل. ^{۲۰} با هیچ قوم دیگری
چنین نکرده است و داوری های او را
نمی دانند.

هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

دعوت به پرستش

۱۴۸

هَلَلویاه، سپاس به خداوند!
خداوند را از آسمان
ستایش کنید! در جایگاه آسمانی او را
ستایش کنید! ^۲ ای همه فرشتگان او را
ستایش کنید. ای همه لشکرهای او، او
را ستایش کنید. ^۳ ای آفتاب و مهتاب، او
را ستایش کنید. ای همه ستارگان نور، او
را ستایش کنید. ^۴ ای فلک الافلاک، او
را ستایش کنید، و ای آب هایی که فوق
آسمان هائید. ^۵ نام خداوند را ستایش
کنید، زیرا به امر او همه چیز آفریده شد.
^۶ و آن ها را پایدار نمود تا ابدالآباد و
قانونی قرار داد که بیجا نشوند.

^۷ خداوند را از زمین ستایش کنید.
ای نهنگان و تمام اعماق بحر او را
ستایش کنید. ^۸ ای آتش و ژاله، برف
و غبار و باد و طوفان که فرمان او را
بجا می آورید. ^۹ ای کوهها و تپه ها،
درختان میوه دار و سروهای آزاد، ^{۱۰} ای

شادمانی سرود بخوانند. ^۶ ستایش خدا به آواز بلند در دهان شان باشد و شمشیر دو دمه در دست ایشان. ^۷ تا از امت ها انتقام بکشند و تأدیب ها بر طوایف نمایند. ^۸ پادشاهان آن ها را با زنجیر ببندند و پاهای سروران شان را زولانه کنند. ^۹ و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجراء دارند. این بزرگی است برای همهٔ مقدسان او.

هَلِّلُویاه، سپاس به خداوند!

خداوند را ستایش کنید

هَلِّلُویاه، سپاس به خداوند! خدا را در قدس او ستایش کنید. در فلکِ قوتِ او، او را ستایش کنید! ^۱ او را به سبب کارهای عظیم او ستایش کنید. او را بر حسب کثرت عظمتش ستایش کنید. ^۲ او را به آواز شیپور ستایش کنید و با چنگ و رباب او را ستایش کنید. ^۳ او را رقص او را ستایش کنید. با نی و دوتار او را ستایش کنید. ^۴ با چنگ های بلند آواز او را ستایش کنید. با چنگ های خوش صدا او را ستایش کنید. ^۵ هر که روح دارد خداوند را ستایش کند.

هَلِّلُویاه، سپاس به خداوند.

حیوانات وحشی و اهلی، خزندگان و پرندگان. ^{۱۱} ای پادشاهان زمین و جمیع امت ها و سروران و همهٔ داوران جهان. ^{۱۲} ای جوانان و دوشیزگان، پیران و کودکان. ^{۱۳} نام خداوند را ستایش کنید، زیرا تنها نام او متعال است و جلال و عظمت او بالا تر از زمین و آسمان. ^{۱۴} او شاخ افتخار را برای قوم برگزیدهٔ خود برافراشته است، تا همهٔ مقدسان او یعنی بنی اسرائیل که به او نزدیک می باشند، او را ستایش کنند.

هَلِّلُویاه، سپاس به خداوند!

سرود پرستش

هَلِّلُویاه، سپاس به خداوند! برای خداوند سرود تازه بخوانید و ستایش او را در جماعت مقدسان! ^۱ اسرائیل در آفرینندهٔ خود خوشی نماید و پسران سهیون در پادشاه خویش وجد نمایند. ^۲ نام او را با رقص ستایش نموده و با نوای چنگ و رباب او را پرستش کنند.

^۳ زیرا خداوند از قوم برگزیدهٔ خود رضامندی دارد. مسکینان را به نجات سرافراز می سازد. ^۴ مقدسان از جلال او خوشی کنند و در بسترهای خود با

